

کارگران جهان متحد شوید!

۳۴ صفحه

۹۶

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بها ۳۰۰ ریال

سال دوم - دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۵۹

در صفحات دیگر این شماره:

- ۲۳۷۵۰ تومان حقوق ناقابل! يك استاند ار "مکتبی"!! ۱۷ صفحه
- رزمندگان: تصفیه اپورتونیسیم به شیوه سانتریستی! صفحه ۱۹
- لا یحه ارضی رژیم: طنین طبل تو خالی برای فریب دهقانان! صفحه ۲۱
- "تحریم اقتصادی" چه تأثیری بر واردات ایران داشت صفحه ۲۴
- جاسوسان انگلیسی آزاد شدند. انشاء الله که به است! صفحه ۲۹

۱۷ اسفند روز بین المللی زنان کارگر و

زحمتکش گرامی باد!

صفحه ۲۷

سرمقاله

شرایط سیاسی کنونی و تاکتیک کمونیستها

خلعت کنونی شرایط سیاسی جامعه ایران، هم اکنون در این است که دورشته تضا دبه موازات یکدیگر، حلقه های مختلف حوادث سیاسی ایران را ببکدیگر متصل کرده و سیمای کنونی اوضاع سیاسی جامعه را ترسیم می نماید. تضا دمیان بالویا ثین، مسان توده های تحت ستم، با رژیم سیاسی حاکم، و دوم، تضا دمیان جناح های مختلف حکومت فدا انقلابی موجود. برای کمونیست های انقلابی جای هیچ تردیدی نیست، که در میان این دورشته تضا د آنچه که نقش حیاتی تعیین کننده را دارد، نقطه آغاز و اصلی اتخاذ گونیه تاکتیک و سیاست صحیح را برای سرولتاریا تشکیل میدهد، تضاد اولی و جهت حرکت آن است. هر کارگر آگاهی با پدید آمدن نگاه خویش را قبل از هر چیز و قبل از آنکه به دعوی میان جناح های

بقیه در صفحه ۲

اطلاعیه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در مورد **توطئه دستگیری رفیق محسن فاضل**

۳ هفته قبل، رژیم جمهوری اسلامی یکی دیگر از مبارزان با سابقه را که در سنگر مبارزه علیه امپریالیسم - صهیونیسم و رژیم شاه مبارزه کرده است، دستگیر نمود. رژیم جمهوری اسلامی مدت زیاد است که کوشش مسامد، حنین و انمود کند که سازمان مابک "سازمان آمریکائی" و افرادی نظیر رفیق محسن فاضل در رابطه با امپریالیسم آمریکا فعالیت می نمایند.

بقیه در صفحه ۱۴



ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی و نگرش انحرافی فدائیان خلق (اقلیت)
صفحه ۱۱

دروود بر کارگران قهرمان اعتصابی شرکت واحد
صفحه ۸

یاد رفیق کبیر، استالین را گرامی میداریم!
صفحه ۲۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

نقشه از صفحه ۲ سر مقاله...

رژیم، بدوزد، آنچیزی که روز سوشلیست‌ها، اورتونیت‌ها و فرمست‌های خرده بورژوازی تمام قوا در پی آنند، مانند اوضاع عسکری جنبش توده‌ای و سمت و جهت حرکت آن ساندازد و کلمه اصلی درک این اوضاع را از همین جا آغاز کند، چرا که نه تنها، این تمام نقش اصلی را در تعیین روند تکامل اوضاع سیاسی جامعه در هر مرحله و دورانی ایفا میکند، بلکه سوسه خودنقش مهمی در شکل گیری و نقش اصلی را در دادن گرفتن و گسترش تمام دوم، یعنی تصاد در سال ایفا میکند. اورتونیت‌ها، روز سو - نیست‌ها و فرمست‌ها، از بالا شروع میکنند و به پائین حرکت میکنند، کمونیت‌های انقلابی و پیگیر از پائین آغاز میکنند و بالا می‌روند. این یکی از مهمترین تفاوت‌هاست میان ما و تاکنشکی مارکسیست لنینیست‌ها، با خیل مزبور است.

رشد جنبش توده‌ای، در شرایط کنونی، آنچنان شتابی بخود گرفته است و حنان شور و شوقی را در میان توده‌ها پدید آورده است که در لحظه کنونی حتی دو آتش‌ترس اورتونیت - ها تمیزی نتوانند، همچون دیروز، بصراحت از رگود جنبش، و غلبه خدا انقلاب سخن بگویند. سورژوازی حاکم، اکنون، در مدانی به وسعت کشورهای ویران، در هر لحظه خوشتر را در برابر نسیم وزانی که از سوی جنبش توده‌ها سر می‌خیزد، نسیمی که نطفه توفانهای آینده را در دل خود می‌پرورد، روبرو می‌بیند، توده‌های تحت ستم ایران، متاثر از بحران عمیقی که ساختار جامعه را لرزاند آورده است، مستقما و علیرغم حتی توهمی که به آن جناح حکومت خدا انقلابی در ذهن خویش دارد، نظم اقتصادی - اجتماعی و در بسیاری اوقات نظم سیاسی موجود را نشان گرفته است، و هیچ قدرتی توان محدود کردن آن در یک چهارچوب قانونی، برای جلوگیری از واژگونی کل نظام موجود را ندارد و چرا که توده‌ها، در هر واکنش انقلابی و مبارزاتی خویش، متاثر از جنبش خدا انقلابی رژیم مستقما بر این نظم ضربه می‌زنند و چه را حسب قانونیت موجود را مورد تعرض خود قرار میدهند، کارگران در کارخانه‌ها، خلقها در مناطق ملی، دهقانان، هر چند به میزان بسیار کمتر در روستا - ها، توده‌های بی چیز و فقیر شهری در شهرها، روشنفکران، دانشجویان و دانش آموزان انقلابی هر یک بنحوی در حرکت روزانه خود، روحیه تعرض و مبارزه را در فضای سحرانی ایران می‌سراکنند هر حرکت رژیم در جهت سا زگرداندن نظم - انقلابی موجود، هر تعرض مستقما و به آزادیهای دمکراتیک، مستقما جنبش را برمی انگیزد و به واکنش و می‌دارد. همین حوادث هفته‌های اخیر کرمان، شهری که از لحاظ سطح متوسط مساز، در

کل ایران، جایگاه آنچنان برحسب ای هم ندارد روشنی این واقعت را آنکار می سازد که چگونه یک واقعت سیاسی مثلا نورویک فید مخالف حرب حاکم، توده‌ای جسده هزار نفری را به حاکمان می کشاند و مستقما سر علیه جناح غالب هیئت حاکمه که نقش اصلی را در سازماندهی سازه ترور ایفا میکند، می شورا ند، بطوریکه حتی لیبرالها را نیز به وحشت و تکاپو برای جلوگیری از این سبل "مخرب" وامدارند، اما جنبش حتی آنها را نیز علیرغم تمام توهماتی که در ذهن توده‌ها نسبت به خود سرا تکبخته اند، تا - کام می گذارد.

کارگران در شرایط جنگی و علیرغم توهمه - ها و "رهنمودهای امام" و شهیدهای رژیم، دست به اعتصاب میزنند و بر علیه فقر و فلاکت موجود به حرکت در می آیند. بطوریکه همه جناحهای هیئت حاکمه در موضع گیری علیه آنها پافشاری و اصرار دارند (به همین اعتصاب اخیر شرکت واحد نگاه کنید) و این در حالی است که ریزیزو - نیست‌ها و اورتونیت‌ها، سپاه کارگران را به تحمل نظم خدا انقلابی موجود فرا می خوانند و آنان را دعوت به "افزایش تولید" می نمایند.

ویژگی اساسی شرایط عینی مبارزه توده - ها در وضعیت کنونی، اعتلای انقلابی آن است.
بدون ارزیابی ذهن گرایانه از این منتهایین اعتلا و نیز شرایط ذهنی توده‌ها، با پیدا شدن داشت، که جنبش توده‌ها، در سطح و در عمق رشد و گسترش پیدا کرده و تمام حوادث و جریانها را سیاسی درجا معما، روزها بر این امر دلالت دارد. این اعتلا بدون شک در مسیر یک شورش همگانی بر علیه نظم موجود، به پیش خواهد رفت و به یک خیزش عمومی تبدیل خواهد شد. اینک جنبش در این سیرا اعتلای خویش، از چه راه‌ها و گذرگاه‌هایی عبور نماید، با چه دامنه و شدتی به حرکت آتی خود ادامه دهد، به چه نتایج آتی دست ما بدوچه فراز و نشیب‌هایی را از سر بگیرد، امری است که از قبل قابل پیش بینی نیست، اینک سرانجام این سیرا اعتلا، چگونه و در چه شکلی به انفجار همگانی تبدیل شود، اینکه آیا سرانجام این سیرا اعتلا و شورش همگانی به یک انقلاب پیروز منتهی گام خواهد یافت یا نه، با شرایط ذهنی توده‌ها و بسیاری عوامل و عناصر دیگر که از قبل ناشناخته است رابطه تعیین کننده دارد. اما تمام این آینده‌های ناشناخته - معلوم و نامشخص نمی توانند بر این واقعت خدنه‌نا پذیر برده اندازند که این اعتلا یک مسیر انقلابی را طی میکند و جهت و سیرتکامل را می - بسازد.

دومین ویژگی اساسی شرایط و اوضاع سیاسی کنونی، که زمینه تکوین و تکامل خود را در ویژگی اساسی فوق الذکر می‌باید، تفاذهای او حکم و روشها بنده میان دو جناح اصلی هیئت

حاکمه است که هر یک از آنها، سپاه طبقاتی و سیاسی معینی را در پشت خویش بسیج کرده است. واقعت این است، که این تضادها، به موازات رشد و گسترش جنبش خلق و تعمیق شکاف میان لایه‌ها و مابین، متاثر از آن، سوزنا زجران اشغال سفارت به اینطرف سوسه و علیرغم افت و خیزهای فراوان روزه گسترش و عمق سوده و یک لحظه توقف نداشته است. سپاه عسکری این تضاد، از همان ابتدا و علیرغم تمام بروکش‌های رسمی و عوامفریبانه آن، چیزی جز دو سیاست و روش معین از جانب جناح‌های مختلف بورژوازی ایران (و بخشا خرده بورژوازی مرفه) در مقابل - بحران عمیق موجود در همه عرصه‌ها، نمی باشد. در روش و سیاستی که تلاش بورژوازی را در کلیت خویش برای ازاشه یک آلترنا تیو بورژوازی و خنثی کردن آلترنا تیو انقلابی و پرولتاریائی در وضع بحران کنونی، بروشنی نشان می‌سازد این دو سیاست و در روش (علیرغم ماهیت یکسان هر دو)، هر روز، که میگذرد و بحران فزونی می‌سازد ایضا دوز و آسای روشن تری بخود میگیرد و سیمای روشن تری به صف آرائی نیروهای سیاسی طبقه حاکم می بخشد. پیدایش تدریجی گرایش معینی در درون حزب جمهوری اسلامی، در جهت نزدیکی به بلوک شرق و ضدیت با بلوک غرب و متقاسلا گرایش پیدا وینها در جهت لیبرالها به بلوک غرب جلوه‌ای از تفاذهای این دو جناح را در قدرت سیاسی به نمایش می گذارد. سیرتکامل این تضادها که اکنون بصورت دو جنبه مشخص جلوه‌گری میکند، اکنون به جایی رسیده است که بسودن انسانی می توان گفت به بن بست نهایی خود درجه را چوب تناسب و آرایش فعلی نیروها در هیئت حاکمه، نزدیک میشود. اکنون به یقین می توان گفت هر یک از جناح‌ها، با تمام قدرت و علیرغم تمام توصیه‌های "اخلاقی" و "پدرانه" رهبران انقلاب، در جهت حذف رقیب از مجموعه قدرت تلاش میکنند. آنچه که تاکنون و با هم اکنون مانع اساسی چنین کاری بوده است اولاً و مهمترین رهمه وحشت هر دو جناح از از و جگیری جنبش توده‌ای و در خطر قرار گرفتن کل حاکمیت از طرف این جنبش بر اثر هرگونه اقدام تعیین کننده در جهت حذف جناح دیگر میباید شود، ثانیاً، توازن و تضاد است که در مناسبات سیاسی نیروهای موجود در هیئت حاکمه و بویژه، میان دو جناح و نقشی که خیمینی در این رابطه ایفا می کند بوجود آمده است. اکنون نه جناح حزب جمهوری، که موضع غالب را در قدرت سیاسی دارد می تواند به حذف کامل لیبرالها، بدلیل پایه استواری که در توهمات توده‌ها یافته اند، دست زند (صرف نظر از اینکه در خود جناح حزب نیسیز گرایشات متفاوت طبقاتی و سیاسی، امکان یک حرکت یکپارچه و هماهنگ را در این رابطه به

نقشه در صفحه ۳۰

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها!

جنبش کارگری



اینست ماهیت رژیم جمهوری اسلامی:

لغو سود ویژه کارگران
و بخشودگی حق بیمه
سرمایه داران!

آز شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟ (۳)

الف - رشته انومیل سازی

۳- کارخانه بنزخاور

کارخانه بنزخاور با این کارخانه بیش از ۳۰۰۰ کارگر و کارمندان و دو کارخانه میونهای بنز تولید میکند. مدیر عامل ضدکارگزاران و عامل حزب جمهوری اسلامی است که برای تحت فشار قرار دادن هر چه بیشتر کارگران به وضع مقررات خشک "انضباطی" و در واقع ایجاد اختناق در کارخانه میادرت نموده است. بطوریکه تمامی حرکات کارگران و بخصوص کارگران مبارز سرزنش انتظامات کارخانه و سرپرستها و فورمنها قرار دارد. اما با این وجود فشارگریهای کارگران

مبارز و کمونیست همچنان ادامه میابد. شورای کارخانه نیک شکل زرد (فدکا رگر) و طرفدار لیبرالهاست. شورا علنا بدفاع از جناح لیبرال رژیم پرداخته و از این موضوع بر علیه حزب به تبلیغات مبردا زد. از این رو "شورا" توانسته است تا عوام مغریبیهای بسیار را غلب کارگران نا آگاه را مدافع خود سازد و از این طریق انجمن اسلامی کارخانه را که بسیار بمنزوی است، بکنار رزند. قبل از جنگ کارگران برای رسیدن به خواستهای صنفی خود و بخصوص اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بنفع کارگران، "شورا" را تحت بقیه در صفحه ۴

تعرض انقلابی کارگران کفش ملی برای آزاد ساختن همکارشان

روز ۵۹/۱۱/۲۰ با ساداران سرمایه در مقابل کارگران مبارز کفش ملی اقدام به تیراندازی هوایی نمودند. قضیه زانجا آغاز گردید که از چند هفته قبل کارگران خواهان دریافت حقوق تولیدات زهیشت مدیر جدید کارخانه شده بودند اما هیئت مدیره با دادن وعده و وعید مدتی کارگران را سردواند. یکی از کارگران که بعد از گذشتن موعده تعیین شده، نسبت به این مسئله نزد "شورا" اعتراض کرده بود توسط مزدوران رژیم سرمایه داری دستگیر گردید. کارگران شرکت "گابور" زمانیکه از این جریان مطلع شدند، تصمیم گرفتند راهی به جلوی کمیته رفته و همکار زندانی خود را آزاد سازند.

واردن ساخت بلکه ما سنا پیش گذاشتن شما مست و شجاعت طبقاتی خود پیش رفته و کارگر زندانی را از جنگ مزدوران آزاد ساختند. این حرکت انقلابی کارگران علاوه بر آنکه پیش از پیش آنها را به نیروی خود و افتخار گردانید چند مسئله دیگر را نیز برای کارگران روشن نمود نخست آنکه ما هیت فدکا رگری شورای کارخانه که کوچکترین اقدامی برای آزادی کارگران زندانی انجام نداد آشکار شد. دوم آن که ما هیت سرکوبگران سرمایه داران برای کارگران کاملاً آشکار گردید و آنها بی بردند که علت وجود این حافظین سرمایه داری چیزی نیست جز مبارزات کارگران بخصوص اینکه با ساداران در قبال این خدمات خود به سرمایه داران، علاوه بر ۸ ساعت حقوق، ۱۶ ساعت نیز "افاهگاری" دریافت میکنند؟! و اما سرچشمه ترین جنبه این حرکت انقلابی کارگران همانا خصلت تیرغری آن بوده نوید بخش اوگیری و شتمیق مبارزات طبقه کارگراست.

پاسدازان سرمایه از کارخانه ها اخراج باید گردند!
کارگران متحده همه چیز، کارگران متفرق هیچ چیز!

با ساداران سرمایه وقتی صف متحد و مسمم کارگران را در مقابل خود دیدند بوحشت افتاده و شروع به تیراندازی هوایی نمودند. اما کارگران که در گذشته به همراه سایر توده ها رژیم جلادها را با آنهمه قدرت سرکوب از زمین برده و با دست خالی با دگانها را تسخیر کرده بودند، آنها که خود اسلحه ها را بدست پاسداران داده بودند، نه تنها تیراندازی در عثمان خللی

بخشودگی مطالبات حق بیمه

شش ماهه دوم سال ۵۷

برای کارفرمایان
کم درآمد

بهران - خبرگزاری پارس: بمناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از سوی دکتر منافی وزیر بهداشتی ابلاغ شد که کلیه مطالبات حق بیمه شش ماهه دوم سال ۱۳۵۷ براساس موضوع لایحه براساس موضوع لایحه بخشودگی کارفرمایان کم درآمد مصوب شورای انقلاب، قسمتی از حق بیمه کارگاههای کوچک صنعتی بخشیده شود.

کارگران، زحمتکشان و هم میهنان مبارزان

بیش از دو سال است که ما شا هدخیا نتها و عوام مغریبیهای هر روز رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی هستیم. دوسالی که رژیم خدمت به سرمایه داران و سرکوب مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای ایران، کار دیگری نکرد است. دوسالی که جز وعده و وعید جز قریب و دروغ و جز نیرنگ و دورویی، از رژیم جز دیگری ندیده ایم:

- وعده آب و برق و اتوبوس مجانی میدهد، ولی جز کمک به سرمایه داران برای گرانتر کردن ما بحتاج مردم کاری نمیکند.

- حساب ۱۰۰ برای "خانه سازی" باز کرده و وعده مسکن به زحمتکشان میدهد، ولی آلونکهای زحمتکشان "خاک سفید" را یکشنبه با خاک یکسان میکند.

- وعده آزادی های دمکراتیک را میدهد، ولی انقلابیون و کمونیستها را در زندانهای آریامیری به حبس و شکنجه کشیده و آنها را اعدام میکند.

- دم از دفاع از منافع "متضعفین" میزند، ولی حتی جلوی پرداخت قسمتی از حقوق کارگران (بعود ویژه) را که در شرایط بسیار دشوار در زمان رژیم شاه بدست آورده بودند، میگیرد.

.....

آنگاه در شرایطی که:

- برای جنگ ارتجاعی کنونی شدت فشار بر

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



جنبش کارگری

کارگران و زحمتکشان دانشا افزایش می‌یابند، مال‌لیا آنها و قسمت ما سماج زندگی توده‌ها روز بروز بالاتر می‌رود،

به سبب جنگ و "کمک" به جنگ‌زدگان از حقوق کارگران کم کرده و حتی ناچار آنها را لغو می‌کنند

سماجران "سخته شده" را در بدترین شرایط برای درمان قرار می‌دهند

تزدیک ۲ میلیون آواره از سی مکتی گرسنگی و... در غذا سندن،

بیکاری زندگی میلیونها نفر را تهدید می‌کند

آری در این شرایط است که طبق سند فوق

دولت نمی‌تواند به حق بیمه ۶ ماهه "کارگران" -

بپردازد! اینست ما هست سرما به دارانه رژیم -

حزب چری اسلامی!

کارگران، زحمتکشان و هم‌میهنان مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه می‌تواند

منافع سرما به داران، بناجران، زمینداران و

سابقا بر مرفه جامعه است، و به همین دلیل

هم‌درستی با سازی و حکم ستم سرما به داران

و استبداد امپریالسم می‌باشد.

امار رژیم کور خوانده است طبقه کارگر را همراه سایر

توده های انقلابی دیگر جنبش اجازت می‌دهد و آنها

سرم و متحدان برقراری جمهوری دیمکراتیک خلق مبارزات

جرا داد! ما خواهان هدایت!

علیه حزب جمهوری، علیه لبرالها،

زنده باد دیکتاتور و توده‌ها!

بیترا دیمکراتیک خلق!

سازمان سکا و در راه آزادی طبقه کارگر

شماره ۳ از شروع

فشار بر ما داده بودند، که ما گسترش جنگ، کارگران

ای بی کاره‌ها هم‌اکنون با سکا بر کارگران تحت

تسلط سراسری خواسته‌های خود خود اری نمودند.

اما همانگونه که ما کدست زمان کارگران و

زحمتکشان ایران در بر خوردن واقعیت انجایی

بودن جنگ و سرمای سو آن برای سوده‌ها از

طرفی، و اساکری کمونسنتهای سگسرا طرف

دیگری ما هست سرما به دارانه جنگ، بی برسد،

کارگران سزخا و سزخا و سزخا و سزخا خود را

عطرچ کردند و "شورا" را بر سرش قرار دادند.

و آنجا سکا، تمامی کارگران سکل سکا رجه

و متحدخواهان اجرای طرح طبعه سدی ما عمل

هستند، "شورا" و مدیریت کارخانه محسور سسه

بدترین ای خواست شده‌اند.

یک نکته مهم

کارگری به رفیقش میگوید: در شرایط فعلی ما با کارمندان بد (سنتی صدور لیبرالها) و بد - (نر (حزبها))، بد را انتخاب کنیم. رفیقش در جواب میگوید: ما "بد" داریم، "بدر" هم داریم، "خوب" داریم و "خوبتر" هم داریم. چرا بین اینها "خوبتر" را انتخاب نکنیم؟!

"شورا" و مدیریت در آغا جنگ تصمیم می - گیرند که به ازاء هر شش ماه یکروز از حقوق کارگران را برای جیب به حساب بکنی صدر بریزند. این عمل با مخالفت و اعتراض دهه ای از کارگران مواجه میشود. ما "شورا" با استفاده از

تئوریتستی آزمون، در یک مجمع عمومی با

"فدا انقلاب" خواندن مخالفین، پرداخت بیکروز

حقوق را اجباری میکند، در ضمن به پیروی از

سیاست کلی دولت مبنی بر سواستفاده هر چه

بیشتر از روحیه "میهن پرستانه" کارگران و

افزایش شدت کارواستشمار، مدبران دولتی

کارخانه نیز تولید را دو برابر کرده و از ۱۵۰ عدد

کارمیان در روز به ۳۰۰ عدد میرسانند که روشن

است چه فشار شدیدی به کارگران وارد نمود، به

عبارت دیگر اگر گرانتری روز افزون مواد مورد

تیار کارگران را در نظر بگیریم، جنگ موجب شد

که خیلی ساده و با یک چرخش قلم حقوق کارگر

عملا نصف شود. بیهوده نیست که سردمداران رژیم

از "خیرات" و "برکات" جنگ دم میزنند! آیا

خیرو "برکتی" بیش از این برای سرما به داران

میتوان تصور کرد؟!

یکی دو ماه بعد از جنگ که توهمات کارگران

نسبت به جنگ فرو میریزد، مسائل مورد بحث

کارگران نیز از مسئله جنگ به مشکلات اقتصاد

اجتماعی عیان (گرانی سرما) و رو کمبود ما محتاج

اولیه زندگی از طرفی و ولخرجی های رژیم نظیر

پرداخت ۲۰۰ میلیون تومان برای خرید اسلحه

و پرداخت میلیونها تومان به روحانیون و ...

نغییر می‌باشد، ما آنچه که در جنگونگی پیشبرد

مبارزات کارگران اهمیت بسیار دارد، میزان

آگاهی طبقه ای آنها و شناختی است که نسبت به

حنا چهای مختلف رژیم دارند. از اینرو وظیفه

کارگران انقلابی و بخصوص کمونسنتهاست که با

افشای همه جانبه و گسترده رژیم و بخصوص جناح

لسرالیها (سنتی صدر) که توهمات سیاسی برای

کارگران سوجود آورده اند، در ارتقا آگاهی

کارگران بکوشند. هم‌چنین نمایندگان این

حاجها در کارخانه سنی "شورا" ی ضد کارگری

احسین اسلامی را افشا کرده و خواهان انحلال آنها

سوند. کارگران انقلابی و کمونسنت میبایست

خواست تشکیل شورای واقعی کارگران را بدرون

آنها برده و تسلیخ نمایند.

کارکنان جنگزده صنعت نقتهای اجتماعات خود خواهان آزادی نمایندگان شان شدند

اصفهان :

کارکنان جنگزده صنعت نفت در پی نشستهای

هفتگی خود روز ۱۳/۱۱/۵۹ میتینگ بزرگساز

کردند. ابتدا یکی از نمایندگان در باره اخراج

۴۰۲ نفر از کارگران زیر پوشش (رجوع کنید به

پیکار ۹۴) صحبت کرد و پیشنهاد جمع آوری کمک

برای آنها نمود. سپس یکی دیگر از نمایندگان

در این باره گفت که چگونه طبق سنتی که بدست

آمده، کارگران مبارز را به نایب پراکنی در باره

اخراج کارگران زیر پوشش متهم کرده اند، در

حالی که امروز میبینیم که مسئله شایع نبوده و

دولت اقدام بدینکار کرده است! بعد از سخنان

این نماینده نوبت میرسد به ما در یکی از

نمایندگان زندانی که برای دیدن فرزندش به تهران

رفته بود. این ما در مبارز در سخنانش اظهار

داشت: "بسیار راه همه میشنا سندا و میتوانست

در خانه بنشیند و سر همراهم حقوق خود را بگیرد ما

از آنجا که به کارگران اعتقاد داشت راه مبارزه

را انتخاب کرد." او سپس ضمن اشاره به سر -

دواندنیهای مقامات وزارت نفت در تهران

گفت: "من به آنها گفتم که شما فکر میکنید کسی

هستید؟! این بصر من و همکاران من بودند که شما را

به اینجا رساندند حال چطور شده که شما "انقلابی"

شدید و بیجه های ما "فدا انقلاب"؟! این مسادر

مبارز در جواب مقامات رژیم گفته بودند

"نمایندها ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر کارگران آگاه

را تحریک کرده بودند"، پاسخ ندان شکنی

داده و گفته بود: کارگران که گوسفند نیستند که

کسی آنها را تحریک کند! گرسنگی آنها را به

حرکت در آورده، از نظر شما هر که گرسنه است و

جقش را طلب میکند نا آگاه است، پس شما که

نا آگاه "نیستید حتما شرو تمندید"

بعد از آن نماینده زندانی، یکی از

نمایندگان سازشکار و فرصت طلب با عنوان

کردن اینکه "این زن میخواهد ما را تحریک

کند! سعی کرد تا از قوت گرفتن روحیه انقلابی

در میان کارگران جلوگیری نماید، و برای

آزاد ساختن نمایندگان زندانی راههای

سازشکارانه و بی نتیجه ای چون "مذاکره" و

مراجعه به دفتر ترامپ و رئیس جمهور را پیشنهاد

کرد. این فرد که سعی داشت کارگران را وادار

کند از سرمداران رژیمی که بیعت تفا داشتی -

نا پذیرش ساز کارگران و زحمتکشان، نمایندگان

بقیه در صفحه ۷

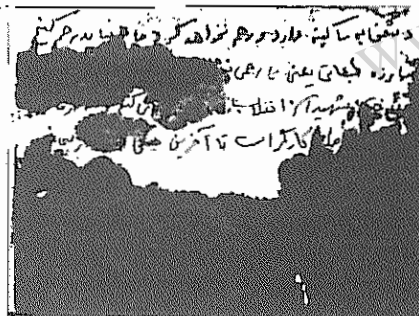
۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلق ها و مسئله ملی



خون سرخ پیشمرگه، نشانه میثاق او با زحمتکشان

کمونیستها شیفته زندگی هستند ولی نه بسا هر قیمتی. کمونیستها زندگی را دوست میدارند که بسا بسند و در راه آرمان سرخ طبقه کارگر بیکار کنند ولی در این مبارزه طبقاتی از سرگ نمی - هراسند. آنان تا آخرین قطره خون در راه راهائی کارگران و زحمتکشان با پرچم سرخ انقلاب و سوسیالیسم در دست به پیش می روند و وفاداری خود را نسبت به عهد و میثاقی که بسا کارگران و زحمتکشان بسته اند با خون با شما میکنند در ماه گذشته در یک درگیری با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی یکی از رفقای پیشمرگه - بیکار و زخمی شد و در حالیکه گلوله ای به ران و گلوله دیگری به سرش اصابت کرده بود، در هوای سرد و در میان برفهای کوهستانهای سراسر از کردستان به مقاومت دلیرانه خود ادامه داد زما نیکه فقط یک گلوله برای رفیق مانده بود، رفیق قهرمان ما شروع به نوشتن وصیت نامه خود نمود. در همین حال در اثر رسیدن پیشمرگان دیگر، از خطر مرگ حتمی نجات یافت. در زیر قسمتی از وصیت نامه رفیق که در کاغذی آغشته به خون این رفیق بیکار رگروشته شده است میاوریم:



"دشمن به ما کینه دارد و روح نخواهد کرد، ما هم تنها بدرحم کنیم. مبارزه طبقاتی یعنی بیرحمی به دشمن طبقه ای. من به خون شهیدان انقلاب سوگند میدارم که به آرمان من که آرمان طبقه کارگر است تا آخرین نفس وفادار باشم. من افتخار میکنم که مرگم در راه آرمان زحمتکشان است. ما در امیدوارم که بتوانی جای خالی مرا برای همیشه بگیری سلام مرا بتمام دوستان و آشنايان برسانید، کامیاران، فرزندان شما."
۵۹/۱۱/۱
چقدر با شکوه است، مرگ را در برابر خود

مهاباد: ادامه مقاومت

تنها اداره آب و برق به دلیل اهمیت آن برای نیروهای دولتی مشغول بکارند ولی با ساداران کارمندان و کارگران آنجا را نیز بشدت زیر فشار قرار داده اند و هر روز به آنها تانک را مورد اذیت و آزار قرار میدهند. سرکوبگران موقع تعطیل اداره و با زکشت کارمندان به خانه ها - بشان بسوی آنها تیراندازی کردند که خوشبختانه به کسی آسیبی نرسید. امروز ۱۶/۱۱/۵۹ - مزدوران مستقر در "دانشگاه" اطراف - چهارراه مولوی را زیر توپ و خمپاره گرفتند که در نتیجه دست کم ۱۲ خانه ویران شده، سه نفر از مردم بی دفاع شهید و دو تن دیگر زخمی شدند. در این اثنا یک گلوله خمپاره به جیب ۶ سینه در پارک ساداران که از آن محل عبور میکرد، اصابت کرده و سه تن از پارک ساداران به هلاکت رسیدند. این خمپاره برای تا ساعت چهار ربعه از ظهر ادامه یافت، رفت و آمد مردم در این روز قطع شد. (خبرنامه ۱۲۲ کومه له)

شهر همچنان حالت جنگی دارد، بازار تعطیل است، اما حالی محلات فقیرنشین با امکانات نا - چیز خود مشغول ساختن پناهگاهها برای درامان ماندن از خطر خمپاره باران و توپ بسیار از ارتش و پارک ساداران جنایتکار هستند. ذخیره مواد غذایی مردم رو به اتمام است. تعدادی از مردم شهر را ترک کرده اند و به دهات و شهرهای اطراف پناه برده اند. هر چند گداگاری و صدای دلخراش گلوله های توپ و خمپاره و زنگبار مسلسل های ارتش و پارک ساداران سکوت شهر را در هم می شکنند. مردم با امکانات کم خود زخمیها را مداوا میکنند و با وجود این همه فشارها روحیه بسیار خوبی دارند. پیشمرگان کومه له در تاریخ ۵/۱۱/۵۹ شهر را ترک کرده اند. دیروز (۱۵/۱۱/۵۹) پارک ساداران بطرف دونفره بردار جومسجد عباس آغا آتشش می کشانند و در نتیجه یکی از آنها را زخمی و دستگیر میکنند. همه ادارات تعطیل هستند و

سازمان چریکهای فدائی (اکثریت): خیانت به خلق کرد خدمت به ضد خلق

رویزونیستهای خائن سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) نیز فعلا نه وادار میدان شده و به اشاعه تسلیم طلبی و ایجاد تزلزل در بین پیشمرگان و توده های زحمتکش مردم مشغول بوده و با لجن پراکنی های مذبوحانه بر علیه کمونیستها و نیروهای انقلابی کردستان جهت پراکنده ساختن صفوف متحد خلق کرده اند. تلاش می نمایند، از جمله اخیرا مردم قهرمان ساندیج شاه در شرف نویسیهای بدون امضا متعددی در میان دین و دیوارهای شهرها مضمون "ما م غفودا ده خود را تسلیم کنید" بوده اند که بشهادت آنها چنین شما را بی توسط اکثریتی - های خائن نوشته شده است. حال در راه بسا خیانت سازمان چریکهای اکثریت و تبلیغ و

به دنبال تلاش در ایجاد جنگ روانی بر علیه خلق کرد و اشاعه روحیه تسلیم طلبی از طریق تبلیغات دروغین حول توبه و تسلیم - سلاح پیشمرگان و دادن امان نامه به آنها توسط رژیم اکنون در ماندگی و استیصال رژیم در ایجاد تزلزل در بین خلق قهرمان کرد، به داده اولتیماتومهای مکرر تبدیل شده و رژیم جمهوری اسلامی روز و شب ضرب الاجل های جدیدی برای پیشمرگان در جهت تسلیم شدن تعیین میکند. ما در بیکار شما ره ۹۴ در تحلیل ما هیت توبه و امان نامه و تسلیم شدن کاذب پیشمرگان و اهداف رژیم از بکارگیری این حیل و سخن گفتیم. اکنون افشای مجدد اهداف رژیم و تا کید بر آنچه که در بیکار ۹۴ گفته شده از آن جهت ضروری می - نماید که در این جنگ روانی بر علیه خلق کرد

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



دیدن و بیاد آردمان رهائی بخش طبقه کارگر
بخاطر سوسیالیسم و کمونیسم، سوگند وفا داری یاد
کردن. چقدر زیست است که با خون سرخ خود میشاق
وفا داری به آردمان زحمتکشان را! مضافاً یکی و
تا آخرین قطره خون بمباران طبقه‌های ادا شده
بدهی آری! اینست راه و رسم کمونیست بودن و
کمونیست وارد بر این بر سرگشته‌ها و بی‌مسرگ
سرخ در راه زحمتکشان بالیدن!

بقیه از صفحه سازمان ...

اشاعه تسلیم شدن در برابر رژیم در سبب خلق کرد
می توان گفت که آیا تبلیغات رژیم حول محور
تسلیم شدن به اصطلاح پیشمرگان و توبه و تحویل
اسلحه آنها و دریافت آمان نامه واقعتاً وجودی
دارد؟ بدون شک از نظر کمونیست‌ها و پیشمرگان
انقلابی جنبش مقاومت با سخ چنین سوالی
منفی خواهد بود. اما با توجه به تکامل خیانت‌های
دستجاتی از جمله رویزیونیست‌های سازمان
چریک‌های اکثریت، چنین تبلیغاتی می تواند
بریک زمینه مادی که سیاست‌های فدا انقلابی
سازمان چریک‌های اکثریت در مقابل جنبش
طبقه کارگر و خلق‌ها را ستم‌دیده‌ها هم میکنند قرار
گیرد بررسی چگونگی مادیات یافتن تبلیغات
رژیم توسط سازمان چریک‌های فدائی اکثریت
بدون برخورد به گذشته این سازمان در جنبش
مقاومت خلق کرد میسر نیست.

سازمان چریک‌های فدائی خلق از جمله
نیروهای بی بود که از آغاز جنبش مقاومت خلق
کرد بطور فعال در مبارزات برحق و عادلانه خلق
کرد شرکت نمود از بعد از انتشار نشریه "کسار"
شماره ۵۹، و انتشار بعد از این سازمان، بخش
اکثریت آن با در غلطیدن به منجانب رویزیونیسم
و ریزیونگی در مقابل ارتجاع حاکم خیانت‌های
خوبش نسبت به طبقه کارگر و خلق‌ها را ستم‌دیده
ایران بویژه در ترکمن صحرا و کردستان به نمایش
گذاشت و از همان ابتدای گرویدن به صف ضد
انقلاب ضربه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد را
در دستور کار خود قرار داد. بدیهی است که این
سازمان در تداوم و تکامل ارتداد خیانت آمیز
خود، نمی توانست در برخورد به روند روبه رشد
جنبش مقاومت خلق کرد بی تفاوت ماند و از
این نظر در خدمت به جناحیتکاران جمهوری اسلامی
و سرکوبگران خلق کرد و در خیانت به خلق
ستم‌دیده و زحمتکش کرد و از زمین‌ها شده و عملاً به
مقابله با جنبش مقاومت خلق کرد اقدام می -
نماید. بر اساس همین سیاست است که خائنین
سازمان چریک‌های فدائی (اکثریت) بلافاصله
بعد از پیام خدا انقلابی خمینی در اول بهمن با
انتشار تراکتی به مشاطه‌گری چهره کریم بورژوا
- زی حاکم پراکنده و از تک تک مفاد پیام

رژیم، تحویل اسلحه و دریافت آمان نامه
رژیم را در جنگ روانی که بر علیه خلق کرد
براه انداخته یاری میکنند و در واقع آنچه که
امروز رژیم ادعا میکنند تبلیغاتی است که
خوراک آن بدست این خائنین رویزیونیست
تهیه میشود.

حال اگر چه خلق ستم‌دیده کرد، همان تنفس
عمیقی که نسبت به رژیم جمهوری اسلامی دارد،
در مقابل سازمان چریک‌های اکثریت و برادر
بزرگش حزب ضد خلقی و ارتجاعی توده نیز از خود
نشان میدهد، اما نباید نقش این سازمان ضد
انقلابی در خیانت و توطئه بر علیه جنبش مقاومت
را نادیده گرفت. چه با توجه به نقش سابق این
سازمان در جنبش مقاومت خلق کرد، اطلاع و
آگاهی با نسبت آن از کم و کیف جنبش، روحیه
پیشمرگان، بویژه اطلاع از شیوه‌ها، اشکال،
تاکتیک‌ها و استراتژی نظامی خلق کرد، حضور
فعال فدا انقلابی آن در کردستان و مناطقات
فراوانی برای جنبش مقاومت می تواند در بر-
داشته باشد، علاوه به لحاظ دشمنی این سازمان
با کمونیست‌ها و یکا گرفتن شکل‌های مختلف
جاسوسی در باره کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی
افشای پیگیر و وفا طعنه‌ها این نیروها را همیت
فراوانی برخوردار است. امروز سازمان
چریک‌های اکثریت هر آنچه را که در طول دو سال
مقاومت حماسه آفرین خلق کرد تجربه کرده اند.
در اختیار دشمنان و جلادان خلق کرد قرار می -
دهند تا با اثبات نوکری خود به ارتجاع حاکم،
امتیازاتی در جهت منافع سوسال امپریالیسم
روس از آن کسب کنند. تبلیغ تسلیم شدن و
دریافت آمان نامه به تبعیت از سیاست بورژوا
- زی حاکم در حقیقت از تبلورات چنین
سیاستی است که این خائنین در مقابل جنبش
مقاومت در پیش گرفته اند و طبیعتاً است که
چنین سیاستی با رشد توده‌ای شدن هر چه بیشتر
جنبش مقاومت بطور خاص و قرار گرفتن رژیم
جمهوری اسلامی در آستانه سقوط در اثر رشد و
گسترش هر چه بیشتر مبارزه طبقه‌های بطور عام،
بطور عریان و آشکار تر از پیش به مقابله فعال تر با
جنبش طبقه کارگر و توده‌ها و خلق‌ها را ستم‌دیده
تبدیل خواهد شد.

مذکور حمایت نامموند، پرواضح است که
حمایت سازمان چریک‌های فدائی اکثریت از
پایا خمینی نمی تواند در چهره رجب صرفاً نوعی
تا شد باقی بماند چه منافع طبقه‌های بورژوازی
ارتجاعی حاکم از یک طرف و ریزیونگی خائنین
رویزیونیست از ارتجاع حاکم جهت کسب امتیاز
از آن از طرف دیگر، مستلزم اثبات عملی این تا شد
بویژه در امر "توبه"، "تسلیم سلاح" و "یا زکشت
به آغوش اسلام" از طرف اکثریتی‌های ورشکسته
میباشد. حال با توجه به تعاریف فوق آیا نمی -
توان گفت که هیاهوی رژیم ضد خلقی جمهوری
اسلامی در مورد تسلیم شدن پیشمرگان! در رابطه
با جریان فدا انقلابی نظیر اکثریتی‌های
خائنین چندان هم دور از واقعیت نیست؟ آیا این
"افراد مسلح غیر قانونی" که خود را به اصطلاح
تسلیم رژیم جمهوری اسلامی کرده و "آمان نامه"
دریافت میکنند، جز پیشمرگان و نیروهای نظیر
اکثریتی‌های خائنین کسان دیگری می توانند
باشند؟ خائنین رویزیونیست با استفاده از
فرصتی که بپایا خمینی برایشان فراهم آورده در
پی ضربه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد برآمده
با برکردن شهرهای کردستان از شما رهائی
نظیر "اما م عقودا ده تسلیم شوید" در بین خلق کرد
اشاعه تسلیم طلبی کرده و به ایجاد ترنزل در
روحیه پیشمرگان جنبش مقاومت آغاز نموده اند.
نوکران بورژوازی اسلحه‌هایی را که بپایا
خون هزاران شهید در ایران و بی‌پاسی‌ها در صدم
ها کارگر و دهقان و زحمتکش کرد و زخمی شدن و
آوارگی و بی خانمان شدن هزاران تن از آنها
غصب کرده اند، تحویل جلادان خلق‌های ایران
می دهند. آنچه که اکنون رژیم جمهوری اسلامی
در مورد تسلیم شدن پیشمرگان و تحویل اسلحه و
دریافت آمان نامه ادعا میکنند در حقیقت معلول
سیاست‌های فدا انقلابی دستجاتی نظیر رویزیو-
نیست‌های سازمان چریک‌های اکثریت است که با
وادار کردن پیشمرگ‌ها را خود به تسلیم در برابر



**ضربات شدید پیشمرگان کوه‌ها
بر نیروهای دشمن در سنج**

۵۹/۱۱/۱۱ - ساعت ۵ صبح یک ستون
پیاپی، ارتشی و پاسداران روستای "کرجو"
را محاصره نمودند ساعت ۷/۵ صبح وارد آنجا
شدند. همچنین در ساعت ۹ صبح ۲۵ خودرو از
نیروهای دشمن بکمک ستون پیاپی وارد ایسن
روستا شدند. دشمن تا نزدیکی‌های ظهر در کرجو
ماند و به اذیت و آزار روستائیان پرداخت. سر -
بقیه در صفحه ۲۶



نوطه سرمایه داران علیه کارگران، درگیلان

سرورن بکنند!
آری! آنها چه خوب و حدتنا را درمقا بل
مبارزات کارگران به سبب مسخا رند! آنها
کدام مبارزات او حکمرنده کارگران به وحشت
افنا ده اند میگویند: "با بد از تشکیل سورا های
انقلابی در کارخانجات حلگیری کنیم. آنها
می گویند که: کمته احیا اتحاد سورا های انقلابی
کارگران گیلان "فدا انقلاب" است و باید آنرا از
هم با نا ندو کارگران را شدیدا سرکوب نمود. البته
روشن است که منظورنا از "فدا انقلاب" کارگر-
ان مبارزی هستند که در مفتخوریها و بهره کسی -
های آنها اخلال میکنند سرمایه داران سبب
وقاحت و سخرمی راه حاشی می رسانند که

در روز ۵۹/۱۱/۱۸ مدیران دولتی کارخانجات
گیلان، در استان داری جلسه تشکیل داده و به
نوطه حینی بر علیه کارگران میبردازند. در
این جلسه که ظاهرا تحت عنوان بررسی مسئله
'کمبود لوازم پدکی' تشکیل شده بود، مدیران
مزدور و سرکوبگر کارگران اعلام میکنند که: "به
هیچ وجه نباید سود ویژه، حق مسکن، وام مسکن و
طبقه بندی دستمزدها اضافه شود و باید بدتنها همان
مقداری را که دولت گفته بدیم." آنها همچنین
بر لزوم سرکوب مبارزات کارگران برای سود
ویژه، تاکید مینمایند. این نمایندگان سرمایه
داران در واقع میگفتند: "ما باید سال با
بکدیگرا اتحاد داشته باشیم و هما نند با رسال نشود
نه کارگران توانستند سود ویژه را از حلقوم ما ن



بودیم آنها بما پیشنهاد شده و حق الکسوب
کردند! "او در میان سخنانش خواهان ادامه
مبارزه بیگانه و متحدانه کارگران بود و
کارگران چندبار شعار "نمایند زنده ای آزاد
با بد کرده" را تکرار کردند.
در میان اجنماع، با وجود مخالفت چند نفر
سازشکارا کارکنان خواهان ادامه مبارزه برای
آزادی نمایندگان زندانی، بشیوه ای انقلابی
شدند. اما اقدامات سازشکاران و بخصوص نوطه -
های ضدکاری در رودسته های انجمن اسلامی،
کارکنان را به ضرورت هر چه بیشتر افزایش
هوشیاریشان و استحکام بخشیدن به اتحادشان،
فرا میخواند.
نمایندگان زندانی شورای سراسری
کارکنان جنگزده صنعت نفت آزادما بدگردند!
نوطه های رژیم بر علیه کارکنان جنگزده
افشا با بدگردند!

اینصورت بیشتر آفا خواهد شد، از اینکا رود -
داری کرده و در حالیکه شدیدا مورد تعرض کارگران
قرار گرفته بود، فرار را برقرار ترجیح داد!
بعد از این جریان همسریکی از نمایندگان
زندانی سبت میکروفون رفته و به افشای
مسئولین صنعت نفت و مسئولین زندان پرداخت
او گفت: "بما اجازه ملاقات با همسرو فرزندانمان
راندا دند و پا سدا ران با ما بسیار بد رفتاری
میکردند. آنها به ما دریکی از نمایندگان که
گفته بود: بگذارید بچه هایمان را بسنیم که آیا
زنده اند یا آنها را کشته اید زیرا برای شما
آدمکشی مثل آب خوردن است"، شدیدا اهانست
کرده و تهدیدش نمودند. آنها همچنین به شرمانه
خواستهای ۹ ماهه ای کارکنان را "بیرون آمده
از زیر دست صدام" خواندند. زهی وقاحت!
این همسر مبارز را دادا به سخنانش گفت:
"در شرایطی که ما خواهان آزادی نمایندگان

بقیه از صفحہ ۴ کارکنان...
آنها را زندانی کرده است، آزادی آنها را
گذاشتی کنند، عملا به سرمایه داران و رژیم
حامیشان خدمت میکرد.
کارکنان همگی که خواهان تلاش برای آزادی
نمایندگان نشان بودند، برای رسیدن به این
هدف و همچنین پیشبرد مبارزاتشان میبایست
از این گونه راه حلهای سازشکارانه دوری جست
و تنها با اتکا به اتحاد خود و قدرت طبقه کارگر
مبارزات خود را به شیوه ای انقلابی پیش ببرند
آنها باید به جلب حمایت سورا های کارکنان
شاغل پالایشگاه و سایر کارکنان بپردازند.

روز پنجشنبه ۵۹/۱۱/۱۶ بدعوت شورای
کارکنان جنگزده صنعت نفت جهت آزادی
نمایندگان زندانی و پیگیری خواسته های
کارکنان، در محل باشگاه نفت این شهر اجتماع
با حضور بیش از ۷۰۰ نفر تشکیل شد. ابتدا یکی
از نمایندگان شیراز که به همراه نمایندگان
کارگران سایر شهرها برای مذاکره بمنظور
آزادی نمایندگان، به تهران رفته بود، صحبت
کرده و به بی توجهی و سنگ اندازی مسئولین
اشاره نمود. سپس یکی از اعضای انجمن اسلامی
پالایشگاه شیراز برای عوامفریبی و به انحراف
کشیدن مبارزات کارکنان صحبت کرد که با
اعتراض شدید کارکنان مواجه شد.
دارودسته انجمن اسلامی که وظیفه خدمت به
رژیم سرمایه داران از طریق منحرف کردن مبارزات
کارکنان و شناسائی کارکنان مبارز را بعهده
دارد، طی اعلامیه ای نمایندگان دستگیر شده
کارکنان را "آمریکائی" معرفی کرده بود. اما
از آنجا شیکه این عمل موجب برانگیخته شدن
خشم و تنفر کارکنان و انجمن اسلامی را بیش -
از پیش در نزد آنها افشا کرده بود، لذا این
مزدوران سرمایه مجبور به عقب نشینی شده و
مزدوران طی اعلامیه دیگری سعی کردند خود را
مدافع خواسته های کارکنان و آزادی نمایندگان
نشان دهند. اما اینبار نیز توسط یکی از کار -
کنان مبارز افشا شدند. او خطاب به نماینده
انجمن اسلامی گفت: شما اگر راست میگوئید و از
خواسته های ما پشتیبانی میکنید چرا با مراحت
اعلامیه قبلی خود را رد نمیکنید؟! در اینجا یکی
از کارکنان برای افشاشدن هر چه بیشتر انجمن
اسلامی خواست که نماینده انجمن اسلامی
اعلامیه ای را که در آن نمایندگان زندانی
کارکنان جنگزده شورای سراسری صنعت نفت را
"آمریکائی" خوانده بودند، برای جمعیت قرائت
کند. اما نماینده انجمن اسلامی که میدید در

فان، مسکن، آزادی

شروع مبارزات کارگران تهران اعتصابی شرکت واحد



کارگران مبارز!

اعتصاب و تحمّن برحق شما به منظور گرفتن دو ماه عیدی که توسط دولت جمهوری اسلامی لغو گشته است، مورد حمایت شما می کارگران و زحمتکشان است و شما می مردم آگاه تهران نیز از اعتصاب برحق شما حمایت میکنند رژیم جمهوری اسلامی که میکوشد فشارهای ناشی از جنگ ارتجاعی ایران و عراق را بدوش زحمتکشان

سود ویژه کارگران بودجه ندارد؟! آری رژیم برای مصرف ارتجاعی خود بودجه های کلان دارد، اما حاضر نیست حقوق ابتدائی کارگران و زحمتکشان را برسد.

کارگران مبارز اعتصابی!

شما میبایست نسبت به عوا مغریبی و دروغ گوئی دولت هوشیار ریوده و آنها را خنثی کنید رژیم میکوشد که به بیجا نه شرایط جنگی، و بیجا نمایش گذاشتن احساسات قربانیان خود، شما را از بدست آوردن حقتان منصرف نموده و مردم را به موضعگیری علیه شما بکشد. شما باید ضمن ادا ماه مبارزه خود بکوشید که کارگران و کادرمندان با یرتسمتهای شرکت واحد را نیز به همبستگی و اتحاد بدیا خود دعوت نموده و مبارزه متحدانه خود را برای کسب دو ماه عیدی سا یرخواستهای برحقتان ادا مدهید.

مستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران شرکت واحد!

پیروزی دمبارزات برحق کارگران شرکت واحد و دیگر کارگران ایران!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۱۲/۵

طبق آخرین اطلاع، تحمّن و اعتصاب کارگران مبارز شرکت واحد عصر روز ۱۲/۵ به پایان میرسد رژیم که از این حرکت انقلابی کارگران به وحشت افتاده بود، به انواع روشهای اعمال فشار بر علیه کارگران متوسل گردید. از جمله از یکسو تبلیغات فراوانی برآه انداخته و با بیشرمی بسیار کارگران را "فدا انقلاب" و "عامل آمریکا" خواند. همچنین با هوجبگریهای عوا مغریبانه که شیوه متداول در روسته حزب جمهوری است، مسئله جنگ و صلحها بی ساختگی از عکس العمل خانواده های قربانیان جنگ و... جنگ روانی گسترده ای را بر علیه کارگران برآه انداخته از سوی دیگر با تهدید و ایجاد تفرقه در صفوف کارگران توانست موقتا جلوی مبارزات کارگران را بگیرد. ولی مبارزات کارگران ادا مدها شده و تا نابودی کامل سرمایه داری ادا مده خواهد یافت.

تحصیل کنند و گریسان خود را خلاص نماید، پادشاهی و عیدی شما را نیز قطع نموده است تا بحسبان ناشی از ذوات سرمایه داری خود را اندکی تخفیف دهد و هزینه جنگ را تا مین نماید. مسلماً این اولین و آخرین اقدام دولت در تحمیل فشارهای ناشی از جنگ بر دوش کارگران و زحمتکشان نخواهد بود. این اقدام در پی سایر اقدامات ضد کارگری و فدمردمی دولت مانند افزایش ساعت کار کارگران و قطع ناها رکارخانه ها و تعطیل کارخانه ها و اخراج کارگران در مناطق جنگی، کاهش دستمزدها، افزایش مالیاتها، افزایش قیمت کالاها و ضروری مانند مواد دخوراکی، بنزین و... و بالاخره آخرین اقدام که هنوز سود ویژه کارگران صورت گرفته است.

دولت با بیجا نه های عوا مغریبانه های همچون "مادر شرط جنگی بر میبیریم" و "دولت بودجه ندارد" و... میکوشد تا اقدامات ضد کارگری خود را توجیه نموده و از مبارزات کارگران جلوگیری نماید!

اما مبارزات کارگران و آوارگان جنگ و سا یر زحمتکشان برای بدست آوردن خواسته های برحق خود، پشت محکمی است بر دهن رژیم جمهوری اسلامی.

کارگران شرکت واحد همچون سایر کارگران میسرند؛ چرا با بدهزینه این جنگ ارتجاعی را ا بنان برداخت کنند، چطور دولت بودجه دارد ۲۰۰ میلیون تومان توسط آقای رفسنجانسی از خارج کند و اسلحه بخرد، به روحانیون شیعه و سنی برای تبلیغات عوا مغریبانه بیش از ۱۰۰ میلیون تومان بودجه اختصاص بدهد و بنیاد شهید برای میهمانی در هتل هیلتون ۷۰۰ هزار تومان خرج نماید، و میلیونها تومان صرف خرید اسلحه و غیره نماید، ما برای پرداخت دو ماه

"لغو سود ویژه بشیوه جمهوری اسلامی"،
غارت کارگران ب نفع سرمایه داران"
"تنگ و نفرت بردشمنان طبقه کارگر"
کمیته احیاء اتحاد شوراهای انقلابی کارگران کیلان

جنبش کارگری

میگوید: سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر آمریکا می "است و با پیکار کارگران هوادار سازمان را شناسائی و اخراج نمود. این آقایان که شکمهایشان از فرط مکیدن خون کارگران سالها آمده و عمری را در نوکری امیربالیسم و همدستی با آن در بهره گیری کارگران سپری کرده اند، چه خوب دشمنان طبقاتی خود را میشناسند، دشمنی آنها با کمونیستهای راستین (نظیر سازمان ما) که نمایندگان واقعی طبقه کارگرند، نشان دهنده دشمنی عمیق و کینه طبقاتی نشان نیست به طبقه کارگر است!

کارگران مبارز و آگاه! افشای همه جا نیه توطئه های رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و عوا ملش، آماده کردن کارگران برای تشکیل شوراهای انقلابی کارگران، سازماندهی کارگران برای گرفتن سود ویژه و سایر حقوقشان، شناساندن سازمانهای انقلابی و کمونیست از جمله سازمان ما به کارگران و افشای خائنین توده ای، اکثریتی و... وظیفه تنگ شماست! در اینجا موظفانقلابی و طبقه ای مان از هرج کوشش وفدکاری نباید دریغ کنیم!

تنگ و نفرت بر توطئه گران ضد کارگر! هر چه رسوا تر باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی پیش بسوی تشکیل شوراهای انقلابی کارگری برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق! (به نقل از اعلامیه کمیته کیلان سازمان)

لغو سود ویژه هجوم سرمایه داران به دستمزد کارگران!

۵۹/۱۱/۱۸ - طبق آمار و ارقام موج سو د ۸۰۰ هزار کارگر ایرانی هر سال به طور متوسط ۳ ماه و نیم حقوق به عنوان سود ویژه و یک ماه به عنوان عیدی و پاداش یعنی جمعا ۴ ماه و نیم دریافت میکنند اما طبق دستور شورای انقلاب هر کارگر باید سال ۲ ماه پاداش بگیرد با این حساب می بینیم که ۴ ماه و نیم سود ویژه و عیدی کارگران ۲ ماه و نیم آن کسر میشود تا برای سن دو ماه و نیم حقوق یک کارگر (که بطور متوسط ۳۰۰۰ تومان است) ۷۵۰۰ تومان شود و این مبلغی است که از سود ویژه آخر سال هر کارگر کسر توسط دولت کسر خواهد شد که جمع آن برای ۸۰۰ هزار کارگر ۶ میلیارد تومان میشود.

رژیم جمهوری اسلامی بدین ترتیب ۶ میلیارد تومان از دستمزد کارگران را غارت کرده و به جیب سرمایه داران میریزد.

پیکار

اخبار مبارزات توده‌ها



تظاهرات کمونیست‌ها در بروجرد

در سوسنی هفتم بهمن رفقای هوادار در بروجرد با برگزاری تظاهرات موضعی و پخش اعلامیه و نشریه به آگاهگری و افشاکاری در میان توده‌های زحمتکش پرداختند. همچنین در سالگرد قیام بهمن یک تظاهرات موضعی مشترک با رفقای هوادار "رزمندگان" تریبا ساختند. در زیرگزارش مختصراً این فعالیت‌ها را می‌آوریم:

۱۵ بهمن - رفقای هوادار اقدام به سرکرای تظاهرات افشاگرانه علیه رژیم نمودند که سخا ظرهمزانی آن با حمله فلالانرها به هواداران مجاهدین، دانش‌آموزان و دیگر رفقای هوادار نه‌حاجت از مجاهدین در برابر ارتجاع پیرداختند و تظاهرات طبق سرتا مدامه ساخت. رفقا با طرح شعارهای سازمان و شرکت در بحث‌های توده‌ای توانستند بذر آگاهی در میان توده‌ها بپاشند. این فعالیت افشاگرانه علاوه بر حملات ارتجاع، باوران آنها رویزویو - نیست‌های اکثریت و توده‌ای نیز به سبب شایسته بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست مشغول بودند که با عکس‌العمل‌های قاطعانه مردم رویزویو میشدند.

۱۸ بهمن - تظاهرات در خیابان شهسار آغا زنده و رفقا با شعارهای "اتحاد اتحاد زحمتکشان اتحاد"، "از قحطی و گران‌ی، این جنگ ارتجاعی مردم به شنگ آمدند" و... توانستند پشتیبانی توده‌ها را جلب کرده و تظاهرات با شرکت بیش از هزار نفر ادا می‌گردد. این تظاهرات در بروجرد با بردن روحیه مبارزاتی مردم نقش مثبتی داشت. نزدیک به بیایان راهپیمایی ارتجاع به عده‌ای از شرکت‌کنندگان حمله سرد و لی انشاهی یک فلالانرا بنا دکنک گرفتند.

یک کارگزاران ضمن پشتیبانی از این تظاهرات می‌گفت: "اگر این پیکار یک گروهک بقول دولت است چرا اینقدر ارزش و حشمت دارد؟"

۲۱ بهمن - نزدیک ظهر تظاهرات از خیابان سعدی شروع شد و قریباً ده‌های انقلابی رفقا

ارتجاعی جنگیدن، مردم را را گلبددر "و..... ادا می‌گردد. و در طول مسیر، اعلامیه‌ها و تراکت‌های سازمان پخش می‌شد که با استقبال مردم مواجه گشت. مزدوران حزب الهی با قه و حاق و حوق و حجاج به تظاهرات کنندگان حمله کرده و حدس نبردا دنگر می‌سازند. رویزویو - نسبیهای خاش "اکثریت" و توده‌ای به ساری با ساران و حزب الهی‌ها شناخته و یکبار دیگر چهره کسب خود را به نمایش گذاشتند. به نقل از اعلامیه کمیته سربربادکنکی عسر.

مقاومت سربازان در مقابل سرکوب خلق کرد

تاکنون می‌آوریم که در اثر امتناع آنها از عین و سوارده‌حالی سرنگردند. مقاومت سربازان با روز ۱۱/۲۲/۵۹ ادا می‌یابد. در این روز عزم سربازان مزدور که می‌بینند سبده و صبح و موعظه‌های روحانیون مرتجع نمی‌توانند کاری از پیش ببرند، با پیورش و حشانه‌ای ۵ تن از سربازان معتسرفی را دستگیر کرده و به نقطه سامعلومی می‌برند و بفرمایند با زور سوارما شین کرده و زوا به کردستان می‌سازد. بدین ترتیب مقاومت سربازان پس از ۵ روز در هم شکسته می‌شود. این حرکت سربازان اگر چه بسیار نگرانی‌آستانگی آنها در خودداری از شرکت در کشتار خلق کرده می‌شود و اینکه آنها تا حدودی به حقیقت حبش مقاومت خلق کرد پی برده‌اند، ولی مبارزات سربازان انقلابی رمایی مؤثر و موفق خواهد بود که با آگاهی از ماهیت ارتجاعی رژیم و در سوسنی و همبستگی با مبارزات زحمتکشان و با یک رهبری انقلابی و سبب هدایت یک سبک مخفی و انقلابی در میان سربازان و کادرهای انقلابی ارتش ادا می‌گردد.

در روز ۱۱/۲۲/۵۹ حشانه‌ها سرسازان تا نگان برنده‌ها دکان سرودند. ما دست‌سوز فرمانده خودمینی سرکسل آنها دست‌سوز و می‌سوزند. هفتاد سرباز سربازان (یک گروهان) به اسب سوراغزای کرده و از زمین سبده کردستان خودداری نموده و می‌گویند "ما چهار ماه در جبهه بودیم و دیگر اگر حشانه شده‌ایم". فرمانده‌ها دکان که از عکس‌العمل سربازان عصبانی شده بود شروع به محاشی کرده و عده‌ای را بجزیرتک می‌نگرد. همسایر به مقاومت سربازان می‌افزاید. فرمانده مزدور برای تحسینی سربازان به حبس اسلام رحمتی و مرندی متوسل می‌شود ولی از موعظه‌های آنها در قواید "دفاع از میهن" کاری سرسازد. سراجا مآت اللسد موسوی ترسری به دکان آمده و برای سربازان سخنانی می‌کند. در حین صحبت وی یک نفر از سربازان با حشانه‌ها دست‌سوز. سبده به رئیس جمهور سوسنی با موبو اعما ندیدارم و سپس سبده‌ها سر کرده و می‌گویند "ما را بکشد دیگر حاضر به جنگ نیستیم". در همین زمان ما شینهای را برای بردن اسب سربازان به حشانه

بزرگداشت سالگرد ۲۲ بهمن در تبریز و وحشت ارتجاع

مفصیح او را افشا کرده و در جهت سازماندهی مبارزات ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی کارگران و زحمتکشان کوشا شده و خواهد بود. ... راهپیمایی علیه رژیم برخی ناراضگان و اسکالات در زمسه سازماندهی با شعار "رسیده و جا بیدا دنا دشپدان خلق" آغاز شد و هم‌زمان با آن بالا رفتن بر حشانه‌ها تا نامسکار و سواره درشت در بالای آن، یکبار دیگر نشان داد که علیه رژیم کوشش ارتجاع در وسط حشانه، کمونیست - ها همواره سبب دخن سرخ کارگران، زحمتکشان، کمونیست‌ها و سبب انقلابی که در طول تاریخ با سارحون باک خود نهال انقلاب را آساری کرده‌اند، در درزیدن اسب‌های و خفقان لحظه - ای غفلت نمی‌کند. راهپیمایی با شعار "باید دنا، زلفندان، ملت ما را گلبددر -

درسی اعلام مراسم را همایشی برای کرامی - داشت سالگرد ۲۲ بهمن از طرف سازمان ما در تبریز، هما طور که اسطرس صرف ارتجاع حاکم با دست با حکمی هر چه سبب مترسروهای خود را بسج کرد تا از بردن آگاهی بهمان بوده - های زحمتکش و رساندن سام انقلاب به آسان جلوگیری نماید. رژیم عجلانه راهپیمایی "سببی" ها را راه‌انداخت و آنها را در محاورت مکان اعلام شده برای شروع راهپیمایی مسفر کرد و در ضمن سببها و سخنانی‌های خود سعی کرد احساسات توده‌ها را بر علیه سازمان ما برانگیزد. رژیم حاکم بحوبی می‌داند که اگر رویزویو - نیستیها و حاشیسی همچون مدانشان "اکثریت" به‌کا به نسبی ارتجاع معمول هستند سازمان ما همواره به تکیه بر روی لائوال بوده‌ها چهره

به استقبال جنبش او جگیزنده توده‌ها بشتابیم

زحمتگشان منطقه به آنها سوسند، رفقا در مسر تظ هرات با بخش اعلامیه و مروس "بیکار" سه آگای هگری مسردا ختنده که با اسمبال فروا و ان زحمتگشان روسومشده بطوریکه بوده های کنسار خسان شعارها را نکرا امکردند در انستد زحمتگشی به همکاران سگفت: "بیکاری هادر میدان صامرا همسانی داسد کف کردم . شعارهای خوبی میدادند از مسل خطی، کرائی و... زحمتگشان اسران سرمکشند میرا... علیه لیسرا لیا، علیه حزب جمهوری و... دنمالشان سودم اگر فایده ها حمله کنند جلوشان را بگرم ولی سنا مدید. من هروقت این سازمان را همسانی داشند شرکت میکنم"

تظاهرات بزرگداشت ۲۲ بهمن

این تظاهرات شرکت رفقای هوادار رزمندگان انجام شد. از آنجا که ارتجاع از محل سرکاری آن مطلع شده بود، این تظاهرات موضعی از محل دیگری شروع شد و در نتیجه حقایق بدستان حزب جمهوری که از راهمایی سر - میکشند در سرکوت کمونسیت ها "ساکام" ماندند. این تظاهرات های افسا گرا به و برتور در شرایطی انجام شد که "فرمانداری سرورجده" ساهید و در عا بطی اطلاعیه ای انجام هرگونه راهمایی را "ممنوع" اعلام کرد و شرکت کنندگان را از "مقررات زمان جنگ" سراسر سده بود! سیه ما سداران سرما به نیز با آوردن نیروهای کمکی از خرم آباد و همدان خود را برای سرکوت نیروهای انقلابی و کمونسیت آماده تر کرده بود فعالیتهای انقلابی کمونسیت ها در این حد روزها بریدن سیه با انقلاب و سوسال لیسر به میان نوده ها رژیم جمهوری اسلامی راستی از بس افشا کرد.

**دانشجویان انقلابی
مقیم خارج بساط
بانهنر را بهم زدند**

رژیم جمهوری اسلامی با اعرام هشت هائی بخارج از کنورنلان سمنما سده که علاوه بر گسترش روابط با کشورهای امیرالسنی و سرما به داری ودان "اطمسان" های لازم برای تضمین منافع آنان، با تبلیغ ساسهای ارجحی و عوام - فرسی در سس دانشجوان اسران مقیم خارج نرای خود هوادارانی سد و بنا کنند و از آخائی که محیط خارج ارکسوره رژیم اجازه سرکوت و سرورعلی دانشجوان انقلابی سمدهد و از سرو با خرج مصالح هکمی اطرپی اعرام هشتت - های "اسلامی" و... اقدام به توطئه علیه جنس انقلابی و دانشجوان سمنما سد. توطئه هائی که

با هشاری و سرخورد آگای ها به دانشجوان انقلابی در هم شکست میشود.

در آستانه سالگرد نهمین، جناح ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی "هشت هائی" برای انجام مفاصد داخلی رژیم به کشورهای گوناگون - امیرالسنی، سوسال امیرالسنی و سرما به - داری اعرام داشت. در راستی یکی از این هشت هادکبر "بانهنر" و زیرمرجع آموزشی و سرورجده قرار داشت که سآلمان و تارس سفر کرده است. در هر شهری که با هر قدم میگذشت با فریاد اعتراض دانشجوان انقلابی مواحه میگشت. در اغلب شهرها رفقای هوادار سازمان همراه ساهواداران نیروهای کمونسیت، انقلابی و مترقی در کمینته های هماهنگی برای "اسفند سال" ساسه !! را به هترمشکل نده بودند. سانهنرو سرکاء سعی بر این داشند که در جلسات بنهانی و دور از چشم دانشجوان انقلابی به عوام فریبی سردارند و کوسی سکردند که از ورود دانشجوان انقلابی به محل سرکاری جلسات خودداری نمایند ولی در سسنر شهرها این جلسات تبدیل به وسله ای برای افسای ماهیت و جناحانات رژیم جمهوری اسلامی شد.

درها مورگ، اعتراض دانشجوان انقلابی با حمله فایده ها مواحه سده و در سرزده و خسورد سن آتان و توده های سنا رزدها سنجو، جلسسه سطلیل گردید. در سیرا انکفورت حیره خسواران جمهوری اسلامی در سست درهای سسته گرد آمدند و وقتی که دانشجوان انقلابی به افسای رژیم و طرح سوالات سر داختند مور حمله و با ششان قرار گرفتن و رفتنی از ناحیه صورت زخمی شد. در سهر برلین غربی، "بانهنر" از ترس شده - های انقلابی اطلاع یافتی نشد. دانشجوان انقلابی مرکز از اتحادیه دانشجوان اسرانی هوادار سرورهای دیگر سارنا مه قبلی به محل تشکیل جلسه هشتت مزور رفتند. رفقا در آغاز جلسه پیشنها دخت آزاد کردند که از طرف گردانندگان ردهد، آنها ساسها به های مختلف عدم حضور سانهنر را نوجه سکردند. آتان قصد داشند که به تبلیغ در مورد "جهاد سزندگی" سر دازند ولی ساشعار "جهاد سزندگی" عامل ارتجاع است "روسرو شده و توفیق نیافتند! و هم منظور در مورد نمان سن فیلم با شکست مواحه شده و رفقا بر روی سحت در مورد اوضاع ایسرا ن سانشاری سکردند. عوام مل رژیم سنا چاره حربه دیگری دست زده وعده ای او ساش عرب ساسه ساین آوردند. اما رفقای انقلابی با هشاری آنها را که به حافو و حمانی صلح سوند خلق سلاح کرده و ساشعار "حوب و حماق و حا قود بگرا شسر سدارد" آنها را روی دست سلند کرده و به حاضرین سنان دادند و در نتیجه مزدوران رژیم به نقشه - هاسان نقش سرات شده و سوسا ترا ز سس سالی را سرک کرده و دست سدا مان پلیس فاش سست سیدد ولی این توطئه نیز با شکست مواحه شد. رفقا سکارحه و سنجدا سهارهائی حون "باشگاه

اسن سگر آزادی، گشوده با بیدگردد"، "گردستان سروراست، ارتجاع ساسواست"، "مرگ سسر سختی را، نوگویی اختسار"، "مرگ سراسر سیکا" و... جلسه رزخوانی رژیم جمهوری اسلامی را به سلندگویی بر شوری جهت افسای ماهیت رژیم و اهداف سلبدان تبدیل نمودند. هواداران حزب خائن توده سسر چون همیشه در کنسار ارتجاع قرار داشتند. اسن خائسین در سمان شعار "سوده ای خائن رسوا سگردد" و افشاگری دانشجوان انقلابی مجسوره فرار شدند.

دانشجوان انقلابی مقیم خارج ساسا دم سنا رزه علیه امیرالسنی و ارتجاع داخلی، حضور فعال در صحنه سارزات دانشجوئی و با افسای رژیم جمهوری اسلامی، بساط "بانهنر" و همسانگی هاسن را سهرم زدند و سنان دادند که جوانان انقلابی اسرانی هر کجا که ساسند آنجا راه میدان سنا رزه علیه امیرالسنی و رژیم ارتجاعی حاکم بر سمنما سادل خواهند ساخت.

بانهنر پس از بازگشت به اسران در سسک مواحه تلویزیونی ساکینه توزی از آن حادثه با دگردوبا بلاهتی طبقاتی کوشید سنا رزدها و سسرورهای انقلابی و کمونسیتی علیه رژیم را "نا چیز" و ساس نمودند و تارس خود را از رشد جنسیت با "سینا عتقائی" ظاهری سوشا ندولی جنسیت انقلابی توده ها محال عوام فرسی را برای مدتی دراز سآتان نخواهد داد.

کمونسیت های هوادار سازمان در خارج، سالگرد قیام بهمن را گرامی داشتند

سمنما سبت دومین سالگرد قیام شکوهمند بهمن ۱۳۵۷، اتحادیه های دانشجوان اسرانی (هوادار سازمان سیکار در راه آزادی طبقه کارگر) برنا به های ویژه ای در کشورهای مختلف ترتیب دادند. در این سرنما هها رفقا ساسخترانی در مورد اوضاع سیاسی اجتماع اسران قبل و بعد از قیام و اجرای سرنما ههای هنری انقلابی نظیر تئاتر، سروردهای انقلابی، موسیقی محلی اسرانی و خارجی و نیز سنا پیش اسلاند از مبارزات خلقهای اسران و جنس انقلابی خلق کرده به تجلیل از قیام سهرشکوه توده ها در ۲۲ بهمن ۵۷ بر داختند. در شهرهای مختلف آلمان غربی از جمله کلن و برلین غربی اسن مراسم شکوه فراوان سگزار شد. در سهر برلین غربی در مراسم که با شرکت ۳۰۰ نفر روزیکشنبه ۲۵ بهمن برگزار شد پس از سخنرانی به زبان آلمانی و فارسی در مورد اوضاع اسران و اجرای چند سرود توسط رفقای اسرانی، ترک و آلمانی از دلاوربیهای خلقهای انقلابی اسران تجلیل بعمل آمد. در این مراسم سیه های همبستگی

ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی و نگرش انحرافی فدائیان (اقلیت)

امروزه درحالی که شرایط عینی و ذهنی جنبش خلق، طرح یک آلترناتیو نیوبرومنیستی را از ما می طلبد، گرایشات اکونومیستی، انحلال طلبانه، پوپولیستی و ایضاً سکتاریستی موجود در بخشهایی از جنبش کمونیستی، مانع از آن است که بتوانیم آلترناتیو کمونیستی را به عنوان یک برنامه کمونیستی و کوشش برای طرح آلترناتیو کمونیستی می گردید. رفقای فدائی (اقلیت) از آن دسته رفقای هستند که در برخورد به مراسم ۲۳ دی ۲۲ بهمن با برخوردهای اکونومیستی، انحلال طلبانه و بعضاً سکتاریستی خود، مضمون نگرش پوپولیستی و فقدان بینش پرولتری در درک از ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی را به نمایش گذاشته اند، از اینرو ما می کوشیم تا با نقدها و تحولات رفقا در برخورد به مسئله آلترناتیو کمونیستی، باز هم بیش از پیش بر ضرورت آن بای فشرده و از سایر کمونیستها دعوت میکنیم تا در راه تحقیق این امر مهم بکوشند.

۱- ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی در شرایط کنونی ناشی از چیست؟

گسترش جنبش انقلابی خلق که با روند فروپاشی توهم توده ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی همراه است، از یک رهبری آگاه و پیگیر برخوردار نیست. واکرا و خودچنین رهبری محروم بماند، بیم آن میرود که همچون گذشته، لیبرالهای خیانت پیشه و سازشکاران برامواج آن سوار شده بکوشند با مهار زدن سران، جنبش توده های راسته منظور بر آورده ساختن اهداف ضد انقلابی خود به انحراف بکشانند. تجربه مبارزات توده ها در سالهای ۵۶ و ۵۷ به عینه برای هر کمونیستی نشان داد که چگونه در صورت فقدان یک قطب نیرومند انقلابی و کمونیستی، توده ها اگر چه فداکارانه ترین و جاننازانه ترین مبارزات را همانجا میدهند، اما راه به جایی نخواهند برد و "نا رهبران" سازشکار و ضد انقلابی بر آن سوار خواهند گشت. در شرایط کنونی نیز ما با وضعیتی کاملاً مشابه گذشته روبرو هستیم. این امر ضرورت طرح آلترناتیو کمونیستی را به نمایش درآورد. اما در صورت عدم بینش پرولتاریائی را صد چندان میکند، چه تنها راه سمت و سوق دادن جنبش خلق به سوی دمکراتسم پرولتاریا، ایجاد قطب نیرومند کمونیستی است. این امر نه تنها در مورد توده های عادی مردم که به دنبال "قطب" میگردند، صادق است بلکه در رابطه با دمکرات های نا پیگیری نظیر ما همدین نیز این مسئله مطرح است. امروزه با ردیگر این حکم انکار -

نا پذیر ما رکیستی-لینینیستی که خورده - بورژوازی همواره بین دو قطب پرولتاریا و بورژوازی در نوسان است و در صورت فقدان اعمال هژمونی پرولتاریا، بسوی بورژوازی خواهد رفت. برادر مورد ما همدین مشاهده میکنیم امروزه میبینیم درحالی که ما همدین از حمایت علنی از کمونیستها، جنبش خلق کرد و... خود - داری می نمائید، بی مهابا با از احزاب لیبرالی و برینا مهای آنان پشتیبانی می نمائید، با قاطعیت ما را از حبه نموده، در ما سم لیبرالها شکی نظیر بنی صدر شرکت مینمائید، و با لاکر ه مما شات حوشی و گرایش بسوی لیبرالها را شدیداً تعمیق نموده اند، چه کسی می تواند منکر شود که تا زمانیکه کمونیستها بیک آلترناتیو نیرومند بدل نگردند، نخواهند توانست ما همدین را به سوی خود بکشند؟ تنها ایجاد قطب نیرومند دمکراتسم پرولتری است که میتواند دنا پیگیری این دمکرات - خورده بورژواها را افشا و خنثی نموده و از زگرودن آنها بسوی لیبرالها جلو - گیری نماید.

از اینرو ضرورت بر حمت نمودن آلترناتیو کمونیستی، چه در رابطه با رهانیدن توده ها از توهانات لیبرالی و دنیا لهر روی آنان از لیبرالها و چه در رابطه با جذب دمکراتهای نا پیگیر بسوی پرولتاریا دو چندان مطرح میگردد. لیکن - انحرافات پوپولیستی موجود در جنبش کمونیستی تا کنون مانع از آن گشته است که کمونیستها بر نه هدفمندی را برای ارائه آلترناتیو کمونیستی بکار ببرند. و این پوپولیسم به بهانه مقابله با سکتاریسم و ضرورت تکیه بر آلترناتیو دمکراتیک - انقلابی بطور عمده میگوید، جنبش کمونیستی را در جنبش انقلابی حل نموده و بدین ترتیب در عمل صف مستقل پرولتاریا را مورد نفی قرار دهد. این نگرش نمی تواند و نمی تواند - خواهد بیفهمد، که تنها رهبری جنبش انقلابی خلق توسط کمونیستهاست که جنبش را به بیروزی می رساند و کمونیستها اگر بجای طرح آلترناتیو کمونیستی، به منظور قرار دادن آن در پیشا پیش جنبش انقلابی، با مسکوت گذاشتن آن به دننا له - روی از جنبش انقلابی، تحت پوشش مبارزه "همه با هم" تیروهای انقلابی سیردازند، جز شکست محتوم و قطعی نتیجه ای برای جنبش به ارمغان نخواهند آورد.

۲- آلترناتیو کمونیستی در این شرایط چگونه طرح میگردد.

امروزه که ما در شرایط عملی بسر میبریم ضرورت گسترش بیش از پیش فعالیت های تبلیغی، گسترش مبارزات علنی، برپا شای کمونیستهای مستقل، شرکت فعال در مبارزات سیاسی اقتصاد توده ها و با لاکر هژمونی پرولتاریا گسترش مبارزه ایدئولوژیک با دیگر نیروهای جنبش کمونیستی به منظور دستیابی به وحدت و ایجاد حزب و در عین حال تا مین اتحاد عملیاتی تا کتیکی بین کمونیستها، مبارزه ایدئولوژیک با احزاب خورده بورژوازی به منظور جذب آنان بسوی دمکراتسم پرولتری، تا مین اتحاد عملی مقطعی با نیروهای دمکرات و درک کلام تا کید بر ادامه انقلاب و استقرار حاکمیت پرولتاریا و زحمتکشان استفاده از تمامی اشکال و تاکتیک های گوناگون مبارزاتی که در خدمت طرح آلترناتیو پیگیر کمونیستی است، از ملزومات حمایتی تا مین قطب نیرومند کمونیستی به شمار میرود. در این میان، حضور مستقل کمونیستها در عرصه سیاسی جامعه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. کمونیستها با پیدا آنجا که میتوانند با استفاده از امکانات علنی، به توده ها برای العین نشان دهند که این ما هستیم که دموکراتسم پیگیر را که تا مین کننده واقعی منافع آنان است، مطرح کرده و به اجرا در می آوریم. کمونیستها با بدنشان دهند که بمنابر بنامندگان سیاسی پرولتاریا قادرند پیشا پیش مبارزات دمکراتیک قرار داده و توده ها را بگرد دمکراتسم پرولتری جذب نمایند. مبارزات وسیع دمکراتیک (و ایضاً سوسیالیستی) که کمونیستها در حمله انجام داده اند، نقش وسیعی در گسترش نفوذ آنان داشته است. مبارزاتی همچون برپا شای اول ماه مه در سال ۵۸، هداست مبارزات کارگران سکار، شرکت فعال در مبارزات کارگری کارخانه ها (که همگی دارای خصلتی سوسیالیستی بوده) و هداست رهبری مبارزات دمکراتیک، همچون مبارزات خلقهای کرد، ترکمن، بلوچ و... مبارزه برای حفظ دستاوردهای قیام هداست مبارزه دانشجویان در مقابل به توطئه تعطیلی دانشگاه و هداست حرکت گوناگون دیگر و با لاکر هژمونی پرولتاریا سازگاری دانشگاه که در ۲۳ دی صورت گرفت، همه و همه آن مبارزاتی بودند که به توده ها نشان داد کمونیستها (سوسیال دمکراتها) در عین حال که سوسیالیست بوده و در جهت تحقق صف مستقل پرولتاریا میکوشند، در مبارزه دموکراتیک دمسی غافل نبوده و همواره در مبارزه دمکراتیک آنها نقش فعالی داشته اند.

همچنان که مبارزه برای بازگشایی دانشگاه نشان داد، توده ها برای العین درمی بافتند، که نه لیبرالهای عوام فریب خاش و نه دمکرات های نا پیگیری نظیر ما همدین، هیچیک

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

نشان دهنده که در پیشا پیش جنش دمکراتیک قرار دارند و بدین ترتیب دمکراتیسم پیگیری پرولتاریا - نی را عمیقاً و وسیعاً تبلیغ نمایند. تنها بدین ترتیب است که آلترنا تیو کمونیستی (همتا به دمکراتیسم پیگیری پرولتاریا) در نزد توده ها مطرح شده و توده های دمکرات به گرد آن جمع خواهند شد. اما تا قاً کمونیستها با انجام گسترده چنین فعالیتها ی دمکراتیکی و قسراً گرفتن در راه آن و بالاخره از کانال طرح آلترنا تیو کمونیستی است که می توانند بسا تشکیل قطب کمونیستی، توده های دمکرات را بدون وا همه به فعالیتهای دمکراتیک به زیسر رهبری کمونیستها جلب نمایند. اگر امروزه نیروهای دمکراتیکی از شرکت علنی در فعالیت - های دمکراتیکی که از سوی کمونیستها رسماً برگزار میشود، خودداری می نمایند، بدلیل عدم حضور فعال و قوی و مستقل آنهاست. بدلیل آن است که قطب نیرومند کمونیستی وجود ندارد و در کجا اینان بدون هراس، به دنبال دمکراتیسم پیگیری آن روان شوند. عدم اعلام علنی مراسم تنها به جذب توده های بیشتری منجر نمی شود، بلکه در خدمت انحلال هویت نیروهای کمونیست در مراسم قرار داشت. برآستی اگر هنرمند اگونومیستی و عقب مانده رفقای فدائی را بکا ربیندیم، توده ها در کجا و چگونه با یک آلترنا تیو کمونیستی روبرو خواهند گشت که حاضر شوند به دنبال دمکراتیسم پیگیری آن حرکت نمایند؟ کجا توده ها خواهند فهمید که کمونیست - ها نه تنها نسبت به دمکراتیسم بی تفاوت نیستند، بلکه پیشا پیش آن قرار داشته و بیش از همه بدان علاقه مندند تا قاً برخلاف استنتاجات رفقا، توده های دمکرات وسیعی برای شرکت در مراسم ۲۳ دی گرد آمده بودند تا ببینند کمونیستها چگونه برای تحقق این خواست دمکراتیکشان مبارزه میکنند، بسیاری از اذاهان در آنروز متوجه مبارزه کمونیستها برای بازگشا ئی دانشگاه بود، این بدان معنی نبود که توده های آگاه حرکت کمونیستها را حرکتی مربوط به خود کمونیستها، از زبانی می نمودند یا لعن شده های دمکرات برای العین می - دیدند که کمونیستها با شور و حرارت و شها متسی عظیم، پیگیرانه در راه تحقق خواست دمکراتیک مورد علاقه آنها و در پیشا پیش آنها حرکت می - نمودند و بسیاری از این توده ها خود در مراسم شرکت نمودند حتی شکل دمکراتیکی نظیر کانون مستقل استادان نیز حاضر به شرکت در این مراسم گشت، آری، در اینروز آلترنا تیو کمونیستی که نظیر انداز دمکراتیسم پیگیری پرولتاریا برای توده ها بود، بشدت مطرح گردید اینها در سهائی است که متأسفانه رفقای فدائی از حرکت روز ۲۳ دی نیا موخند. رفقای فدائی، اعلام علنی برگزاری این مراسم و در حقیقت اجرا ز علنی این واقعیت که کمونیستها پیشا پیش از آن دمکراتیسم هستند و توده -

های دمکرات برای تحقق خواستهاشان می - بایست با آنها همگام شوند و بزرگترین آسان گرد آیدندرا "چپ روانه" می دانند و برای جذب توده های بیشتر از این خواست پرولتاریا که مهر خود را بر جنبش دمکراتیک بگوید نشان دهد پیشا پیش توده ها حرکت می کند، صرف نظر کرده و به انحلال صف پرولتاریا در صف "انقلاب" راضی میگردند! چنین گرایش انحلال طلبانه و درک پوپولیستی و عقب مانده آلترنا تیو کمونیستی که دنیا له روی از جنبش خلق وحل شدن در آنها را به منظور آنکه مبارزه توده ها از اینکه بفهمند کمونیستها این حرکت را بر اها انداخته اند و در پیشا پیش مبارزات دمکراتیک قرار گرفته اند هرگز نخواهد توانست رهبری پرولتاریا را بسیر جنبش خلق اعمال نماید. و برخلاف "نیت خیرش" هرگز نخواهد توانست توده های بینابینی، دمکرات و متزلزل را بسوی خود جذب کرده و ارتقا دهد. با لعن با عدم درک ضرورت طرح آلترنا تیو کمونیستی، با عدم تبلیغ علنی و نشان دادن عملی این واقعیت که کمونیستها پیشا پیش مبارزات دمکراتیک قرار دارند، توده ها را بسوی دمکراتیسم تا پیگیری احزاب خرده بورژوازی و حتی بسوی لیبرالیسم بورژوازی سوق خواهد داد و آنها را از خود یک آلترنا تیو نیرومند و با هویت کمونیستی در مبارزات دمکراتیک محروم خواهد ساخت.

نه رفقای فدائی اگر طبق "ره نمود" شما عمل می گشت، توده ها آنچه که نصیبشان میگشت یک مبارزه دمکراتیک تحت رهبری "کمیتسه" منتخب مثلاً "کمیتسه انقلابی دانشجویان" که فاقد هویت سیاسی مشخص است میشد، و آنچه در ذهن توده ها نقش می بست نه این واقعیت بود که کمونیستها مبارزه آنان را رهبری نموده بلکه این افسانه بود که "کمیتسه انقلابی دانشجویان" آنان را رهبری نموده است (و) و با فسرش اینکه "ره نمود" شما در تمام عرصه های دیگر نیز بکا ربیندیم، توده ها همواره با کمیتسه های انقلابی ای روبرو خواهند گشت که از هویت آن بی خبرند! آیا اینگونه می خواهد آلترنا تیو کمونیستی را تبلیغ کنیم؟ آیا اینگونه می - خواهد ضرورت رهبری پرولتاریا به مناسبت پیشا پیش از آن دمکراتیسم به توده ها بفهمانیم؟ بدون نشان دادن عملی این رهبری، بدون نشان دادن علنی این واقعیت که کمونیستها پیشا پیش مبارزات دمکراتیک قرار دارند، سخن گفتن از ضرورت اعمال رهبری پرولتاریا و تحقق بخشیدن به آن، سخن پردازی بوج و بیهوده بوده و هرگز عملی نخواهد گشت.

اما رفقای فدائی، تنها در درک اگونومیستی انحلال طلبانه و پوپولیستی از فعالیت دمکراتیک و چگونگی برخورد کمونیستها بسا نسبت که می اعنائی خوب را به صورت طرح آلترنا تیو کمونیستی به مناسبت میدارند، بلکه رفقا در برخورد به مراسم ۲۳ بهمن نیز نشان دادند که از موضعی سکناریستی نیز به آلترنا تیو کمونیستی

بیا نداده و آنرا درک نمی کنند چه یکی از در سهائی مهم ۲۳ دی برای کمونیستها، این بود که سه موازات تلاش برای تحقق بخشیدن به مروت می توانند و با بدست به اجرا عملهای تاکتیکی مشخص بزنند که در ایضا د قطب نیرومند کمونیستی و گسترش طرح آلترنا تیو کمونیستی موثر افتد. همچنانکه وقایع ۲۳ دی نشان داد، در این شرایط این اجرا عملها، نقش بسیار بسزائی در طرح آلترنا تیو کمونیستی دارد، اما رفقای فدائی بی علاقه به در سهائی ۲۳ دی، شاید آنجا که نام "فدائی" را بنروز بر سر زبانها نبوده، تصمیم گرفتند که نام "فدائی" را در مراسم ۱۷ بهمن زنده سازند، آنها نام فدائی را از ایضا د قطب نیرومند کمونیستی مهمتر می دانستند! بی شک رفقای فدائی می توانستند و محقق بودند که با برگزاری مستقل مراسم ۱۹ بهمن، نشان دهنده خاشاک "اکثریت" و ارتشین خط مشی شهدای سیا هگل نبوده، بلکه این رفقای فدائی "اکثریت" هستند که چنین میراثی را با خود حمل میکنند اما چه چیز باعث آن گشت که رفقا بنحوی سکناریستی و در عین حال تنگ - نظرانه بزرگداشت ۲۲ بهمن را همراه با ۱۹ بهمن اجرا نمایند و از آنجا که عمل با سایر نیروهای کمونیست، برای از آشه آلترنا تیو نیرومند کمونیستی خودداری نمایند آیا این نشان نمی - دهد که انحراف پوپولیستی رفقا در عدم درک ضرورت طرح آلترنا تیو کمونیستی، که در مراسم ۲۳ دی خود را به شکل انحلال طلبی و اگونومیسم به نمایش گذاشت، اینبار در شکل سکناریستی و ترجیح دادن منافع گروهی بر منافع جنبش کمونیستی خود را به نمایش گذاشته است؟

اما این نسبی از مسئله است سکناریسم و ترجیح دادن منافع گروهی بر منافع پرولتاریا و کمیتها دان به ایضا د آلترنا تیو نیرومند کمونیستی تنها گوشه ای از انحرافات ماهیتا راستروانه رفقا است، نیمه دیگر مسئله (که سه مسا مهمتر باشد) بنظر ما نگرا نی رفقا از اتحاد عمل با نیروهای پیگیری کمونیست است. چه بی - شک گرایش اتاندولوژیک در برخورد به روبرو - نسیم و سوسال امیریا لیم با زتاب خود را در این اجرا عملها بها خواهد گذاشت هراس از نزدیکی به حریانات پیگیری کمونیستی و بویژه با زمان ماه تیلور خود را در این حرکت رفقا نشان مدهد بنظر ما گرایش راستروانه رفقا در برخورد به روبرو - نسیم و سوسال امیریا لیم رفقا را از اتحاد عمل با ما برای بزرگداشت ۲۲ بهمن باز داشت. علیرغم آنکه سازمان ما طی ماههای دروسی به رفقا صمیمانه از صفحه ۱۸

(#) - حال نگردیم از اینکه ما سا چنین طرحی بسطور سمارا هم بر آورده خواهد ساخت و پس از مدتی اس کمیتسه نیز برآستی اگر خواهد ساخت دمکراتیسم پیگیری را دنبال کند، ما نام کمونیستها توام خواهد گردید!

بقیه از صفحه ۱ اطلاعیه ...

از آنجا که ما زمان ما در سنگردفاع از کارگران و زحمتکشان ایران، مصممانه و قاطعانه ایستاده و سطرآشتی ناپذیری با تمام امپریالیستها عم از آمریکا و شوروی و مرتجعین داخلی، عم از حزبی ها و لیبرالها مبارزه می نمائیم بدور این راه تا کنون نقش سرجسته ای در دریدن ماسک عوامفریبی از چهره کربه جمهوری اسلامی داشته است، مرتجعین از هیچ نهمت و دروغ و قبحا نه ای برای لوٹ نمودن چهره انقلابی ما زمان خودداری ننموده اند. اینها را آنها درصدا پس هستند که با وانمود کردن رفیق فاضل بعنوان یکی از کارگرهای اصلی ما زمان که "در راه بطنه با آمریکا فعالیت می نموده است"، تبلیغات عوامفریبانه ای را بر علیه ما زمان ما بسراه اندازند.

کارگران، زحمتکشان، توده های مبارز ایران!

قطعا همه شما تبلیغات منحرف کننده ساواک در مورد کمونیستها و انقلابیون را در سالیهای پیش بیخا طردا رید. شما بیخا طردا رید که چگونه ساواک برای لوٹ نمودن چهره کمونیستها و انقلابیون جان برکفی که فدای کارانه با رژیم تبه کار شاه می جنگیدند، آنها را "وابسته به اجنبی"، "خرابکار" و غیره معرفی می نمود و در این راه تمام دستگا های تبلیغاتی خویش را برای منحرف نمودن ذهن توده ها، بکار می گرفت. شما حتما خا طره مباحبه های مکرر ما مورا منبیتی ساواک، تا بیتی جلدرا در کنار اصطلاح مدارک مکشوفه جرم که چیزی جز سلاح و نشریات انقلابی مخفی سرنگونی رژیم شاه نبود، سبب دادا رید و بیخا طردا رید که چگونه ساواک تلاش می نمود چنین وانمود سا زده که این "خرابکارها" و "اجنبی - پرستان" نمی گذارند ایران بسخت "تمدن بزرگ آریا مهری" برود.

هم اکنون هم رژیم تبه کار جمهوری اسلامی و سردمداران مرتجع آن دقیقاً در تبلیغات وقبحا نه خود با جای پای ساواک و رژیم شاه گذاشته اند. این فدا انقلابیون عوام فریب غافل از آنند که هم اکنون کارگران، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ما سطح آگاهیشان بسیار بالاتر از آنست که این تلاشهای مذبحا نه بتوانند برای مدتی شماری برای آنها بسیار آورده و آنها را از سرنوشت محتوم خویش، که نا بودی است، نجات دهد، در واقع آنها هم - اکنون بخوبی یا دگر گرفته اند که ساواک برای حفظ یک سیستم فاسد مردمی، چندان آشنا ها تی هم از نظرا یینان نمی کرده است و یک حاکمیت فاسد مردمی و ارتجاعی، لازم اش بکار گرفتن چنین شیوه های در مقابل کارگران، زحمتکشان، انقلابیون و کمونیستها است که خواهان انقلاب هستند. آری رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند همه مرتجعین تاریخ ناچار از بکار گرفتن چنین



الف - مشخصات حقیقی:

نام محسن شهرت فاضل نام پدر احمد
شماره شناسنامه ۳۷۴ صادره از مشهد متولد ۱۳۲۸
شغل دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر
میزان تحصیلات -
محل سکونت خیابان پهلوی خیابان دانشگاه ملی روی روی منزل
محمود خیامی

محل کار -

ب - مشخصات ظاهری

قد بلند رنگ چشم زاغ - رنگ مو قهوه ای - علام مشخصه -
اسمی مستعار یا شناسنامه های جعلی که داشته: - آبرود - اردشیر

پ - وضعیت فعلی

از اعضای گروه خرابکار «مجاهدین خلق ایران» میباشد
که از تاریخ ۱۳۵۱ متواری و احتمالاً مسلح به
سلاح کمری X نارنجک - سیانور X میباشد.

مدرکی از آلبوم ساواک که حاکی از کوشش شدیدی رژیم خائن شاه برای دستگیری رفیق

محسن فاضل می باشد. این مدرک در زمان قیام بهمن ۵۷ به دست نیروهای انقلابی افتاد

لیسم و صهیونیسم و ارتجاع مبارزه کرده است او از اوایل سالهای ۵۵ تا قیام بهمن ماه، بعنوان یک انقلابی حرفه ای و مخفی ابتدا در سا زمان مجاهدین و سپس در بخش منشعب از آن فعالیت نموده و بعنوان یک فرد انقلابی حرفه ای سالها در زحمت تحقیق رژیم شاه قرار داشته است. مبارزه و چهره در ایران که در چندین عملیات نظامی علیه امپریالیسم آمریکا شرکت جست بود و چهره در خارج از کشور که در پیگاه های الفتح و سازمانهای فلسطینی فعالیت می نمودا دامها وقت و تقریباً تمام سازمانهای فلسطینی او را بعنوان یکی از انقلابیون ایران که مدتی هم در جنگ لبنان درکنار فلسطینیها بر علیه فاشیستها جنگیده است می شناسند. در شرکت در عملیات اعدا م انقلابی ژنرال برای آمریکا در سال ۵۰ و در آستانه ورود دینکسون به ایران و مبارزات ضد امپریالیستی او بخوبی دروغهای وقبحا نه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را بر ملا می کند. رفیق در خلال سالهای ۵۴ تا ۵۶ و پس از گذراندن دوره آموزش نظامی در پیگاههای فلسطین در راه بطنه با جنتش مقاومت فلسطینی و در کمیته علمی وابسته به الفتح با نام مستعار "سامی" فعالیت نموده و در این فاصله بخاطر توانایی های تکنیکی و علمی اش کمک قابل توجهی به انقلابیون فلسطینی نموده است. از جمله دست آوردهای رفیق در آن سالها در زمینه پرتاب نارنجک، ساختن نارنجک پرتاب کنسی بنام "قدس" بوده که تجربه موفقیت آمیزی در سر داشته و چندین نمونه آن بنا به درخواست فرماندهی نظامی الفتح و شخص ابوجها دیوسلیه رفیق سامی تهیه شد و به سرزمینهای اشغالی در سال گذشته و در آنجا علیه صهیونیستها بکار گرفته شده است به این ترتیب رفیق محسن فاضل به اعتبار تجربه انقلابی و علمی اش طی چندین

شیوه های تبلیغاتی است. کارگران، زحمتکشان، و تمام خلقهای قهرمان ما سرانجام در جریان همین مقابله جوشی های رژیم با آنها و کمونیست ها و در جریان بر ملا شدن امثال چنین تبلیغات آریا مهری است که چهره کربه و نفرت انگیز رژیم جمهوری اسلامی و سردمداران مرتجع آن را خواهند شناخت. آنها متوجه خواهند شد و بخش آگاه کارگران و زحمتکشان و توده های مبارز، هم اکنون نیز متوجه شده اند که آیا این سازمان پر افتخار پیکار در راه آزادی طبقه کارگری ۱۵ سال مبارزه در خائن علیه امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته به آمریکا می بوده است یا سردمداران مرتجع و خائن رژیم جمهوری اسلامی که در آستانه قیام پیرشو و نارنجکی بهمن بیای خیانت رفته و در مذاکره بهشتی و با زرگان با هوپزار آمریکا برای جلوگیری از نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و ارتشی ضد خلقی، با امپریالیسم آمریکا سازش نمودند؟ کارگران و زحمتکشان ما سرانجام قضاوت خواهند نمود که چه کسانی خائن به آستانه و چه کسانی بی مال کننده خون ۷۰ هزار شهید خلق ما بوده؟ چه کسانی از ابتدا و از همان سالها می که امثال این خائنین مثل موش در سوراخها پشان خزیده بودند و در آرایش گورستان رژیم شاه به مکیدن خون کارگران ما مشغول بودند در سنگر، کارگران و زحمتکشان بطور آشتی ناپذیری با امپریالیسم آمریکا و سیستم وابسته به امپریالیسم مبارزه نموده اند و با زهمی نمائند، آری کارگران و زحمتکشان ما قضاوت خواهند نمود و نگاه کیفر سختی به سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و تمام خائنین به خلق خواهند داد.

ما توضیحات بالا هم اکنون لازم است به همه ای از گذشته رفیق محسن فاضل و مبارزات او اشاره کنیم. محسن فاضل یکی از اعضا قدیمی بخش منشعب از سا زمان مجاهدین خلق ایران بوده است که سالها در سنگر مبارزه علیه امپریا -



گشتار کاخک و عوامفریبی های رژیم جمهوری اسلامی

جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر، و اینبار در کاخک، دست خود را به خون زحمتکشان آلوده ساختند. عمق این جنایت که کشته و چند زخمی برجای گذاشت، بقدری بود که خود رژیم مجبور به انعکاس گوشه ای از ماجرا گردید. این جنایت که مستقیماً توسط پاسداران سرمایه وادار و دسته وابسته به حزب جمهوری انجام گرفت، وسیله ای گشت تا جناح دیگر رژیم یعنی لیبرالها را به سوءاستفاده از خون زحمتکشان برای قدرت با بی خویشتن و ادا در ده ماه آنچه که در این واقعه آشکار میشود، وحدت جناحی رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب توده ها و ضدیتشان بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیستهاست. آنها که خشم و نفرت برانگیخته شده توده ها را علیه کل رژیم میبینند، برای نجات خویش از این مهلکه مذبحخانه میکوشند تا بر سرکوبگری وحشیانه شان سرپوش گذاری و کمونیستها را "مسئول" برونمایند. جنایت قلمداد نماید! غافل از آنکه رشده مبارزه طبقاتی و افزایش آگاهی توده ها بیشتر از آنست که در ده ماه این عوامفریبی رژیم بیافتند، حال برای روشن شدن مسئله ببینیم واقعیت امر از چه قرار بوده است:

مسئله کم آبی شهرگنا با دشمنی قدیمی برای مردم این شهر است و در زمان رژیم شاه نیز اقدامات بسیاری برای حل آن انجام گرفته بود که از ظرفی بخلت ما هیت ضد خلقی رژیم هیچگونه اقدام ریشه ای بعمل نیامد و از طرف دیگر دزدیها و زودبندهای مسئولین آن زمان، مانع از اجرای هر طرحی میگردد. (مثلاً بودجه ای که همین او خرد عمر رژیم شاه برای زدن چاه و کانال کشی در اختیار مقامات محلی قسار گرفته بود توسط وکیل مجلس، استاندار و فرماندار آن زمان خورده شد) با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، آخوند مرتجع بنام "مدنی" که استاد دهکده ریها پیش با ساواک موجود بود به عنوان رئیس کمیته همه کاره گنا با دمیشود. او که در اثناء دریافت پول مدارک ساواک و کپیها و عوام رژیم پیشین را از بین میبرد، مورد نفرت

هر چه بیشتر مردم قرا گرفت. از جمله زمانیکه این جیره خوار رژیم سابق و "انقلابی" رژیم کنونی برای گسترش عرصه تاخت و تاز خود به شهرک کاخک رفته بود با مخالفت وسیع مردم این شهر مواجه گردید بطوریکه او را از شهر بیرون کردند. مدتی نیز در همانجا و در حضور مردم تهدید کرده بود که با دیگر با پاسداران روگلوله با خود هد گشت! و بعد از آنهم با راه و بارها در مراجع مختلف مردم مبارز کاخک را که زیر بار زورگوییها پیش ترفته بودند، تهدید به سرکوب کرده بود. تا اینکه سرانجام در جزیرا بیگیری مردم گنا باد برای رفع مشکل دیرینه کم آبی شان، مدنی مزدور به اتفاق فرماندار، معاونان استانسدار و سایر مقامات مرتجع منطقه، تصمیم میگیرند تا با پیش کشیدن طرح حفراچه در نزدیکی کاخک که موجب لطمه خوردن به کشاورزان این ناحیه میشود، با یک شیردوشان بزنند! هم با سخگویی فشا ز مردم گنا با دبرای حل مسئله آب شوند و هم با آتش افروزی در میان مردم دوشهر، اعتراضات زحمتکشان کاخک را به خیال خود توسط زحمتکشان گنا با سرکوب نمایند. (یعنی همان کاری که رژیم نظامی برش را در نطقه، خوزستان و... انجام داد) در صورتیکه این طرح و نظایران قبلاً نیز عنوان گشته و نادرستی آن برای تمامی مردم منطقه روشن شده بود و راه حل اساسی مشکل کم آبی این منطقه تنها در گرو انجام میرنامه ای همه جانبه و اختتام بودجه ای کافی با نظارت شورائی از زحمتکشان منطقه میسر میباید.

به حال روز ۱۴/۱۱/۵۹ با پاسداران علیرغم اطلاع از مخالفت عمومی بر علیه این "طرح" جاده گنا با د کاخک را میبندند. آنها در حالی که دستور سرکوب اعتراضات مردم (که انجام آن کاملاً قابل پیش بینی بود) و حتی کشتار آنرا را داشتند از تربت حیدریه نیروی کمکی نیز دریافت میکنند. بدین ترتیب عملیات برای حفراچه در ۷ کیلومتری کاخک آغاز میشود.

از سوی دیگر مردم که طی اجتماعات متعدد مخالفت خود را با این طرح عنوان کرده بودند،

از بی توجهی مسئولین به خشم آمده بودند. آنها بخصوص پس از آنکه معاونان استانداری در برنا مه تلویزیونی مردم کاخک را "فدا انقلابی" میخواندند و پیش از پیش به ما هیت ضد مردمی اقدامات رژیم و مسئولینش پی برده و خشمگین شده بودند. مردم با رها اعلام کرده بودند که هیچوجه از زناج اینکار را نخواهند داد. بنا بر این وقوع درگیری از قبل کاملاً روشن بود. بنا بر این ادعاهای سپاه پاسداران و سایر مسئولین مبنی بر "اتفاقی بودن حادثه کاملاً بی اساس و دروغ - برداری محض میباید. سرانجام زمانیکه هزاران نفر از توده های خشمگین برای جلوگیری از عمل حفراچه به محل نزدیک میشوند و در حالیکه بنا به گفته شان همان عینی و اعتراف با راه ای از مقامات مردم در فاصله ۷۰۰ الی ۸۰۰ متری محل حفراچه بودند با آتش مزدوران رژیم مواجه گردیده و تنی چند در خون خود میغلطند.

بعد از این حادثه و در فردای آن، رادیو مشهد اعلام میکند که "عده ای فدا انقلاب (؟) به پاسداران حمله کردند و آنها را مجروح و مضروب ساختند و در نتیجه فدا انقلاب کشته میشوند" و بدین ترتیب با ردیگر ما هیت ضد مردمی و دروغ برداری از رگانهای تبلیغاتی رژیم آشکار میشود. سپاه پاسداران نیز طی اطلاعیه ای "گروهکهای چپ" را مسئول این حادثه میخواند و مردم را "تحریک شده" بوسیله آنها قلمداد میکند. در این اطلاعیه ها دنده اینگونه توصیف شده است: "جمعیت تحریک شده و از دو طرف بقصد محاصره برادران دور هم جمع شده بودند" حرکت میکنند، برادران پس از اینکه مقداری تیراندازی هوائی میکنند و میبینند که در مردم اثر نمی کند (زیرا مرتب آنها را تحریک میکردند و میگفتند نترسید مشقی و هوائی است) عقب می آیند و بوسیله ما شیخ بسمت گنا با حرکت میکنند. "بدین ترتیب مزدوران اسلحه بدست با کمال وقاحت مسئله تیراندازی پاسداران بسوی مردم را لاپوشانی کرده و از آن میگذرند. انگار نه انگار که آن پنج نفر و چند زخمی بوسیله گلوله های ۳- پاسداران و در جلوی چشم هزاران نفر از زناج با د در حتی خود مقامات از جمله نماینده گنا با در مجلس نیز با مسئله را بصراحت عنوان کرده اند، زهی بیشرمی!

از سوی دیگر لیبرالها از طریق نماینده رئیس جمهور در استان سعی میکنند از بین جنایت حزبیهای بضع افزایش نفوذ خود در منطقه استفاده کنند. اما آنها نیز با رقبا خود مورد شکستن که سگوزها "بر سر کمونیستها هم صدا میگردند" ملازاده "نمایند گنا با د نیز با از اشته "تحلیلی" که هم در روزنامه های لیبرالی وهم در روزنامه های حزبی چاپ شد، "چیها" "ویخسوس" "پیکا ریها" را مسبب و عامل "تحریک مردم" بقیه د صفحه ۲۶

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

جنایت ارتش مزدور عراق در خرمشهر!

رژیم‌های ارتجاعی ایران و عراق همراه با ارتش‌های سرکوبگرشان جنگ را ادامه داده و در این راه از هیچگونه تها و زیاده‌چانی و مال و ناموس نوده‌های زحمتکش دوکشور کوتاهی نمی‌کنند. طبق اخبار رسیده ارتش مزدور عراق در خرمشهر به یک دختر پرستار روحبانه تها و زکرده و وی را در نزدیکیهای آبادان رها می‌سازند و دختر پرستار ساعتی پس از رسیدن به سیما رستان جان میسپرد. ارتش‌های ارتجاعی عملکردهای یکسانی نیز دارند. ارتش و پاسداران مزدور جمهوری اسلامی در کردستان قهرمان بنام "سپاه اسلام" مرتکب جنایات بیشماری میگردند که بخشی از آن نیز تها و زیاده‌چتران دلاور کرد میباشند و ارتش مزدور عراق نیز علاوه بر کشتار زحمتکشان و غارت اموال آنان، به بوا مسس زحمتکشان تها و زمی کند.

اینهمه ز "خبرات" جنگ ارتجاعی که از ارتش‌های مزدور دوکشور به زحمتکشان ارزانی می‌دارند!

گوشه‌های دیگر از جنایات مرتجعین "مکتبی" رژیم!

جنایات رژیم در حق آوارگان جنگ ارتجاعی روز بروز بیشتر می‌گردد. از سرکوب مبارزات آنان و دستگیری عنان‌آگاه و مبارزان کرم‌تبه تا تها و زیاده‌چایی و آوارگان. اکنون حدود ۵۵ خانواده از آوارگان جنگ در گنا در محل تربیت معلم واقع در مددسنگاه سرسبز و سرسبزی آنان را آخوند مزدوری بنام "سدا بر اهی" نه عهده دارد.

در تاریخ یک سنه ۲۸ دیماه سن مزدور جمع دخترها زده ساله‌ای آوارگان در قبول راسه بها نه داشتن کار به خانه خود برده و به زور وی تها و زمی کند. خسارت جنایت سرسبز در میان مردم سپهر بیخشت می‌شود. همسایگی‌های آخوند برای بوسادن قضیه به گاسومی افتند و آخوند مزدور دگری در بالای منبر در مسجد جامع شهر در توجیه مسئله می‌گوید که ما او را سعه کرده‌ایم و او مسئله‌ها ملاحظه شرعی است! ولی مزدوران رژیم وقتی می‌فهمند که اس کلاه "سرعی" برای مردم که از همه حزبها خیرندگشا دست بلاقلا صلحان را ساعه علیه روحانست "مبارر!" اعلام کرده و مردم را تهدید می‌کنند که در صورت ساکت شدن شلاق خواهند خورد.

اما مردم شهر بطور وسع دست به آساکری رده و اس جنایت را روی اسکاس‌ها می‌سوسند.

اخبار جنگ

توده‌های آگاه‌ان جنایت را که قطره‌ای از دریای جنایات بیشمار ارتکانهای رژیم در گوشه و کنار ایران است افشا کرده و بی‌خواهند ببرد که تا بودی فساد و فحشا رژیم، جز از طریق ناسودی رژیم سرما به داری امکان پذیر نخواهد بود.

گزارشی از تجمع آوارگان در فولاد شهر

جمعی از آوارگان فولاد شهر در تاریخ ۱۱/۱۱ در مسجد کبود آمده بودند. آوارگان به وضع بد بهداشت خود و بداندن کوبین خوار و بار به آنها اعتراض داشتند. شورای همیاری فولاد شهر در این جلسه حاضر شده بود و ما شندد قضاوت قبل سعی کرد قضیه را ما ست مالی کند.

یکی از آوارگان، میگفت: "میلیونها تومان از طرف مردم کمک مالی شده است ولی آنها راجه کرده‌اند؟ ما که خودمان خواهان این جنگ نبوده‌ایم، اس شما بودید که ما را طرد کردید و خودتان دست به اسن کار کرده‌اید و حالا ما سدا خوار و گوی ما شتر با شید." عنصر مرتجعی بنام "مدانی" در پاسخ میگوید: "من مسئول شورای همیاری هستم، بها مورشما با ندکمستما ما م رسدگی کند". آوارگان عصائی از این جواب شرملا می‌گفتند: "پس چرا املها سنا آمدانی" یکی از زنان میگفت: "بده‌بخ! مکرر سکورت ساد و تورا از اسنا سرد و کرده اسنا ما زنها با دستانتان نگاهت‌هاست مسکیم."

ساح رژیم به حواسپاشی آوارگان سرکوب است و پاسخ آوارگان به رژیم سرکوبگر مبارزه هر چه بیشتر!

تظاهرات آوارگان ماهشهر بمناسبت بزرگداشت قیام بهمن ماه

به مناسبت بزرگداشت قیام بهمن ماه و اسفای رسم مدخلی جمهوری اسلامی، هواداران سازمان در ماه مهرا علام را همسائی می‌کنند. عوامل رژیم سراسرا حرسدن، سدد رفت و آمدهای سن شهر و اردوگاه آوارگان را ریبسر کنترل می‌کنند و در روز ۲۱ بهمن ماه با محاصره بارازقا شهر که محل شروع راهپیمائی بود، شروع به دستگیری ساردهندگان و سطا هر کسدهگان می‌کنند. ابارجمکشان آوارده و مردم

ما شهر که تبلور خواستهایشان را در شعارهای سازمان میدیدند با حمایت خود از انقلابیون کمونیست و مقاومت در مقابل ارتجاع، ما تسج دستگیری سطا هر کسدهگان شدند. وحشت رژیم از اسن سطا هرات بقدری زیاد بود که از صبح ۲۱ بهمن به منظور جلوگیری از آگاه شدن توده‌های ارتش از ابده‌های انقلابی، و رود ارتشیا را به شهر ممنوع اعلام کرد. آگاه‌های نابودکننده ارتجاع است!

"باز هم فشار بر آوارگان"

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علاوه بر دا من زدن به جنگ ارتجاعی برای تحقق اهداف فخلقیش و آواره نمودن هزاران شهروطنان زحمتکش ما، به عناوین مختلف آوارگان را تحت فشار می‌گذارد.

اخیرا ماوران مبارزه با کرا نفروشی رژیم در "ما شهر" به ساط دستفروشی که عمدتا از آوارگان جنگ زده هستند و برای گذران زندگی ناچار به دستفروشی پرداخته‌اند، بیورش برده و تهدید میکنند که کرا نفروشی نکنند.

رژیمی که خود با جنگ ارتجاعی باعث آوارگی، گرسنگی و بیکاری کارگران و زحمتکشان شده، برای سرپوش گذاشتن بر ما هبت کندیده نظام سوما به داری وابسته که علت اصلی گران و تورم است و برای تظهر سرما به داران و تها و بزرگ، هم چون رژیم ناهاشن، چماق مبارزه با کرا نفروشی را سر زحمتکشان خرده‌بیا و آوارگان دسفروس و اردمی آورد. اما آتش اسن ساست - های مدخلی عاقبت دا من خود رژیم را خواهد گرفت.

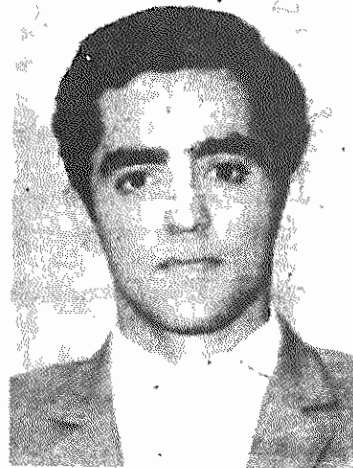
خبری از خوابگاه دانشگاه صنعتی اصفهان

در روز جمعه ۱۷/۱۱/۵۹ سرسجهای از سخره یکی از ساختمانهای محل سکونت آوارگان به پاشین می افتند. در آن حوالی حتی تک ماشین پیدا نمیشود که وی را به بیمارستان برسانند. بالاخره ما شسن یکی از بستگان آوارگان که به آنجا آمده سرسجها را به سمارستان می‌رسانند که هنوز سبوس اسب. مردم آوارده می‌گفتند چرا اسجا که حدود ۲۴۰۰ نفر ساکن هستند که یک آمبولانس ما ساسی دگری برای سجات چان مردم وجود سدا رده. خرابی کرا آوارگان نیسید. عده‌ای از اسن رحمتکس می‌گفتند: "چگونه اسب و سی سخی جرمی می‌رند فوراً چند اسب ما سس سادا اسنا نی آید که او را بگیرند ولی"

مبارزه علیه جنگ رابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

رفیق مسعود احمدزاده

ستاره‌ای درخشان در آسمان جنبش کمونیستی ایران



یازدهم اسفند ۱۳۵۰، رفیق مسعود احمدزاده از بنیادنگذاران سازمان چریکهای فدائی خلق همراه با رفقای هم‌رزمش اسدالله و عباس‌تفتاحی مجدداً احمدزاده و سعیدآرین بدست مسزوران امیریا لیسیم آمریکا بشهادت رسید و بدین ترتیب طومار زندگی پرافتخاریکی از بنیادنگذاران جنبش نوین کمونیستی ایران در نور دیده شده. از سال ۴۲ به بعد، محافل و گروههای کوچک متعددی بر اساس ردویزیونیسم خروشجفی شکل گرفتند و جنبش نوین کمونیستی را بنیان نهادند یکی از این گروهها، گروه رفیق احمدزاده بود که بعداً سازمان چریکهای فدائی خلق را بنیان گذاشت. این مرزبندی که مترازم‌زینسادی جهانی با رویزیونیسم مدرن برهبری حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی شکل گرفت. دو صف را در مقابل یکدیگر قرار میداد، مفیسی از کمونیستهای انقلابی جهان که در پشت سر رفیق ما ثوبر علیه رویزیونیسم متعفن خروشجفی می‌رزیدند و صف دیگر مزدوران و هوادار رسمی به نام داری نوین شوروی که تحت پوشش ما رکیسیم بزرگترین خیانتها را به ما رکیسیم مرتکب میشدند.

رفیق احمدزاده با برگزیدن عضویت صف ما رکیستهای جهان مبارزه را آغاز کرد، او در جزوه، مبارزه مسلحانه، هم استراتژی و هم تاکتیک بروشنی این مرزبندی جهانی را بیان میکند و همین برشردن ارتداد خائنین روسی و مزدوران نشان در ایران یعنی شوه ایهای خائسن میگوید که ما رکیسیم - لنینسیم تنها در فدیست با رویزیونیسم خروشجفی و قرار داشتن در صف کمونیستهای جهانی، معنا پیدا میکند. اما علی‌رغم کمونیست بودن رفیق احمدزاده در اید - شولوژی، در سیاست، دارای "انحراف اپورتونیستی" چپ میباشد، و علی‌رغم تا کید بر ضرورت رهبری پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک نوین ایران، نه تنها در جهت ایجاد ابزار این رهبری یعنی حزب طبقه کارگر ایران حرکت نمیکند، بلکه با برگزیدن مشی غیر پرولتری چریکی، عملاً در جهت ایجاد آن مانع نیز ایجاد میکنند.

در واقع همان‌طور که لنین میگوید نفوذ آنا رشیما زمامی حضور رویزیونیسم در جامعه است. گنبدیگی و ابتذال حزب توده و رویزیونیسم از یکطرف، جوانی و کودکی جنبش کمونیستی از طرف دیگر، تبلیغات کاستریستی در سطح جهان و... موجب میشود که جنبش جوان کمونیستی ایران، در همان ابتدای حرکت خود دچار انحراف

چریکی میگردد و سالها دلاورترین و قهرمانترین فرزندان خلق را برای میکشاند که عملیات خود طبقه کارگر ایران نیست، اما علی‌رغم این انحراف نه چندان کوچک رفیق احمدزاده، هرگز نمیتوان دستاوردهای گرانقدر رفیق را در مرز بندی با شوروی رویزیونیست و رویزیونیسم خروشجفی نفی کرد در واقع در ایران نیز یافتن راه صحیح مبارزه و تدوین تئوری انقلاب با مصیبتهای فراوانی میبایست توأم میبود و اشتباهات چنانچه زها و دلاوریهای بسیاری را بخود می‌دید. در واقع رفیق مسعود آغازگر راهی است که ادامه و تکامل آن میبایستی توسط رفیق مومنی و سپس رفقای که قاطعانه با سوسیال امتریالیسم روسی مرزبندی دارند، طی شود. بدین ترتیب از یکسو ادامه دهندگان راه مسعود، هرگز خائسن اکثریتی، که اکنون مرتد شده و به مبلغین رویزیونیسم خروشجفی و سوسیال امیریالیسم روس بدل گشته‌اند، نیستند. رویزیونیستهای خائن اکثریت جرئت کرده و نام رفیق را در بین شهدای خود آورده‌اند، این مرتدان اگر جرئت دارند، ستونی از تشریح خود را اختصاص به نظریات رفیق در مورد رویزیونیسم خروشجفی بدهند. نه آنها نمیتوانند زیرا آنها به راه انقلاب و به راه مسعود خیانت کرده‌اند. آنها هرگز نمیتوانند با انتساب دلاوری چون مسعود با رخیا نتهای خویش را سبک سازند. از سوی دیگر نمیتوان ادامه راه رفیق را گروه اشرف دهقانی کنونی دانست. آنها حماسه رفیق مسعود را که با تراژدی جنبش کمونیستی

بقیه از صفحه ۱۳ ضرورت...

نا درست خواندن حرکت آنرا، از رفقا خواست که مراسم ۱۷ بهمن را تنها به مناسبت ۱۹ بهمن برپا نمایند و همراه با سایر نیروهای کمونیست مراسم ۲۲ بهمن را در روز دیگری برگزار کنند، با حداقل اگر نمی‌توانند تغییری در برنام خود بدهد، از راهی که ۲۲ بهمن که توسط نیروهای کمونیست صورت میگرفت، پشتیبانی نماید لیکن رفقا مسئله را مسکوت گذاشته و عملاً هر دو پیشنهاد را رد نمودند، شاید راهس از برگزاری مراسم مشترک در ۲۲ بهمن با سازمانهای پیگیر کمونیستی بی ارتباط با اصرا رفقا مبنی بر عدم اعلام رسمی برگزاری مراسم ۲۳ دی از سوی نیروهای کمونیستی باشد و بجز عدم درک ضرورت آلترنا تیک کمونیستی، راهس از اتحاد عمل رسمی و علنی با نیروهای پیگیر کمونیستی، دلیل دیگری باشد که رفقا را بر آن میداند که اعلام علنی اتحاد عمل فدائیان، سازمان پیکار و... را نپذیرند و در حرکت ۱۷ بهمن که دیگر هیچگونه محملی برای عدم اعلام علنی هویت برگزارکنندگان مراسم وجود ندارد، خود به تنهایی دست به این حرکت زده و دچار اشتباه روز ۲۳ دی نگردند!

بهر حال آنچه بیشتر در اینجا مورد بررسی ما بود، ضرورت طرح آلترنا تیک کمونیستی و درسهای گرانبهای بوده که مراسم ۲۳ دی به کمونیستها آموخت و رفقای فدائی (اقلیت) نتوانسته‌اند و یا نخواسته‌اند آن درسهای فراگیرند، برخورد به گرایش را شروانه رفقا در برخورد به رویزیونیسم و سوسیال امیریالیسم را که تبلور بارزش در اتحاد عمل با سایر نیروهای کمونیست نیز منعکس میگردد به فرصتی دیگر و می‌نهمیم

ایران همراه بود، اکنون به کاریکای توری بدل کرده و با تکرار شعارهایی که مبارزه طبقاتی در دهساله کنونی مهر باطل بر آن زده است. خود را ادامه دهندگان راه رفیق مسعود جلوه گرمیازند به علاوه رفقای فدائی (اقلیت) نیز بهیچوجه ادامه دهندگان راه رفیق مسعود نیستند. راه مسعود در مرزبندی انقلابی با رویزیونیسم خروشجفی معنا پیدا میکند حال آنکه این رفقا با انحرافات رویزیونیستی خود در قبال رویزیونیسم و سوسیال امیریالیسم نشان میدهند که ادامه دهندگان دیدگاه فداریونیستی مسعود نیستند. ظاهر سرخ رفیق مسعود را باستی با کوشش در جهت پیوند با طبقه کارگر، تدوین تئوری انقلاب و طرد رویزیونیسم گرامسکی است. چرا که این بهترین درامید داشت برای کمونیستهای دلاوری چون مسعود است.

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

پیکار

رزمندگان: تصفیه اپورتونیسیم به شیوه سانتریستی!

تصفیه و اخراج چند عنصر اپورتونیست و بدنبال آن اعلام انشعاب اپورتونیستها از رزمندگان بی شک موفقیتی است برای جنبش کمونیستی در جهت پالایش صفوف خود از اپورتونیسم و متحد نمودن جنبش کمونیستی. هم‌اکنون در بسیاری از نیروهای جنبش کمونیستی این پیرویه تصفیه و پالایش صورت گرفته و هم‌اکنون نیز جریان دارد. این امر بی شک نشانه تکامل جنبش کمونیستی است. اما هرآنکه که پالایش صفوف خود را از اپورتونیستها برطبق معیارها و پرنسپب های لنینی استوار نسازیم، هرگاه تنها به اخراج چند عنصر اپورتونیست اکتفا کنیم، و به تحلیل مارکسیستی از انحرافات خود نپردازیم انحرافات که باعث رشد و گسترش اپورتونیسم در صفوف ما گشته است، و ظهور اپورتونیستها را ناشی از توطئه "اتفاقی" و دست بالا برخاسته "سهل انگاریها" بدانیم... آنکه در حقیقت با دیدگوشیم اپورتونیسم را از اندیشه خود تصفیه نکرده ایم، بلکه چند عنصر اپورتونیست را بصورت مکانیکی تصفیه نموده ایم. آنکه چه کسی می تواند منکر شود که شواهد اپورتونیسم موجود در اندیشه ما با ردیگر در تند پیچ دیگر از سانتریسم و التقاط شروع نکرده و به اپورتونیسم وارد شده است. نشود با توجه به ضرورت پالایش صفوف جنبش کمونیستی از هرگونه اندیشه و مشی اپورتونیستی به بررسی کوتاه انشعاب در رزمندگان و وضعیت کنونی آنان می پردازیم.

برای هر مارکسیست - لنینیستی که پدیده های نوین را نه بمانا با اتفاقات "خلق الساعه" بلکه بمانا به تکامل منطقی سیر تاریخی آن پدیده پیشین بودماند؟

برای هر مارکسیست - لنینیستی که پدیده های نوین را نه بمانا با اتفاقات "خلق الساعه" بلکه بمانا به تکامل منطقی سیر تاریخی آن پدیده میگرداند، انشعاب در رزمندگان، وی را پیشین میدارد که بهر سدر رزمندگان و با منضمین کد امیک تکامل منطقی سیر تاریخی مواضع پیشین بودماند؟

بررسی اصلی ترین خطوط فکری سیاست غالب بر نشریه رزمندگان، چراغ راهنما می است برای درک این مسئله که کد امیک از این دو جریان تکامل دهنده مشی گذشته پیشین بوده و آنکه می توان در بر تودست یا بی به جواب این سؤال، انحرافات کنونی رزمندگان را بررسی نمود.

سرما یه داری ایران به تروتسکیسم در می غلطید در بر خورد به امیریا لیسیم دچا را نخرافا کاشو - تسکیستی بود که امیریا لیسیم را بمانا به پدیده ای سیاسی ارزیابی می نمود. در این باره ما در نقد نظرات رزمندگان در باره ساخت جامعه توضیح دادیم و در اینجا وارد خود بحث نمی گردیم. بهر حال بریستر چنین درک انحرافی از امیریا - لیسیم و پیرویه استقرار سرما یه داری، رفقاً انقلابی و فدا شقلابی بودن هر نیرو را در رابطه با موضعگیری اش در قبال سرما به تعیین نموده و بریستر این درک تروتسکیستی، خرده بورژوازی مرفه سنتی را ارتجاعی ارزیابی می نمودند. در عین حال بدلیل درکی از امیریا لیسیم را که می دادند، نیروئی فدا شقلابی را ضد امیریا لیست معرفی می کردند. مبنای درک این تفکر بصورت فرموله شده چنین بیان میگشت: خرده بورژوازی مرفه سنتی از آنجا که در قدرت سیاسی قرار داشته و حافظ سرما یه داری و با لطمع سیستم سرما یه داری وابسته است، فدا خلق است، ولی از آنجا که در گریهای سیاسی نیز با امیریا لیسیم دارد فدا امیریا لیست است!

تئوری رویزیونیستی - تروتسکیستی ضد خلق - فدا امیریا لیست بر مبنای چنین درک سیاسی از امیریا لیسیم قرار دارد و در رابطه با امیریا لیسیم با سرما یه داری وابسته درک نمی

از دودیدگاه و روشن حقیقی مشی گذشته "رزمندگان" بوده اند و در اینجا بویژه روی سخن ما با رفقای رزمندگان است. چه در گذشته اپورتونیست منشعب، امروزه با صراحت آشکار خیانت خود را به مارکسیسم - لنینیسم اعلام نموده است. و ما وظیفه ای جز کوشش برای طرفداری از رزمندگان از همپالکی های خجول اکثریت بشما میروند، قائل نیستیم. ما کوشش ما در بر - خورد به رفقای رزمندگان در این است که سانتریسم و ممانات جوشی کنونی را که در عدم نفی انقلابی اکثریت قریب به اتفاق مواضع پیشین منعکس میگردد نشان داده و به سهم خود به آنها کمک نمائیم تا انحرافات سانتریستی خود را برفع مواضع مارکسیستی در هم شکنند.

امیریا لیسیم و ساخت جامعه:

رفقای رزمندگان در بر خورد به پدیده امیریا لیسیم دچا را نخرافات کاوشکیستی - رویزیونیستی بودند. رفق درکی را که از امیریا لیسیم را نه می دادند، درکی بود که امیریا لیسیم را عمدتاً بمانا به پدیده سیاسی و "عامل خارجی" در ساخت سرما یه داری وابسته بشمار می آورد. این نظرگاه که در جزوه تضادها و مرحله انقلاب حاکم بود، بعدها به سیاست غالب بر نشریه بیدل گشت. و بر اساس این دیدگاه ورشد سرما یه داری در ایران "خودبو" بوده و امیریا - لیسیم بمانا به "عامل خارجی" تنها در تشریح این روند موثر بوده است! این درک که با خود بودیدن

کند و بیاد بمانا به پدیده ای سیاسی و خارجی میگرداند، بدین ترتیب خرده بورژوازی در درون جامعه معده در نوع رابطه با سرما یه داری (وابسته) "فدا خلق" و در رابطه با عامل خارجی و مناسبات خارجی "فدا امیریا لیست" قلمداد میگردد. چنین است که بر اساس این تئوری تروتسکیستی - رویزیونیستی ابتدا کمیته - ل و سپس در نشریه رزمندگان از خرده بورژوازی فدا انقلابی که دارای خصلتهای فدا امیریا لیستی است نام برده میشود و حرکت سفارت یک حرکت ضعیف فدا امیریا لیستی قلمداد میگردد (رزمندگان ۲۵ - بورژوازی یکسال ونیم بعد از قیام) و سپس منشا تضاد های خرده بورژوازی حاکم بمانا به "تضاد نسبی خرده بورژوازی حاکم با امیریا لیسیم و سرما یه داری" قلمداد میشود. و اصولاً این تفکر "فدا خلق - فدا امیریا لیست" از نشریه شماره ۱۳ رزمندگان خط مشی اصلی حاکم بر رزمندگان را تشکیل میدهد.

از طرف دیگر ارزیابی انحرافی از ساخت جامعه و امیریا لیسیم تنها با به تئوریک تضاد

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

حلق - فدا میربالیست خواندن خرده بورژوازی مرفه سنتی میگردد، بلکه در تقسیم بندی خرده بورژوازی مدرن (ناقعی مناسبات سرما به داری) و خرده بورژوازی سنتی که حافظ مناسبات سرمایه داری است، نیز با به تئوریک ثنوری روزنو - سنتی راه رشد غیر سرمایه داری حیده میشود، ما در گذشته نزا بین مسئله را مورد نقد قرار دادیم این ثنوری روزنو سنتی در برخورد به بخش مدرن سنتی خرده بورژوازی در برابر مقاله "خرده بورژوازی و انقلاب" منعکس است. و بالاخره بر بستر ثنوریهای روزنو سنتی - تروئسکسکی که وضعیت طبقات را از زاویه نوع مناسبات و برخورد آنها نسبت به سرما به (در مرحله انقلاب دیکراتیک) و نه از موضعگری آنها نسبت به سرمایه لیسیم و یا بگاها خلی آن سیستم سرما به - داری و ایست به امیربالیسم مورد بررسی قرار می داد، بالطبع و ناگزیر مرحله انقلاب را دیکراتیک با مضمون سوسالیستی ارزیابی می نمود، این ثنوری همان ثنوری روزنو - سنتی - تروئسکسکی است که در جزوه تضادها و مرحله انقلاب به صراحت بیان میگردد و در نشریه رزمندگان در برخورد به راه کارگر منعکس میشود و بالاخره همان دیدگاه هی است که سوسالیسم خلقی را در مرحله انقلاب دیکراتیک بنمایش میدهد.

۳- تحلیل از قدرت سیاسی:

بر اساس چنین درکی از امیربالیسم، ساخت جامعه، آرایش طبقات و مضمون مرحله انقلاب است که تحلیلی متناسب با آن از قدرت سیاسی بعمل می آید. هژمونی در قدرت بدست خرده بورژوازی مرفه سنتی معرفی میگردد و مبارزه درون هئت حاکمه نه از مقوله تضادهای فدا انقلاب و درجه رجوب حفظ وحدت، بلکه مبارزه طبقاتی حادی تصویر میگردد که خرده بورژوازی غلبه بورژوازی و امیربالیسم به پس می راند، درکی که در اندام خودناگزیر حماست از خرده بورژوازی حاکم را وظیفه خود قرار خواهد داد، درکی روزنو سنتی که "راه سوم" را تداعی می نماید. خرده بورژوازی حاکم از یک طرف ضد بولتاریا است و از طرف دیگر راه بورژوازی و امیربالیسم را نمی پذیرد و خواهان سمت دادن جامعه به راه مستقل، خویشی است. مبنای ثنوریک حماست از خرده بورژوازی حاکم و "راه رشد غیر سرمایه داری" که این خرده بورژوازی نابیطی نماید، در این نظرگاه منحو سرجسته ای منعکس میگردد.

از نظریه رکسسم - لنینیسم خرده بورژوازی درجا کمت نمی تواند مدت زمان زیادی هویت طبقاتی خود، حضور مستقل و هژمونیک داشته باشد. چه فاقد سرمایه مستقلی برای هدایت سیاست و اقتصاد جامعه است. اگر سرمایه خرده بورژوازی اگر در جامعه ای سرمایه داری حاکمیت داشته باشد، با دربروسه ای کوتاه مدت

بوروکراسی سرده زران خرده بورژوازی حاکم به بورژوازی سیدل منگردند (چرا که جز سرمایه بورژوازی راه دیگری برای اداره اقتصاد و سیاست جامعه وجود ندارد.)، با اگر در مسدود سازی بورژوازی سبک باشد، نه زیر پرچم رفته و سرمایه من راه احرا درمی آورد. و در حقیقت هژمونی بورژوازی اعمال میگردد. آنها روزنو سنتیهای خروئجی و مناسران از آن هستند که خرده بورژوازی را از لحاظ سیاسی طغهای مستقل و نابریا مه سیاسی مستقل می - بنادارند و برآمده آن بر این اساس خرده بورژوازی می نواید دریک جامعه سرمایه داری در حاکمیت هژمونی داشته و راه مستقل خوش را که هدسان "راه رشد غیر سرمایه داری" است بسنما د.

شماره ۱۳ منعکس نمود، و از آن پس میربالیست کودتا و ضرورت اتحاد عمل بر علیه صدا تضلات مغلوب کوسرد میگردد. زمانیکه روند عملی جامعه کودتای بورژوازی و امیربالیسم علیه خرده بورژوازی حاکم بنماید، و زمانیکه خرده بورژوازی حاکم سردارای خصلت صدامیربالیستی با سدروشن است که اتحاد عملی بر علیه صدا تضلات مغلوب! و نه فدا تضلات حاکم و در همسوئی و حتی وحدت ناکتکی با خرده بورژوازی و به مبارزه - ای بر علیه ماشین دولتی بعنوان ناکتیک کمونسستها مطرح نمود.

آهسته آهسته نظرات روزنو سنتی دربر - خورده قدرت سیاسی و حتم اندام و ناکتیک صدمیاسد.

● جنگ نظرات اپورتونیستی گذشته رابه تحولی کیفی و "مونستی" تبدیل نموده و اپورتونیسم رابه "سوسیال شو نیم" مجول و سپس آشکار تبدیل ساخته است. سیاست رزمندگان ۳۴ درقبال جنگ چیزی جز ادامه سیاست رزمندگان در پیش از جنگ نیست.

از استرو و تحلیل سیاسی رزمندگان از قدرت سیاسی که از طرفی با اعتقاد به هژمونی خرده بورژوازی در حاکمیت در عرض این دو سال توام است و از طرف دیگر برای خرده بورژوازی حاکم خصلتهای کم و بیش فدا میربالیستی قائل است متاثر از شواثب فکری روزنو سنتی خروئجی بوده و میسر از چنین درکی "مبارزه طبقاتی" در سالا را مبارزه بین دوره (راه خرده بورژوازی و راه بورژوازی) داشته و طبیعتا روند طلسمی جامعه را نیز چنین خواهد دید. "بیابان سفارت" رزمندگان نیز درک فوق را بروشنی بنمایش می گذارد و از رزمندگان شماره ۱۳ بیعدسما به خط سیر اصلی روند آنها در مقاله ها و در مقالات "بورژوازی کسال و نسیم بعد از نسیم" منعکس میگردد.

۳- خط مشی ناکتیک:

بر سرچشم سیستم فکری و جنبش تحلیلی از قدرت سیاسی، همچنانکه نظرات بعدی رزمندگان نشان میدهد، از آنجا که سیر اصلی وقایع، وحدت - سازی مبارزه طبقاتی بین خرده بورژوازی حاکم (که دارای هژمونی است) با بورژوازی لبرال ارزیابی میگردد و از آنجا که بورژوازی لبرال بعد از سفارت مواضع خود را یک سبک از دست میدهد، طبیعتا چشم انداز آینده، کودتا از جانب امیربالیسم قلمداد میسود که نزعم رزمندگان از آنجا که نگاه حادی امیربالیسم در قدرت (بورژوازی لبرال) تضعیف شده و خرده بورژوازی حاکمی است که روزنو سنتی - سارص با امیربالیسم و بورژوازی افروخته می - شود، امیربالیسم حماست به کودتا خواهد زد. و ناکتیک کمونسستها در فحال این حتم انداز بصورت وحدت ناکتکی با خرده بورژوازی حاکم که در عین حال دارای گراسات صدامیربالیستی است، در مقابل امیربالیسم و بورژوازی ایران تعین میگردد. این مطلب در مقاله رزمندگان

با جنبش تحلیلی ارا و صاع جامعه، از قدرت سیاسی و از مبارزات فدا میربالیستی خرده - بورژوازی حاکم و ضرورت اتحاد عمل بر علیه کودتا و امیربالیسم و فدا تضلات مغلوب، جنگ ایران و عراق به ناگزیر کوشش امیربالیسم برای سرانداختن خرده بورژوازی حاکم که هژمونی هم دارد (رفقای رزمندگان حزب جمهوری اسلامی را خرده بورژوازی ارزیابی می نمودند) و دارای خصائل صدامیربالیستی است، قلمداد میگردد، حال چه کسی بر اساس چنین تحلیلی که بسجده منطقی تحلیلهای ذکر شده است، می تواند جنگ را عیرا دلایله و ارتجاعی بداند؟! و چه کسی است که بتواند داشتن چنین تحلیلی ارا و صاع و احوال، ضرورت همسوئی با خرده بورژوازی حاکم و بصورت مونسسی آن، حماست از خرده بورژوازی حاکم و دفاع از خصائل صدامیربالیستی اس! رانعی کند؟

بنظر ما هما بطوریکه اپورتونیسمهای مسدود مندگر شده اند مواضع روزنو سنتی و احراقی رزمندگان ۳۴ تا ۴۰ حزی نسبت جز "تکامل" منطقی و "مونستی" نظرات پیشین، نظراتی که در مقاله ها و نوشته های رزمندگان ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۰ بصورت گاملا سازی خودمانشی میکنند.

تنها جنگ نظرات اپورتونیستی گذشته را به تحولی کیفی و "مونستی" تبدیل نموده و اپورتونیسم را به "سوسال شو نیم" مجول و سپس آشکار تبدیل ساخته است. سیاست رزمندگان ۳۴ درقبال جنگ، چیزی جز ادامه سیاست رزمندگان در پیش از جنگ نیست.

۴- روزنو نیم و سوسیال امیربالیسم:

ما در برخورد به درکهای تروئسکسکی - روزنو سنتی رزمندگان نسبت به معولسه روزنو نیم و سوسیال امیربالیسم مطالب -

کشا و وزان ۲ رای خواهند داشت در مقابل ۵ رای دولت که واضح است مدافع منافع چه کسانی است؟! علاوه بر فرض دادن زمین سه دهقانان محروم با کدام امکانات مالی و تکنیکی به کشت بپردازند؟ توده های دهقانی که به شکرانه "گمگهای" رژیم در فقر و سیاه روزی فرورفته اند مگر می توانند خود اقدام به کشت نما کنند؟

با توجه به مطالب فوق، زمانی به عمق تضاد رژیم و مرتجعین حاکم با منافع توده های بی میلی می بینیم که مخالفان "مراجع تقلید" و سایر مقامات رژیم را از فردای تصویب طرح مذکور، با بند "ج" نمانده می کنیم، اینان آنقدر مرتجعند که حتی از بیابان کوچکترین حرفی که شبیه "بی احترامی به مقام مالکیت مقدس را در اذهان ایجاد کند، وحشت دارند!

آیت الله منتظری در همان نماز جمعه میگوید "در هر کجا که زمین موات هست باز من مصادره شده هست و لویک فرسخی ولو دو فرسخی حق ندارند زمینهای کشت مردم (؟) را تقسیم کنند."

آیت الله روحانی میگوید: "بگونه املاحات ارضی برخلاف اسلامی است و اگر در شورای انقلاب هم تصویب شده باشد چرا است" (با مدا ۵۸/۱۲/۱۶)

آیت الله قمی در دفاع از مالکیت و رد تقسیم زمین میگوید: "از مسلمات فقه با مزارعه است و با مزارعه معنی اش اینست که یکی مالک زمین است خودش اهل زراعت نیست زمین را میدهد به دیگران که زراعت کنند و با آنها قرار داد میبندند... اینها همه اش را ما در سالها ما - بیابان نوشته ایم همه هم نوشته ایم نه یک نفر و دو نفر" (کیهان ۵۸/۱۲/۲۰)

همچنین آیت الله گلپایگانی در تاریخ ۵۹/۵/۴ و آیت الله مطهری در تاریخ ۵۹/۸/۱۷ فتواهایی مبنی بر مخالفت با طرح مذکور و حرمان دانستن مزارع زمین، مازاد می کنند، و نمونه های بسیار دیگر که بر طبق اصل "ولایت فقیه" تنها یکی از آنها برای جلوگیری از اجرای طرح کافست! (رجوع شود به پیکار شماره ۹۲)

سرانجام آیت الله خمینی فرمان توقف اجرای طرح را داده و هیئتی مرکب از منتظری، بهشتی و مشکینی را برای بررسی بیشتر و دقیق تر (؟) طرح ما مورسیدگی می کنند، آیت الله ربانی شیرازی نما بنده ما موعظ شورا ی نگهبان طی اطلاعیه ای موضوع را اینچنین عنوان میکند: "اما امت و بنیانگذار جمهوری اسلامی با توجه به موقعیت کنونی و جلوگیری از تضاد و اختلاف دستور فرمودند که بطور موقت مسئله واگذاری زمین متوقف شود." (انقلاب اسلامی ۵۹/۷/۳۰)

بهشتی مغز متفکر حزب جمهوری مسئله را اینچنین عنوان میکند: "در شرایط کنونی نظر اما ما اینست که برای اجرای بنیادالف و بنیاد ب (یعنی تقسیم زمینهای بایر، موات و بی حاصل - پیکار) تلاش کامل شود (؟) و در مورد اجرای

بند "ج" هم نظریاتشان ایستاده است که توجه به شرایط کنونی ما بیشتر نیروها بیان را فلامت مرکز در سند "الف" و سند "ب" از این طرح بکنیم. (جمهوری اسلامی ۵۹/۹/۴)

علیرغم این واقعات رژیم که نگاه خود را بر عوا مفریبینها و دروغ پردازان بنا نهاده است، به مسلمات خود در مورد طرح "املاحات ارضی" مذکور و اقدامات اصلاحی انقلابی هبست های ۷ نفره، ادا نمیدهد. اما با دقت در گفته های مسئولین رژیم ما هبت عملگر دایم - هستهای "انقلابی" که خوش رقصی روی بیونیستهای خائن توده ای و ضد انقلابیونی چون "متی" ها را نیز برانگیخته است، آشکارا میشود:

قبل از هر چیز برای آنکه بمیزان وحشت رژیم از مزارع انقلابی زمینها توسط دهقانان بی بپریم، سخنان حاکم شرع ستاد واگذاری زمین را نقل میکنیم که میگوید: "یک سلسله تخلفاتی که صورت گرفته است نسبت میدهند و حتی زمینهای را که ملاکین و فئودالها از ترس کشاورزی گذاشته و فرار کرده بودند و کشا و وزان خود قهر آنها را تقسیم کرده بودند، اینها را نیز به حساب مسا گذاشته اند." (جمهوری اسلامی ۵۹/۱۰/۱۱)

با اید به این آقایان اطمینان داد که نترسید! دیگر کسی نمانده که در انتظار شما انجام عملی انقلابی از سوی شما باشد! شما سه همراه فئودالها و زمینداران بزرگ و سرما خواران در صنف مقابل زحمتکشان قرار دارید و دهقانان امروز بیش از پیش به این واقعیت بی مبهرند.

اقدامات انقلابی آنها گواه این امر است. از سوی دیگر نما بنده جها دسا زندگی در هیئت واگذاری زمین و وظیفه هیئتهای ۷ نفره را این چنین ترسیم میکنند: "وظیفه این هیئت تنظیم قرارداد بین مالک و زارع می باشد." (همانجا)

بدین ترتیب اول علیرغم تمامی تبلیغات رژیم مبنی بر "مخالفتش با فئودالها، در اینجا رسماً وجود آنها یعنی ان یکطرف قرار داد است می شود. ثانیا رژیم وظیفه برقراری صلح ما بین زمینداران و دهقانان را بعهده میگیرد! یعنی وظیفه آشتی دادن یک تضاد آشتی ناپذیر! روشن است که تحت حاکمیت سرما به این "صلح" بشفیع چه کسانی تمام خواهد شد.

و بالاخره در گزارش یکی از هیئتهای واگذاری زمین یکی از علل کاهش سطح تولید در سال گذشته "دلسردی و عدم اعتماد مالکین نسبت به آینده و در نتیجه عدم سرما به گذاری" ذکر شده است (کیهان ۵۹/۱۰/۱۲)

بدین ترتیب ما هبت عملگر دایم "انقلابی" رژیم در رابطه با "حل" مسئله ارضی و دیدگاه نهفته در پس کلیه عوام فریبینها بش، موضح آشکار میشود، بررسی تمامی اعمال رژیم در رابطه با زمینها و تنها بیانگریک واقعیت است و آنها اینست که رژیم جمهوری اسلامی بنا بر هبت ضد خلقش که وظیفه یا ساری از سیستم سرما به - داری وابسته را بعهده گرفته است، در رابطه با مسئله ارضی نیز جانب فئودالها، زمینداران

بزرگ و مکنندگان خون زحمتکشان را گرفته است. موضعی که در تضاد آشتی ناپذیر با منافع دهقانان زحمتکش ایران قرار دارد.

رژیم مضمم گشته است تا حیث انقلابی دهقانان را در کنار سایر جنبشهای انقلابی توده ها، به انحراف کشا تده و سرکوب کند. اما مسامحتا انقلابی حاکم بر حاکم معر و رشد و گسترش روز افزون جنبش توده ها، حلیه های رژیم را سی اثر کرده و تضادهای درونیش را حادتر میسازد. از جمله در رابطه با مسئله دهقانان میبینیم که به رغم مخالفت رژیم با اجرای بند "ج" از طرح واگذاری زمین، اخیراً نشانه های مخالفت با این تصمیم از گوشه و کنا رشنیده میشود. هر روز روزنامه های جیره خوار رژیم گزارشات مبنی بر ترغیب دولت برای عدم اجرای بند "ج" منتشر میکنند. اما آنچه برای دهقانان زحمتکش ایران مهم است توجه به این واقعیت میباشد که: اولاً ما هبت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی به اوج ازنجام کوچکترین اقدام انقلابی را نمی دهد. ثانیا سروصدا های اخیر جناحی از رژیم مبنی بر اجرای بند "ج" و عوام فریبینهای خائنین روی بیونیست و مدیحه سرا یان رژیم در اینباره، هدفی جز به انحراف کشیدن و سرکوب مبارزات انقلابی دهقانان ندانسته و ندارد. ثالثاً بنا بر این فرض اجرای بند "ج" از لایحه مذکور، تغییر در ماهیت ارتجاعی این "املاحات ارضی" رخ نمیدهد چرا که اجرای آن هدفی جز تلافی انزوی انقلابی دهقانان و سرانجام سرکوب آنها را دنبال نمیکند.

به افشای لایحه "واگذاری زمین رژیم" و ما هبت بنسند "ج" آن بپردازیم!

جنبش او جگیرنده و گسترده دهقانی را سازماندهی کنییم!

بقیه از صفحه ۲۰ رزمندگان...

زیادی را در نشریات و ضما ثم پیکار نوشته ایم. از اینرو در اینجا به بررسی آن انحرافات نمسی - برداریم، تنها خوانندگان را به خواندن آن مقالات رجوع میدهم تا خود در بابا بنده که تزلزلات عمیق رزمندگان در برخورد به روی بیونسم و سوسیال امپریالیسم چگونه دمدماء فزوده میگشت و در جنگ اگر نزدیکی عراق به شوروی "چسب" خواننده میشود و بطور تلویحی با قرار دادن شوروی در کنار صف خلق، سیاست های مترقی برای شوروی تصویر میگردد، این نه تنها اسبسی غافلگیرکننده و عجب نبود، بلکه نتیجه محتوم همان تزلزلاتی بود که در برخورد به روی بیونسم و سوسیال امپریالیسم منعکس میگشت و در نشریه رزمندگان ۳۴ به ما کلاما آشکار میگردد. بر خورد بیفایت را ستروانه و حما نت آمیزا زوبیتنام که در این شماره منعکس میگردد، نمی تواند به چنین برخوردی نسبت به شوروی منتج نشود و در اساس هر دو حکایت از تزلزلات عمیق روی بیونیستی دارد.

(ادامه دارد)

ویتنام و تزه‌های رویزونیستی "لهدوان" (۲)

هما نظر که میدانیم معیار اساسی که کمونیست‌ها را از رویونیست‌ها جدا می‌سازد همان مرزبندی با رویونیسم و پورتونیسم است. امروز رویونیسم در جنبش جهانی کارگری - کمونیستی خطر عمده را تشکیل داده و بدون مبارزه پیگیر و همه‌جانبه علیه آن مبارزه با بورژوازی حرفی بوجوبی معنی است. رویونیست‌ها عالمین بورژوازی در صفوف جنبش کارگری بوده و رسالت دارند تا از انقلاب پرولتاریا بی‌بهره و در هم شکستن ماشین دولتی سرمایه داری ممانعت بعمل آورند. بنا بر این کمونیست‌ها که برای انقلاب سوسیالیستی و تصرف قدرت توسط پرولتاریا می‌جنگند نمی‌توانند علیه رویونیست‌ها این خائنین به سوسیالیسم مبارزه نکنند. بخشی از این رویونیست‌ها، مردان اروپائی بشمار می‌آیند. رویونیست‌ها - های فرانسوی به سرکردگی ژرژ ماژار - رویونیست‌های ایتالیائی به سرکردگی برلینگوئورویونیست‌های اسپانیائی به سرکردگی گارسیا... متحدان بورژوازی امپریالیستی بوده و پیوسته کوشیده‌اند تا با طرح راه - مسامت میزوپا رلمانتا ریسم طبقه کارگر را در اسارت سرمایه نگه دارند. این پیوسته در مبارزات کارگران اخلال کرده و همیشه سعی کرده‌اند تا کارگران را با شعارها و سیاست‌های رویونیستی و فرمیستی از مبارزه انقلابی برای تصرف قدرت بازدارند. این مبارزات طبقه کارگر را نه برای راهائی کار، بلکه برای کسب امتیازات جزئی برای خود می‌خواهند. و پرواضح است تا زمانی که کارگران کشورهای سرمایه داری بیخ این خیانکاران مردود به دور اندازند به انقلاب سوسیالیسم نخواهند رسید.

اما "لهدوان" رویونیست به این امر چگونه برخورد می‌کند؟ او خائنه تمام است. حقا بقی را می‌پوشاند، او نه تنها در گزارش خود به کنگره چهارم (دسامبر ۱۹۷۶)، یک کلمه علیه رویونیسم و پورتونیسم حرف نمی‌زند و نه تنها حتی یکبار در ضرورت مبارزه علیه خائنین به سوسیالیسم سخنی به میان نمی‌آورد، بلکه برعکس رویونیست‌های خائنین را نمایندگان راستین پرولتاریا معرفی می‌کند، او در برخورد به احزاب رویونیست در کشورهای سرمایه داری می‌گوید: "در بعضی کشورها احزاب کمونیست که موقعیت پراهمیتی در زندگی سیاسی احراز کرده‌اند بی‌بروزیهای مهمی بدست آورده و پرچم استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم را به اهتزاز درآورده، بر علیه سرمایه داری و انحطاط دولتی در داخل و خارج کشور متحد و متشکل شده



با پیروزیهای بی‌دریغی بورژوازی انقلاب را نزدیک - تر می‌سازند. هما نظر که میدانیم نیم رویونیست‌های اروپائی در تکرار به بورژوازی انحطاطی و به قیمت چند کرسی در پارلمان بورژوازی، انقلاب پرولتاریا را فروخته و مدار هرگونه مبارزه انقلابی کارگران را خفه کرده‌اند. امروز این خائنین، مارکسیست لنینیست را بدور انداخته‌اند، رهبر رویونیست‌های اسپانیائی و قیبا نه اعلام داشته که لنینیسم کهنه شده و رهبر رویونیست‌های فرانسوی خائنه مطرح ساخته که دیکتاتوری پرولتاریا مانده دیکتاتوری فاشیستی میباید. حال این خیانکاران از نظر "لهدوان" "رویزیونیست" "پرچم سوسیالیسم" را به اهتزاز در آورده‌اند؟ مگر سوسیالیسم بدون انقلاب پرولتاریا می‌تواند ممکن است؟ مگر لنین کیبرتاً مکتب "دولت و انقلاب" را ننوشت تا بگوید پارلمانتاریسم خیانته به اسارت پرولتاریاست و سوسیالیسم تنها به انقلاب قهرآمیز سوسیالیستی ممکن است؟ پس چرا "لهدوان" این حقایق را می‌پوشاند؟ زیرا او نیز یک رویونیست مردود است. او صحبت از نزدیک تر شدن انقلاب بر رویونیست‌های بی‌دریغ رویونیست‌ها می‌کند، واقعا باید پرسید کجا پیروزی؟ و انقلاب چگونه نزدیک تر شده است؟ سالیان سال رویونیست‌ها بر جنبش کارگری اروپا سطرده‌اند و سالیان سال این جنبش را در محدود افکار فرمیستی و پارلمانتاریستی می‌آوردند. او سالیان سال این جنبش را در چهارچوب سندیکاها و ارتجاعی به بند کشده و مانع از آن شده‌اند تا این جنبش، مسلح به سازمان طبقه‌ای خود گردد و به جنگ بورژوازی سرود. آری مگر همین رویونیست‌های فرانسوی نبودند که جنبش مه ۱۹۶۸ را محکوم کردند و کوشیدند تا در آسایش با امپریالیست‌های فرانسوی آنرا خاموش سازند؟ آری مگر همین رویونیست‌های ایتالیائی و اسپانیائی نیستند که معتقدند کشورهایشان باید در چهارچوب چوب پیمان امپریالیستی نا توباقی بمانند؟ آری واقعتاً اینست که رویونیست‌های اروپائی دشمنان طبقه کارگر اروپا بوده‌اند، از انقلاب پرولتاریا وحشت داشته و با تمام قوا با مبارزات انقلابی مقابله می‌نمایند. آری واقعتاً این

است که رویونیست‌های اروپائی نه پرچم سوسیالیسم بلکه پرچم سرمایه‌داری در دست دارند و "لهدوان" رویونیست خود مبلخ فرمیسم و پارلمانتاریسم بورژوازی برای کارگران اروپا میباید، و خیانته را می‌پوشاند و بدین ترتیب ضدیت خود را با انقلاب پرولتاریائی به نمایش می‌گذارد.

"لهدوان" در ادامه ترها ت رویونیستی‌اش می‌گوید: "امپریالیسم به رهبری ایالات متحده از هیچ کوششی برای تدارک جنگ جهانی جدیدی فروگذار نکرده و به وسیله‌ای برای سرکوب جنبش - های انقلابی و پس گرفتن مواضع از دست رفته در هم کوبیدن جنبش‌های آزادیبخش ملی و جلوگیری از توسعه سوسیالیسم متوسل میشود." این واقعیتی است که امپریالیسم خونخوار آمریکا در راه اهداف توسعه طلبانه از هیچگونه جنابت و کشتار و سرکوب و از هیچگونه غارتگری و چساول دریغ نمی‌ورزد، اما این امر بخشی از حقیقت است بخش دیگری از حقیقت اینست که سوسیالیسم امپریالیستی نیز در رأس قطب آسیای دیسگر امپریالیستی هیچ دست کمی از امپریالیسم آمریکا ندارد. مگر شوروی از طریق صدور سرمایه و میباید نه برای خلق‌های جهان را استثمار و غارت نمی‌کند؟ مگر شوروی به افغانستان لشکرکشی نظامی امپریالیستی نکرد؟ مگر شوروی در پی تدارک جنگ نیست و یکی از مهم ترین سواگران امپریالیستی اسلحه بشمار نمی‌آید؟ مگر شوروی با امپریالیسم آمریکا رقابت امپریالیستی نمی‌کند و به همین منظور در کشورهای دیگر به ایجاد پایگاه‌های نظامی امپریالیستی دست نمی‌زند؟ مگر شوروی خلق آریتر را سرکوب نمی‌کند و با کمک تسلیحاتی به رژیم‌های مرتجع در سرکوب جنبش‌های کارگری و آزادیبخش شرکت ندارد؟... آری شوروی نیز در صف دشمنان پرولتاریای بین‌المللی و خلق‌های جهان قرار دارد و "لهدوان" این حقیقت را مسپوشاند و این امری طبیعی است چرا که او در رأس حزب ویتنام در کنار سوسیالیسم امپریالیسم شوروی قرار دارد.

آری امروز در ویتنام که به قسمت شکنجه و کشتار میلبون‌ها زنجشک و کمونیست از اسارت امپریالیسم بانگی راهائی پیدا کرد، رویونیست‌ها کاملاً گم‌گشته‌اند. این حقیقتی است که همه کارگران باید بدانند. خلق ویتنام در مبارزه علیه امپریالیست‌ها و مرتجعین دلاوری‌ها و قهرمانیهای بی‌شمار از خود نشان داد. او نشان داد که چگونه خلقی مصمم و تحت رهبری کمونیست‌ها می‌تواند بزرگترین ارتش‌های حنایتکار امپریالیستی را در هم شکند و آزادی را به کف آورد. این خلق درس‌گرا نیبائی از مقاومت انقلابی به خلق‌های جهان داد، اما رویونیست‌ها نه با سدا را بین همه دلاوری‌های قهرمانانه بلکه با مال‌کننده این دستاوردهای گرانقدر می‌باشند و امروز این رویونیست‌ها هستند که کاملاً برویتنام میباید. این حقیقتی است که همه کارگران باید بدانند!

یاد رفیق کبیر استالین را گرامی بداریم!



دولت نزاری مجلس موسسان همگامی را نخواهد پذیرفت، دولت نزاری به خودکامگی خود پایان نخواهد داد. او این چنین ادامه خواهد داد! "قانون اساسی" ناقص و دم‌برسده "قابل قبول" و یک تسلیم‌موقتی است و چیزی جز وعده‌ریا کارانه تزاریسمنی نیست! ما بدون شک از هرگونه عقب‌نشینی تزاریسمن و موقعیت مسا عدرتحق امر سرنگونی تزاریسمن استفاده خواهیم کرد. اما این حقیقت واضح و آشکار است که توده‌ها نمی‌توانند به وعده‌های تزاریسمن اطمینان داشته باشند. ننگه‌گاه فاسد اعنما دآنها فقط خودشان می‌باشد، آنها با بستی فقط به قدرت و توانایی خود متکی باشند، آزادی خلقها توسط خود آنها حاصل و فراهم میگردد. بنای آزادی فقط بوسله دستانت قدرت - مندخلقهای تحت سم‌برسا میشود، حاصل‌حزبی زمین حکومت خلقها، فقط با خون سرخ سم‌دبدگان میسر است! فقط آزمنان که توده‌های مسلح تحب رهبری بیولتاریا متشکل شوند و سرچم‌قیام عمومی را به اهتزاز در آورند، می‌توانند دولت نزاری متکی به سرنیزه را واژگون کنند. نه عنارات توخالی و بی‌معنا، نه نزیسی-محتوای "خودمسلح ساری"، بلکه تسلیم واقعی و وحقیقی و فنام مسلحانه! وان همان بلاس و بیبشروی کنونی بیولتاریای سراسر روسه می‌باشد.

استالین را دشمن خود میدانند. همه این مرتجعین میگویند تا نام رفیق استالین را سا توطئه سکوت ویا کشف ترین اتهامات ضد انقلابی بفراموشی بسارند. اما آیا میتوان مهربان استالین که یکی از رهبران کبیر بیولتاریا و خلقهای جهان است را از قلبهای کارگران و زحمتکشان سراسر کبیتی پاک کرد؟ نه، هرگز! ما رکبیت لنینبستیا که وفا دار به انقلاب است و سوسیا لیسم میباید شند همیشه خا طره رفیق استالین را گرامی داشته و برچم سرخ او را همچنان در اهتزاز نگاه خواهیم داشت. ما درسا لروز درگذشت رفیق استالین یک نوشته ارزنده او را به طبقه کارگران تقدیم مینمایم:

در مارس ۱۹۵۲ رفیق کبیر ژوزف استالین درگذشت و با مرگ خود جهان زحمت و کار را در اندوه بزرگی فرو برد. رفیق استالین بعد از مرگ لنین بزرگ بمدت ۳۰ سال در رأس حزب بلشویک و کشوری شوروی سوسیالیستی قرار داشت. و در طی این دوران در هدایت ساختمان سوسیالیسم نقش برجسته‌ای بعهده داشت. او با اتکا به تزلزنی ساختمان سوسیالیسم در یک کشور بزرگ: راه‌های آهسته حزب را در پیشرفت اقتصاد سوسیالیستی هدایت کرده و طی مبارزات سر سختانه‌ای خط مشی‌های ضد انقلابی و تسلیم طلبانه تروتسکی و بوخارین را درهم شکست و نشان داد که لنینیسیم یگانه خط مشی بیولتری در راه ساختمان سوسیالیسم بشمار می‌آید. در جنگ جهانی دوم رفیق استالین در هدایت مبارزات ضد فاشیستی سراسر کبیتی و در شکست فاشیسم هیتلری نقش ارزنده‌ای ایفا نمود و نشان داد که امپریالیسم و فاشیسم قدره در هم شکستن سوسیالیسم نمی‌باشند. استالین در رأس حزب بلشویک و فا دار به انترناسیونالیسم بیولتری بود و با حمایت و پشتیبانی از بیولتاریای بین‌المللی و خلقهای زمرننده جهان نشان داد که پرچم در انقلاب و سوسیالیسم است.

آری نام رفیق استالین با تاریخ بیروزی - های سوسیالیسم و شکست بورژوازی عجیب است. نام رفیق استالین با تاریخ مبارزه طبقاتی بیولتاریا و انقلاب بیولتری گمراه خورده است. استالین مظهر ساختمان سوسیالیسم شکست سرما به داری و فاشیسم است و به همین خاطر است که تمامی مرتجعین جهان کینه توزانه به او حمله میکنند. همه امپریالیستها، همه سرمایه‌داران، همه دولت‌های ارتجاعی، همه رویزیونیستها، همه تروتسکیستها... بدرستی

★ به همه کارگران!

اس‌فام سرور و مندانه است که دولت را مطلوب خواهد کرد. اما دولتهای شکست خورده و مطلوب نده اغلب دوباره سرخا سنا اند و ممکن است در مملکت ما نیز جنس شود. فردای پس از فنام، سروها و عوامل ارتجاعی که هنگام وقوع فنام در کبیتی لمیده بودند از گورهای خود سرور جزیده و کویس خواهند کرد که دولت را محدود روی کار آورند. اس جنس است که دول مطلوب دوباره بسا مسخرند. توده‌ها البته با بسی افدانات اس عوامل و سروهای سنا خلوگری بعمل آورند. و آنها را مهدم سارند! احاسرای انجام اس امر، بوده‌های مسلح بیروسی اس فنام با بسی اربیر و جوان منکدل در اربیر انقلابی با شناسایی کامل از انقلاب سنا اسفاده از همه راهها، از افدانات عوامل مردور و ارتجاعی خلوگری بعمل آورند.

فقط آسرنان که سوده‌های سرور در اربیر انقلابی منکدل شدند در خواهند بود که سنا سیدام سروها و عوامل سنا و محفکا آه سنا سردارند. فقط اربیر انقلابی اس که سنا افدانات حکومت موقت سرور میدهد. فقط حکومت موقت اس که مسوا بد مجلس موسسان عمومی که با بسی جمیوری دموکراسیک را برقرار دارد

سرفروند نخواهد آورد، تن در نخواهد داد و دمکسی نخواهد کرد. آنان که خواهان گرفتن امتیازات جزئی از دولت میباشند معتقد به نابودی و سرنگونی دولت نیستند. اما بیولتاریا اس اعتقاد و اطمینان کامل را دارد. آنان که در انتظار "مراحم" دولت نیستند، ندیده توانایی و عظمت نیروی انقلابی اعتماد دهند. اما بیولتاریا در کمال اعتقاد و اطمینان بسا سوانایی عظم خود و عظمت انقلاب به پس سرورده! بیولتاریا هرگز انرژ و سروری انقلابی خود را صرف اسن جنس خواستهای جزئی و سنا کند نخواهد کرد. و فقط یک خواست به حکومت مطلقه عرضه میکند: مرگ او! سرنگونی او! سنا سرن برپهنه وسیع آسمان روسه بر سدهای بی‌سکانه و جسورانه بیولتاریا هر دم سنگن تر میشود: "مرگ سردمای دولتی"، "درود بر مجلس موسسان همگامی"، "اسن اسن بلاس کوشس و هدف کنونی بیولتاریای روسه.

طوفان انقلاب می‌غرد! خلق‌های انقلابی روسیه مصمم استوار برای برانداختن دولت نزاری بسا خاسته‌اند! پرچم‌های سرخ در اهتزازند، سنگرها بسا شده‌اند، طوفان توده‌های مسلح، موسسات دولتی را یکی پس از دیگری منهدم می‌کنند، فریادهای دلاورانه از همه جا شنیده می‌شود، امواج فروکش شده دوران رکود! بنگ بر-جوش و خروش میشود، کشتی انقلاب تحت رهبری بیولتاریای روسه با سرعت هر چه بیشتری دریای آزادی را می‌بیماند.

بیولتاریای روسیه خواستار چیست؟ و به کجا میرود؟

انهدام دومای نزاری و برقراری مجلس موسسان - این است خواست بیولتاریا در حال حاضر بیولتاریا خواهان گرفتن امتیازات جزئی از دولت نیست، و خواهان انقای "حکومت نظمی" و "شکنجه" در بعضی دهات و شهرها نیست بیولتاریا در برابر این جنس خواستهای جزئی

حاضر نماید. ارتش انقلابی و حکومت انقلابی موقت - تلاش کنونی پرولتا ربا در جهت تحقق آرمانهایش میباشد.

این راهی است که انقلاب روسیه انتخاب کرده است. این مسیری است که پیروزی خلق را هدایت میکند و پرولتا ربا خواهان آن است که کلیه نیروهای خلقی در این راه گام بردارند.

حکومت مطلقه تزاری سعی در مسدود کردن مسیر انقلاب توده ها دارد، او با کمک سانسور دیروزانتشار ردا درخواست بازداشتن این جنس عظیم را دارد. امواج دریای برجوش و خروش انقلاب بیرونی دولت تزاری را منهدم کرده و آنرا به زباله دان تاریخ خواهد سپرد...

آنان که از مسیر پرولتا ربا منگیزند - تنفر و حقارت بر آنان با دانتان که در کمال پستی و ذلوتی و خواری به انقلاب خیانت می کنند شرم بر آنان که در چنین مسیری ره می سپرند! در حقیقت آنها با پستی تمام از حقیقت می ترسند!

ما از حقیقت و انقلاب ترسی نداریم! بگذار و تندرانقلاب هر چه شدید تر بفرود! بگذار طوفان انقلاب خشمگینانه تر طغیان کند! ساعت پیروزی نزدیک است!

و سپس شعارهای پرولتاریای روسیه را با حرارت بیشتری اعلام کنیم: مرگ بردوای دولتی! پیروزی با قدام مسلحانه! پیروزی با ارتش انقلابی! پیروزی با حکومت انقلابی موقت! پیروزی با مجلس موسسان همگانی! برقرار با جمهوری دموکراتیک! پیروز بسا دپرولتاریا! (استالین - کلیات آثار - جلد یکم)

بقیه از صفحه ۱۰ کمی نیستها...
رفقای هوادار سازمان چریکهای فدائیی خلق (اقلیت) و رفقای فدراسیون کارگران و دانشجویان ترکیه نیز قرائت شد. این برنامہ موفق ۵ ساعت بطول انجامید.

بزرگداشت سالگرد قیام بهمن در قم

بمناسبت بزرگداشت قیام بهر شکره بهمن ۵۷ رفقای هوادار سازمان در قم با فعالیتها و مستقل و نیز در همکاری با رفقای هوادار سازمان "وزندگان" با انتشار تراکت و پخش نشریه و... بنیام خونین انقلاب را بمیان توده های زحمتکشی برده و با تبلیغ لزوم رهبری طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک و... دستاوردهای قیام را گرامی داشتند.

بقیه از صفحه ۱۵ لایحه...

قلعدها میسند. و آنجا که بای با سداران بمان کشیده میشود، سنجیدن آنها را نترسه منما بد: "اسلحه کشدن تک با سداره روی مردم با نوجه به شناختی که از با سداران دارم چه چیزی را نشان میدهد؟ حزبکاشنا و خط؟! او بسدن ترتیب با تظہیرا ملسن کشتا ر سرسردگی خودو سهم بودن در این حنا بیت را اثبات میکند.

مردم مبارز کاخ و کتابان!

این واقعه کنایه رسیگرمایا هیت ضد مردمی و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهایش را به شما پیش گذارد، و نشان داد که در میان جناحها و دسته بندیهای رژیم خوب وجود ندارد، همگی خواهان سرکوب مردم و انقلابیون هستند بنا بر این از این پس ما بدرجه آگاهانه تر و

بقیه از صفحه ۶ ضربات...

کوبگران اموال چند منزل را غارت کردند و مردم را جمع کرده و از آنها خواستار تحویل اسلحه شدند. ولی با مقاومت روستائیان مواجه شده و ۸ نفر از آنها را دستگیر و با خود بردند طی این مدت دودسته از پیشمرگان کومه له (پل شهید جلال) که در منطقه بودند بطرف نیروهای دشمن حرکت کردند و در مسیر ستون به کمین شسته بودند.

در ساعت ۱۲ ظهر هنگامیکه ستون برای ادامه اعمال جناح یکتا را نشان از عازم روستاهای مجاور بود، به کمین پیشمرگان کومه له افتاد و زیر آتش سلاحهای سنگین و سنگین آنها قرار گرفت دشمن که پس از ورود بدون درگیری خود بیروستای "که رجو" انتظار چنین حمله برق آسا و کوسنده ای را نداشت، سرا سیمه و وحشت زده نیروهایش پراکنده شد و از بی شروی با زمانده و مجبور به عقب نشینی گردید. درگیری دوساعت ادامه داشت و طی آن تلفات زیادی به ارتشیان و جانشینان و سداران وارد آمد. در تمام طول مدت درگیری روستائیان زخمی و زحمتکش فعالانه در سنگرها به پیشمرگان کمک میرساندند. در جریان عقب نشینی ستون یک زبیل و یک جیب دشمن بدره سقوط کرد که در نتیجه آن عده ای کشته و زخمی شدند. از مجموع تلفات دشمن در این نبرد اطلاع دقیقی در دست نداریم. پیشمرگان بدون هیچ گونه آسیبی به پایگاههای خود بازگشتند (به برنامہ ۱۲ کومله)

ضمیمه تئوریک - سیاسی (۲) منتشر شد

مارکسیسم - لنینیسم
و
دیدگاه اپوز توئیستی
"تشیکیات دوران گذار"

پیکار

تولید و توزیع: ۱۳۷۳ خا قاپول

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰ لیر

موضوع: این کتاب به بررسی دیدگاه اپوز توئیستی در مورد مارکسیسم و لنینیسم میپردازد و به تحلیل شرایط ایران در دوران گذار میپردازد.

متحد ترسازات خود را پیش ببرند. در این راه تمامی نیروهای انقلابی و کمونیست های راستین دوشا دوش شما حرکت خواهند کرد - کمونیستها از برجسها و تهمتها بی که مرتجعین بدانان میزنند با کی نداشتند و در راه منافع کارگران و زحمتکشان از نثار جان خود نیز دریغ نمی ورزند. ما آنچه را که نبا بد نظر دور داشت اقدامات دوستان دروغین مردم میباشند. اینها که ازواستگان و حامیان بیرویا قرص رژیم جناح یکتا رشا میباشند، بهنگام اعمال ضد مردمی رژیم کتونی، خود را مدافع مردم میزنند، اما در حقیقت آنان مدافع رژیم حاکم می باشند.

با تمام قوا به افشای اعمال ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی بپردازیم! مبارزات خود را تنها با اتکا به خود و کمونیستهای راستین به پیش بریم!

توطئه ننگین ترور رفیق مسئول کومه له در اشنویه را محکوم می کنیم

خاشنین به خلق و مزدوران امپریالیسم و ارتجاع که از وجبگری جنبش مقاومت خلقی قهرمان کرد و پیوند هر چه بیشتر انقلابیون کردستان با خلق کرد به وحشت افتاده اند، برای تامین منافع ارتجاعی خود و ضربه زدن به جنبش انقلابی خلق کرد از هیچ جنایتی فروگذار نیستند. آنها دشمنی خود با نیروهای انقلابی در کردستان را به اشکال مختلف عیان میکنند که از نمونه های اخیر آن، توطئه خاشنا نه ترور رفیق مسئول کومه له در اشنویه بود که توسط این مزدوران ترتیب داده شده بود.

روز ۱۶ بهمن مزدوری با سروروی بسته، رفیق مسئول کومه له در اشنویه را از فاصله چند متری به رگبار مسلسل میبندد اما خوشبختانه این توطئه ضد خلقی و خاشنا نه عملی نشده، رفیق مسئول کومه له با اما بت یک گلوله زخمی میگردد و مزدور تروریست با بفرار می گذارد.

این گونه توطئه های مذبحها نه که از جانب محافل ضد انقلابی طرح و برنامہ ریزی میشود، جز در خدمت حاکمیت رژیم جناح یکتا رجمه پوری اسلامی و مزدوران امپریالیسم و سرکوب جنبش خلق قهرمان کرد نمی تواند باشد. ما ضمن محکوم کردن توطئه جناح یکتا رانه ترور رفیق مسئول کومه له در اشنویه، در مورد توطئه های ننگین و جناح یکتا رانه محافل مزدور و ضد انقلابی در جهت بشکست کشاندن جنبش خلق کرد برای تامین منافع کثیف خودشان، به کمونیستها و نیروهای انقلابی و خلق قهرمان کردها هشدار می دهیم!

۱۷ اسفند روز بین المللی زنان گارگرو زحمتکش گرامی باد!

«هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نمی‌رسد.» (لنین)
ستمد و گانه بر زنان زحمتکش یکبار بخاطر زحمتکش بودن آنان و برادر بگریختن بودن آنهاست. در جمهوری اسلامی نیز مانند همه جوامع سرمایه داری نه تنها زنان زحمتکش همپای مردان زحمتکش سرکوب و استثمار می‌شوند، بلکه شخصیت انسانی زنان نیز دستخوش تحقیر قوانین قرون وسطایی است.

تلمه میرزا لیسوم سرمایه داری است که مینواستند به همه ستم‌های جامعه سرمایه داری نسبت به همه زحمتکشان و سوزناکان باستان بخشند. تنها در جامعه سوسیالیستی است که ستمها دیگر از ستم و استیصال وحشی نیست، بلکه زنان و مردان زحمتکش از حقوق مساوی برخوردار دارند. اگر در جامعه سرمایه داری زنان را ستم دارند و ستم دارند اما مال حسی ناشن آورده می‌شود... در سوسیالیسم زنان بدون اتحاد با ستمی در اجتماع

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



در ۱۷ اسفند ۷۳ سال پیش (۱۹۵۸ میلادی)، زنان کارگر آمریکا برای بدست آوردن حقوق سیاسی برابر با مردان، در مخالفت مزد مساوی در برابر کار مساوی با مردان، بدست آوردن امتیازاتی اقتصادی و عمدتاً سیاسی دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات توسط پلیس سرکوبگر سرمایه داری آمریکا بخون کشیده شد و زنان کارگر بسیاری در خون خود غلطیدند. بین الملل دوم کارگران (سازمان جهانی جنبش کمونیست آن زمان) چندی بعد، این روز را به عنوان روز همبستگی زنان کارگر جهان اعلام کرد. زنان کارگر زحمتکش و تمامی طبقه کارگر زحمتکشان ایران نیز خاطر مبارزات قهرمانانه زنان کارگر آمریکا بر علیه سرمایه داری را در این روز در شرایطی گرامی میدارند که خود در جمهوری اسلامی شدیداً زیر فشار ستم دگانه قرار دارند و از یک طرف زحمتکش بودن، استثمار و رواج می‌شوند و شیره جانشان در کارخانه ها و مزارع و کارگاهها توسط سرمایه داران و همه مفتخوران مکیده می‌شود و در مبارزه خود مانند مردان زحمتکش سرکوب میگردد از طرف دیگر ستم دیگری نیز بخاطر زنان بودن بر آنها روا داشته میشود.

در رژیم جمهوری اسلامی شخصیت انسانی زنان را تحقیر کرده و عملاً نصف ارزش مردان را برای وی قائل است. زن نیمی از ارزش را در مقابل پسه با مردان میبرد. حق قضاوت را ندارد. حق انتخاب شغل به شیوه های گوناگون از او سلب میگردد. مزد زنان زحمتکش در مقابل کار مساوی با مردان از مردان زحمتکش کمتر است و سرمایه داران با استثمار زنان، پول بیشتری به جیب میزنند حق طلاق با مردان است و زنان از حقوق مساوی در ارتباط با مسائل خانوادگی، اداره فرزند و... برخوردار نیستند. جمهوری اسلامی بعنوان یک دولت سرمایه داری با وقاحت تمام ارزش انسانی زنان را که مانند مردان در تولید اجتماع شرکت دارند ستم و در مبارزات انقلابی جان مسابزند، نفی کرده و بطرز شرم آور آنها را تا سرحد انسانی برای بر آوردن "تیا جنسی" پائین می‌آورد در جمهوری اسلامی نه تنها یک مردمیتوانند با چند زن ازدواج کنند بلکه با برسمیت شناختن "میغه" در واقع فحشا رسمی رادامین میزند و به شخصیت زنان توهین میکند اکنون در بسیاری از کارخانجات و ادارات

جامعه ای آزاد و در حرکت نسوی جامعه ای بدون طبقه همپای مردان شرکت دارند، زنان زحمتکش ایران برای رسیدن به چنین جامعه ای با ستمی به نبرد خوبش ابتدا برای تحقق جمهوری دمکراتیک خلق، بعنوان ان بلکایی برای تحقق سوسیالیسم تا پیروزی نهائی هم - دوش با مردان زحمتکش ادا می‌دهند. "در جامعه ای که به برهان ستم روا داشته میشود، آزادی برای زحمتکشان وجود ندارد!" "آزادی زنان تنها با آزادی همه کارگران و زحمتکشان از فساد و بند سرمایه امکانپذیر است!" "تنها جامعه بی طبقه میتواند به ستمکاری نسبت به زنان خاتمه دهد!"

اینک نیز با بیبای مردان به مبارزات خود ادامه میدهند زنان کارگر، زنان کرد، ترکمن و... دوش بدوش مردان برای نابودی سرمایه داری وابسته می‌زنند. علاوه بر شرکت فعالانه در مبارزات خونین با امپریالیسم و رواج، زنان زحمتکش ایران برای بدست آوردن حقوق عادلانه برابر با مردان نیز به مبارزه خود ادامه میدهند و بر علیه تمامی ستمهایی که رژیم جمهوری اسلامی به آنها تحمیل کرده است با خواسته اند. اما زنان زحمتکش ما با بدبختی و ستمی که تنها با نبرد دلاورانه آنها همدوش مردان زحمتکش بر

زنان بخاطر زنان بودن، استخدام نمیشوند و تعداد زیادی نیز بیکار شده و یا در خطر بیکاری قرار دارند. جمهوری اسلامی میکوشد تا زنان را مانند قرون وسطی در خانه ها محبوس کرده مانع شرکت فعال آنها در زندگی تولیدی و اجتماعی گردد. کارهای سنگین، شب کاری و... با کمترین دستمزد بعهده زنان کارگر گذاشته میشود. زنان زحمتکش ایران با بیبای مردان در مبارزه خونین بر علیه شاه خائن شرکت داشتند و صد ها شهید در ۱۷ شهریور ۵۷، از خود بجای گذاشته، زنان انقلابی دلاوری که در زمان شاه شکنجه و تیرباران میشدند

بقیه از صفحه ۳۲ **لیبرالها...**

بورژوازی قرار دهند.

در شرایط حاضر لیبرال‌های فربیکا رنگران اوضاع هستند. کدام اوضاع؟ اوضاعی که حزب جمهوری با سیاستهای آشکارا ارتجاعی و عقب مانده خود، نتواند از اداره سرمایه‌داری وابسته و جلوگیری از رشد جنبش است. کمونیست‌ها و انقلابیون صدیق از رشد انقلاب استقبال میکنند اما مرتجعین و از آنجمله لیبرال‌ها از رشد انقلاب میهراسند. تاریخ مبارزه طبقاتی دوره اخیر ایران شاهد این مدعاست. کارگران ما هرگز فراموش نکرده اند که در دوره آخر حیات ننگین رژیم شاه مزدور لیبرال‌ها با ناعنگاری برای "علیحضرت" شان شاه را از خطر انقلاب آگاه میساختند و به او میگفتند دیکتاتور را تخفیف بده تا ما هم شریک قدرت شویم و با کمک همدیگر جنبش انقلابی توده‌ها را متوقف سازیم. آری هیچکس این تاریخ زنده را فراموش نمیکند! و امروز ما می بینیم که همان داستان تکرار میشود. امروز نیز لیبرال‌ها به حزب‌ها میگویند "انحصارطلبی" را کنار بگذارید تا متحداً انقلاب را سرکوب کنیم. سحابی خاثن میگوید ما در پی سقوط دولت نیستیم چرا که این امر "هرگز با روحیه و طرز تفکر ما انطباق ندارد. ما در این دیدار و قدر و مقدار جز حق گوشتی و حق خواهی و روشنگری و چاره اندیشی نسبت به وضع آشفته خطرناک موجود وطن نظری نداریم." سحابی در واقع میگوید ما حق لیبرال‌ها را میخواهیم تا با چاره اندیشی متحدانه، خطر انقلاب را دفع نمائیم. این است کینه صحبت لیبرال‌ها خاثن!

لیبرال‌های خاثن سهم بیشتری از حزب‌های خاثن می طلبند

لیبرال‌ها که امروز در دستگاہ دولتی در موضع مسلط قرار دارند از حزب‌ها "حق خود را می خواهند. لیبرال‌ها بر آنند که در برپا کردن حکومت جمهوری اسلامی که محصول سازش خاثنین به خلق با امپریالیسم است، نقش قاطعی داشته اند. لیکن امروز سهم لازم خود در قدرت سیاسی برخوردار نیستند. با زرگان این خیانتکار کهنه کار میگوید: "ما ضمن آنکه مخالف و معترض نسبت به خیلی خرابیها و خطاها و خلافها (ی حزبها) هستیم و آنها را نقاط ضعف و زیان و بلکه ننگ میدانیم ولی در اصل و اساس با انقلاب (منظور سازش است) و نظمی که خود را ایجاد و استقرار آن شریک بوده ایم مخالف و دشمن نیستیم. آری با زرگان ما با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم با ستمگری علیه خلق مخالف نیستند. چرا که هستی لیبرال‌ها (همانگونه که حزب‌ها) در گرو وجود همین سیستم متمدنی قرار دارد. بازرگانها جزو طبقه بورژوازی بوده و بورژوازی نمیتواند با سرمایه‌داری وابسته و رژیم مدافع آن مخالف و دشمن باشد. آری با زرگان من میگویم طرفدار

قانون اساسی ارتجاعی موجود هستیم و تضعیف و تردید در آن واژگون کننده اساس نظام است. و چرا که لیبرال‌ها همانند حزب‌ها طرفدار این قانون اساسی نباشند. قانونی که مالکیت سرمایه‌داری را بر سمیت می شناسد، قانونی که استعمار کارگران را حق سرمایه‌دار میداند، قانونی که هیچگونه اعتراضی علیه حضور امپریالیست‌ها و سرمایه‌های چپا و لگرتان ندارد، قانونی که جز فقر و ستم و استعمار برای کارگران و سایر توده‌ها حق دیگری قائل نیست. آری با زرگانها مدافع و پاسدار همین قانون اساسی و ضد مردمی هستند. پس اختلاف در کجاست؟ لیبرال‌ها مخالف "انحصارطلبی" حزب‌ها می باشند. چرا که این انحصارطلبی، لیبرال‌ها را در اعمال سیاست خود محدود میسازد. لیبرال‌ها می گویند با دید آزادی برای همه بورژوازی فراهم باشد. لیبرال‌ها میگویند با "انحصارطلبی" تک حزبی "داشتن با دید یکتوری کل طبقه سرمایه‌دار را عمل کرده. یزیدی این دلال سازش با امپریالیسم میگوید: "اشکال اساسی در... اختلاف دو بینش و نگرش از فلسفه سیاسی است. یک بینش به جامعه با زوآزاد بر اساس موازین اسلامی و قانون اساسی اعتقاد دارد، بینش دیگر معتقد به اداره کشور بر اساس حکومت تک حزبی است. "یزیدی ادامه میدهد: "دولت سمبل و آلت فعل یک جریان سیاسی حاکم است تا آن تکسر سیاسی انحصارطلبی تا تغییر پیدا نکنند. آن جریان اصلاح نشود، دولت مطرح نیست. این دولت مجری نظرات و کرایشات همان جریانی است که معتقد به حکومت حزب واحد است." یزیدی به حزب‌ها میگوید با دید بینش اتخاذ کرد که "به جا مع با زوآزاد" معتقد است. یعنی جامعه‌ای که در آن همه بخش‌های بورژوازی بتوانند در ماشین دولتی سهم مساوی داشته باشند یعنی جامعه‌ای که در آن لیبرال‌های خاثن در کنار حزب‌های خاثن در "اداره کشور" به یک میزان سهم‌ها باشند. یزیدی همانند همه لیبرال‌ها آزادی برای کارگران و سایر توده‌ها نمیخواهد اینان آزادی برای بخشی از بورژوازی میخواهند. اینان میگویند چرا را دیوتولیزون فقط در خدمت حزب‌ها باشد؟ چرا نمایندگان لیبرال در نطق قبل از دستور مجلس نباید از حقوقی برابر حقوق حزب‌ها برخوردار باشند؟ چرا در نماز جمعه فقط حزب‌ها باید حرف بزنند و نه لیبرال‌ها؟ چرا دولت رجائی وزیران خود را از میان لیبرال‌ها انتخاب نمیکند؟ چرا در پیشبرد مورقفاشی لیبرال‌ها را بازی نمیدهند؟ می بینید که خواست های لیبرال‌ها چیست؟ لیبرال‌ها میخواهند همانند حزب‌های مرتجع از حقوق برابر برخوردار گشته و دولت را بر خود برسانند. بنا بر این لیبرال‌ها برای دمکراسی و آزادی کارگران و سایر توده‌ها نمیتوانند و نمیخواهند مبارزه کنند مگر لیبرال‌ها در کنار حزب‌ها با رها و با رهسار جنبش کردن ستان را سرکوب نکرده اند؟ مگر لیبرال‌ها در کنار حزب‌ها بدقعات بسیار کمونیست‌ها

را در زندان شکنجه نکرده و اعدا منصوصه اند؟ مگر با رها و با رها قوای سرکوب رژیم تظاهرات توده‌ها را بخون نکشیده اند و مگر لیبرال‌ها و حزب‌ها این سرکوب‌ها را تا شنیده اند؟ آیا سبکبار دیده اند که لیبرال‌ها علیه سرکوب کارگران و کمونیست‌ها لب به اعتراض بگشایند؟ هرگز و هرگز! لیبرال‌های مرتجع بنا بر ما هیت طبقه خود موافق سرکوب خلق اند و در این جنایات یا روهمدست حزب‌های مرتجع میباشند. آری همه بخش‌های هیات حاکمه دشمن انقلاب میباشند. آری مسئله اصلی لیبرال‌ها گرفتن "حق خود" از حزب‌ها میباشند.

لیبرال‌های خیانتکار از انقلاب توده‌ها وحشت دارند

اما لیبرال‌ها برای چه میخواهند موقعیت خود را از دستگاہ دولتی تقویت کنند؟ در پاسخ به این سؤال با بدگفت عامل اساسی طرح این خواست وحشت از انقلاب توده‌هاست. لیبرال‌ها می بینند که جنبش توده‌ها همچنان اوج میگردد و حزب‌ها لیاقت متوقف ساختن آن را ندارند. بنا بر این خود میگویند تا به شیوه خود بر انقلاب مبارزه و آنرا به انحراف بکشانند. آنها می دانند که در صورت وقوع انقلاب توده‌ها مرگ حضی کل بورژوازی ایران ناگزیر خواهد بود و بنا بر این تلاش میکنند تا با توطئه‌های خود انقلاب را سرکوب نمایند. آنها تلاش میکنند تا با برنامه های خاص خود به این هدف فدا انقلابی ناشل آیند. یزیدی خاثن میگوید: "ما این مشکلات را میدانیم ما آیا بدلیل این مشکلات میتوان از طرح برنامه‌های اصولی و منطقی خودداری کرد؟ یا آنکه با نداشتن کارها و بی کفایتی‌ها برنامه مشکلات افزودن بجای که خدای نکرده به یک فاجعه بزرگ و متلاشی شدن منجر گردد؟" او اضافه میکند: "عدم نظم و سازماندهی در این مرحله از انقلاب موجب تشدید بحرانهای اقتصادی، تشدید تورم و رکود و بیکاری و موجب بروز هرج و مرج و ناامنی میگردد." (تا کیدازماست).

می بینید لیبرال‌ها همانند حزب‌ها چگونه از او جگری جنبش و انقلاب میهراسند؟ لیبرال‌های خاثن به حزب‌های فدا انقلابی ایراد میگیرند که شما نمیتوانید بحران را رفع کنید و جنبش را بخوابانید. لیبرال‌های خاثن میگویند اگر "برنامه‌های اصولی" جهت بازسازی سیستم

سرمایه‌داری وابسته و سرکوب انقلاب اراشه ندیم "فاجعه بزرگ" بوقوع می پیوندد. آری لیبرال‌های خاثن همانند همه مرتجعین از انقلاب وحشت داشته و آنرا "فاجعه و هرج و مرج و ناامنی" میخواهند و بر آنست که انقلاب توده‌ها برای همه سرمایه‌داران و از جمله لیبرال‌ها فاجعه مرگ آوری خواهد بود. اینجا است که ما هیت دغلیکارانه و مرتجعانه لیبرال‌ها آشکارتر می گردد. اینجا است که روشن تر میشود که لیبرال‌ها

پنجم از صفحه ۲ سر مقاله...

حزب نمی دهد) و نه لیبرالها، قدرت و توان آن را دارا نند که با تکبیرا بزارها و پابندهای توده ای موجود خود، دست به یک تعرض نهائی بر علیه جناح دیگر، که اکنون مهمربن ابزار هسلای قدرت دولتی را در فضا ده؛ رد، دست زند.

چنین مجموعه ای از عوامل و عناصر، هشت حاکمه را درین بستی از حل تضادهای درونی آن، گرفتار ساخته است، که هیچگونه جسم انداز روشنی در حل فاطح آن برای جناحها، ترسیم نمی کند. پیوده نیست که هر یک از جناحها علیر عم بنح - ها شی که بر چهره بکدیگر مکنند، در پایان هر دو از درگیری، به تلاش های سترون خویش نومندان چشم میدوزند، و "خدا" را به شهادت بی ظلمند!

تفسیر تدریجی توازن توان تو در هیئت حاکمه به نفع حزب جمهوری، لیسرالها را به یک نیروی "پوزسیون" ارتجاعی در درون هیئت حاکم تبدیل کرد این تفسیر توازن نیروها و شکل گیری تضاد در بالا در هیئت و تناسب جدید آن، با عست شکل گیری تناسب خاص و نویسی در فوای ساسی و نیروها و احزاب در ایران گردیده است. تناسبی نوین هم در درون حبه بورژوازی بطور کلی وهم در درون جنبش کارگری و انقلابی و اصعبت این است که پوزسیون ارتجاعی بختیار هم اکنون و قبل از آنکه بمسوان بک آلترا تیبوستقل، همچون گذشته عرض اندام کند در یک طیف تجزیه ای بطور بیلا واسطه با واسطه، در اتحاد با جناح لیبرالهای درون هیئت حاکمه، جبهه متحدی در برابر جناح حزب بوجود آورده است. و بدی صدرانه "زعامت" و نسا سندی خود سرگزیده است. بدی صدر هم اکنون خواسته با خواسته نه نقطه وحدتی در بخش وسیعی از اقشار بورژوازی که زنجیر آن از درون هیئت حاکم تا خارج از آن یعنی از بورژوازی لیبرال، تا بورژوازی بزرگ انحصاری کشنده مشهود، تبدیل گشته است. این طیف به رعامت لیبرالها، با عوا مفرسی تمام، به جستجوی متحدینی در درون جنبش کارگری و انقلابی گرایشاتی را به نفع خویش برانگیخته است و نیروهای سیاسی معینی را به چاکرانی خویش در درون جنبش کارگری و سریل خود در درون جنبش انقلابی تبدیل کرده است، از رویزبونست های فدا انقلابی سه جانی که به عنوان متحدین استوار و نوکران نقابدار این طیف گسترده بورژوازی لیبرال عمل میکنند، بگذاریم، سا زمان مجاهدین، به عنوان بیک نیروی بورژوا دمکرات، با انتخاب یک سیاست لیبرالی در درون جنبش انقلابی به سر پیل نفوذی لیبرالها در درون جنبش دمکراتیک تبدیل شده اند.

در سوی دیگر، حزب جمهوری اسلامی، با تمام گرایشات درونی خویش رویزبونست های توده ای و اکثریتی را در کنار خود دارد و هم اکنون آنها با تمام نیرو و در جهت همراهی و یاری رساندن به این جریان ارتجاعی هستند. این آرایش سیاسی نیروها در لحظه حاضر

که زنجیر و ارهمه نیروهای سیاسی را بنوعی تحت تا شبر خود فرار داده است، بدلیل خصلت خود، اهمیت سیاسی س مهمی در جهت حرکت تضادها و سراسر وضع سیاسی جامعه، یافته است. این بک سندی سیاسی، عملا و علیر غم تمام تنو - عاتی که در نیروهای سیاسی جامعه وجود دارد، باعث شده است که سه آلترنا تسو، در برابر انقلاب و در مقابل بحران کنونی، خویشتن را نمایان سازد: آلترنا تسو لیبرالها، آلترنا تسو حزب جمهوری اسلامی، به مثابه دو آلترنا تسو ارتجاعی و فدا انقلابی، و آلترنا تسو انقلابی کمونیستی، که در مبارزه و نغی دو آلترنا تسو دیگر رشد و گسترش می باید، در واقع هم اکنون نه دار و دسته های ارتجاعی از قبیل بختیارها را می توان بیک آلترنا تسو مستقل به حساب آورد. چرا که عملا هم موسی جناح لیبرالهای درون هیئت حاکمه را پذیرفته اند، و نه سا زمان مجاهدین خلق را پذیرفته اند. و نه سا زمان مجاهدین خلق به مثابه یک نیروی بورژوا - دمکرات مترقی، بدلیل خصلت خط مشی و سیاست خود، در شرایط کنونی و جایگاهی که در مناسبات سیاسی نیروها اشغال کرده است، آلترنا تسو مستقلی را ارائه میدهد، واقعیت نشان میدهد، که رهبران سا زمان مجاهدین عملا توده ها را به مسلخ لیبرالها مکنشاند و آلترنا تسو لیبرالی را در افواج کنونی تقویت می نمایند. مجاهدین با اتخاذ سیاست و خط مشی ای که در قبالت تضادهای دو جناح رژیم در پیش گرفته اند، عملا از راه یک آلترنا تسو مستقل انقلابی بورژوا دمکراتیک و با تقویت آلترنا تسو انقلابی و کمونیستی موجود، سربا زده اند، و این سر نوشت سیاسی است که هم اکنون در پیش گرفته اند.

رویزبونست های خروشقی نیز تمام تلاشان، در مطرح ساختن تقویت و تکامل گرایش و آلترنا تسوی است که در حزب جمهوری اسلامی، و جناح خمینی تجسم یافته است. اینان نیز هم اکنون آلترنا تسو مطلوب خود را نه بگونه ای مستقل، بلکه در تکامل گرایشات درونی موجود در حزب جمهوری اسلامی و همداستان آن، مطابق تما بلات و اهداف فدا انقلابی و بورژواشی خود مورد هدف قرار داده اند.

در برابر این دو آلترنا تسو ارتجاعی، با تمام عناصر و وظیف های نا همگون درونی آن، آلترنا تسو انقلابی قرار گرفته است که با نفی دو جناح فدا انقلابی، و با تکیه بر انرژی انقلابی توده ها، علیر غم همه ضعف ها و کاستی های خود در این مرحله، به مثابه یک قطب، یک گرایش معین سیاسی، در آرایش نیروها، مطرح و موجود است و با زتاب خود را در تشکلات مختلف م. ل انقلابی و گرایشات مترقی و با لقیه نهفته در نیروهای بورژوا دمکرات، جامعه با زمی باسد. این آلترنا تسو انقلابی بیان کننده خط مشی ای است که پرولتاریا از مومع طبقات آتی و آتی خود را ارائه میدهد و نیروهای دمکرات اگر بخواهند در تحقق مناقع و خواستهای دمکراتیک وفادا

با شند، با ایداز این آلترنا تسو انقلابی و پرولتری پیروی و آشر احمایت کنند.

سیر تکامل گرایشات سیاسی در جامعه، به سه حول این سه آلترنا تسو، تکامل و تغییر میابد و سرانجام با زدودن تمام التقاطها و طیفهای بینابینی موجود، به شکل آشکار و روشن، آن ها را ما بدست می بخشند.

قطب ارتجاعی اول، یعنی حزب جمهوری اسلامی و متحدین رویزبونست آن با در پیش گرفتن یک سیاست آشکار "باندسیاهی" در جامعه و با نا شیگری تمام، علیر غم اینکه اکنون به نیروی عمده سرکوب در قدرت سیاسی تبدیل شده است، بیش از پیش در نزد توده ها افشا گردیده و به راسخیب افراد در میان توده های مردم، در غلطیده است. حزب جمهوری در پروسه حرکت خود و هر چه بیشتر در سرا شیب افراد فرو میرود، به شیوه های خشن تر و عریان تری در سرکوب جنبش، و نه تنها جنبش که در نزاع با جناح رقیب لیبرال خود، دست می یازد. حزب جمهوری اسلامی، بیک حزب ورشکسته برای بورژوازی است که دیگر در نزد توده ها "چیزی" برای عرضه ندارد و کوس رسواشی سران منفورش در هر گوشه ای بعدا در آمده و جاشی برای عوا مفریبی این حزب ارتجاعی در پیش توده ها باقی نمانده است. اما آلترنا تسو لیبرالها، هم اکنون قدرت و توان خود را نه تنها از نیروی سرمایه، بلکه همچنین از نیروی توهم توده های وسیع نسبت به لیبرالیسم فدا انقلابی میگزارد توده ها شی که علیر غم سیرا اعتلاشی مبارزه شان در دام جنبش توهمی گرفتار آمده اند، و این همان ویژگی فطری اوضاع جنبش توده ها از لحاظ ذهنی است.

ویژگی اساسی اعتلا عینی جنبش در شرایط کنونی، در این است که توام با توهمات وسیع توده هاست به نیروهای سیاسی "پوزسیون" درون هیئت حاکمه، یعنی لیبرالها، و تمام می متحدینش در خارج از حکومت می باشد. سیر تکامل تضادها و منازعات میان دو جناح، زمینه عینی این توهمات را فراهم آورده است. اگر تا دیروز، عوا مفریبی های "فدا مپریالیستی" جناح حزب، مدت زمانی توده ها را در توهم نسبت به خصلت "فدا مپریالیستی" این جناح باقی میگذاشت، (و آزادی گروگانها را میتوان نقطه پایانی بر این توهم به حساب آورد)، اکنون که کوس رسواشی حزب جمهوری و مبارزه به اصطلاح فدا مپریالیستی آن در هر گوشه و کرا نه ای به صدا در آمده است، و در پی آمد تغییر توازن نیروها در هیئت حاکمه به نفع حزب و به زیبان لیبرالها، این لیبرالهای فدا انقلابی هستند که اکنون با عوا مفریبی های "آزادخواهان" - شان، در موضع مطلوب هیئت حاکمه، به نقطه توهمی در ذهن توده ها تبدیل شده اند. واقعیت این است که بورژوازی لیبرال در ایران، هم

میتینگ روز پنجشنبه لیبرالهای ضد انقلابی را محکوم می کنیم!

کارگران مبارز، هم میهنان انقلابی!

سازندگان لیبرالهای خیانت پخته، اسامی متحدان امپریالیسم، ومدافعین سرخست سرمایه تلاش میکنند با سوار شدن بر امواج -> توده، که حاکمیت ارتجاعی بورژوازی را هدیه قرار داده است، مبارزات توده های ستمدیده ایران را به وسیله ای برای کسب مقاصد ضد انقلابی خویش بدل سازند و چهره خود را پشت ما سنگ عوام فریبانه "آزادبخواهی" پنهان سازند!

اما توده های ستمدیده خلق، چهره واقعی آنها را شناخته و لیبرالها را نیز در کشتار و سرکوب کارگران زحمتکش و خلقهای ایران در حفظ و بازسازی سیستم زخم خورده سرمایه داری وابسته و سازش با امپریالیسم در تشدید فلاکت و فقر و گران برای توده ها، با جناح حزب جمهوری اسلامی شریک دیده و بدرستی اختلافات و تضادهای دو جناح رژیم را نه بر سر منافع توده ها، بلکه ناشی از تلاش برای کسب سهم بیشتر در قدرت میدانند.

کارگران، زحمتکشان و توده های انقلابی!

با تحریم میتینگ ضد انقلابی لیبرالها، با گسترش مبارزات انقلابی خود علیه بورژوازی حاکم و همداستان رویزیونیست خائن آن، انقلاب را ادامه دهیم!

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد بیکار توده ها

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۹/۱۲/۵

کردن ما هیت رژیم حاکم و هدف اساسی انقلاب، اهمیت و جایگاه بسزائی میابد. بدون مبارز کردن ذهنیت کارگران و زحمتکشان با ایده های اساسی انقلابی، هیچ سخنی از قدرت یابی و رشد آلترناتیو انقلابی کمونیستی و رها شدن آن از سمومات لیبرالی و خرده بورژوازی نمی توان به میان آورد. وظیفه خطیر کمونیست ها، به مثابه پیشاهنگان آگاه پرولتاریا، مخاطبات خویش را در شرایط کنونی، این چنین بازمی یابد. تنها با ایفای این نقش است که می توان جنبش توده ای را در مسیر سرنگلاخی که در پیش دارد، به سلامت هدایت نمود و انقلاب را در مسیر پیروز و منتهی آن به جریان انداخت. زنده باد دسویالیسم! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

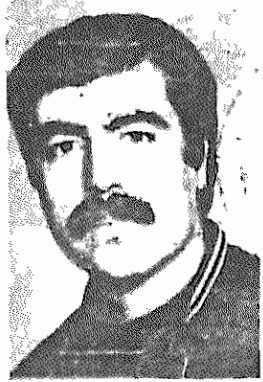
انقلابی کمونیستی است، که شرط اصلی، هدایت صحیح جنبش خلق و تکامل انقلاب ایران، در مسیر مطلوب پرولتاریا است. آنچه که به ایسن آلترناتیو عینیت بخشیده و رشد و گسترش آنرا موجب میشوند حرکت پرسرو صدا، اما خالی از مضمون کمونیست های جدا از طبقه کارگر و توده های زحمتکش، بلکه از طریق تشکل و آگاهایی بخشیدن به طبقه کارگر و هر سرش در عرصه مبارزه دموکراتیک، بدون آنکه لحظه ای از وظایف سوسیالیستی اش غافل بماند، امکان پذیر است توهم توده ها، نسبت به لیبرالها، در شرایط کنونی جنبه دیگر تاکتیک کمونیستها را در هیت کار افشاگرانه وسیع بر علیه سمومات لیبرالی در درون جنبش خلق و جنبش کارگری روشن میسازد. خلعت اساسی این کار افشاگرانه جز در ایسن نیست که تصویر صحیحی از جایگاه واقعی بورژوازی لیبرال، در مناسبات اساسی طبقات، و آرایش قوای سیاسی، در جامعه ایران، به مثابه بخشی از ارتجاع طبقاتی حاکم و طبقه مسلط، در دهه های گذشته طبقه کارگر و توده ها، بوجود آمده. جای که چه توسط لیبرالها، بعنوان ارتجاع ایدئولوژیک و چه بوسیله دموکرات های متزلزلی چون مجاهدین وسیع در میان توده ها اشاعه میابد انقلاب ایران، در مسیر خود هدفی جز سرنگونی ماشین دولتی بورژوازی ندارد. اما آنچه چیزی را که لیبرالها و متحدین سیاسی دموکراتش در صدد انجام آتند، عبارت است از سرنگونی یک جناح از هیت حاکم (هدفی که مجاهدین دنبال میکنند) و یا حذف آن از حکومت (هدف لیبرالها) تحقق چنین هدفی، به معنی دست بردن شدن هیت حاکم، و یا برجا ماندن دستگاه دولت بورژوازی حاکم و لاجرم سلطه بورژوازی به مثابه طبقه مسلط در جامعه است. و این چیزی جز رژیم میسم نیست. اگر رویزیونیست های خروشنجی با حمله به جناح لیبرالها و تطهیر جناح حزب، دستگاه دولت بورژوازی را از خطر درهم شکستن توسط انقلاب، می رها نند، مجاهدین به تبعیت از لیبرالها، عملاً همین کار را، با تطهیر جناح لیبرالها، انجام میدهند. هر دو یکسان عمل میکنند و این عمل چیزی جز رژیم میسم نیست. هر چند که یکی از موضع یک بورژوا دموکرات است - پیگیری و متزلزل، و دیگری از موضع یک دارودسته رویزیونیستی ضد انقلابی، عمل هر دو، به حفظ دستگاه دولت و پنهان ماندن آن از پیش چشم توده ها، و تبدیل هدف سرنگونی این دستگاه دولت، به هدف سرنگونی یا حذف یک جناح حکومت و یا حتی در بهترین حالت به جایگزینی عناصر و ترکیب جدیدی در حکومت بر پایه همان دستگاه دولت، می انجامد و نه چیز دیگر. درست بر همین اساس است که در تاکتیک کمونیست ها برجسته کردن هدف اساسی انقلاب و ضرورت سرنگونی بورژوازی و درهم شکستن ماشین دولتی کهنه، رابطه درونی اجزای مختلف حکومت و ما هیت واقعی تضادهای آنان، نقش رژیم میسم و لیبرالیسم ضد انقلابی در مخدوش

اکنون نه تنها در هیت ارتجاع طبقاتی، بلکه همچنین در هیت ارتجاع ایدئولوژیک نیز، در صحنه سیاسی ایران، ایفای نقش میکند. و ایسن نقش دوگانه همان ویژگی مهمی است که چهره خاصی به آلترناتیو لیبرالی در جامعه میبخشد. بورژوازی لیبرال، به مثابه قشری از طبقه بورژوازی در ایران، به مثابه طبقه مسلط و حاکم در اتحاد درونی با اقشار دیگر بورژوازی و بویژه حزب جمهوری اسلامی جزئی از نیروی سرکوب کننده انقلاب، یعنی بورژوازی حاکم است که در کلیت خویش، در برابر انقلاب قرار داشته و مانع اصلی تکامل انقلاب و جامعه را تشکیل میدهد. و این همان نقش است که آنرا به مثابه ارتجاع طبقاتی در صحنه سیاسی ایران موجودیت بخشیده است و انقلاب ایران مستقیماً سرنگونی کل بورژوازی و بورژوازی لیبرال را به مثابه جزئی از آن در دستور خود قرار داده است از سوی دیگر، بورژوازی لیبرال، به مثابه نیروی بسا لیبرالیسم میان بوسیده ارتجاعی، تلاش دارد که با اپوزیسیون نمائی، بطور وسیعی سمومات ایدئولوژیک و سیاسی ضد انقلابی خود را، با سوء استفاده از تمایلات دموکراتیک توده ها، در میان مردم نفوذ و اشاعه دهد. و میکوشد، تا انرژی انقلابی توده ها را از جهت گیری به سمت سرنگونی کل نظام سیاسی موجود، به حذف یک جناح معین و به قدرت رساندن خود، منحرف نماید. و با چنین نقشی سازش میان انقلاب، و نظام سیاسی ایران بوجود آورد. در ایفای این وظیفه، بورژوازی لیبرال بعنوان یک ارتجاع ایدئولوژیک ظهور میکند. بورژوازی لیبرال، به مثابه ارتجاع ایدئولوژیک میکوشد، بورژوازی لیبرال را به مثابه ارتجاع طبقاتی را به مثابه جزئی از طبقه مسلط حاکم، از گزند تعرض توده ها در امان دارد، و بدین ترتیب به ایفای نقش دوگانه خویش میپردازد. با چنین نقشی است که می توان به اهمیت خطر آلترناتیو لیبرالی و درهمین رابطه نقش انحرافی آن نیروهای بورژوا دموکراتی (چون مجاهدین) که عملاً به سر بل انتقالی ایسن لیبرالیسم ضد انقلابی به میان توده ها، تبدیل شده اند، پی برد. با چنین تصویری از واقع عینی و ذهنی جنبش، اکنون میتوان، مهمترین جنبه های اساسی تاکتیک کمونیست ها را به مثابه محور و اساس آلترناتیو انقلابی، و در شرایط حاضر توضیح داد.

سیرا عتلائی عینی جنبش توده ها به مثابه فاکتور اصلی تعیین تاکتیک، کمونیست ها را به اتخاذ تاکتیک تعرضی با مختطاتی که متناسب با سطح تکامل و دامنه این اعتلاست، سوق میدهد. این تاکتیک میباید در همه عرصه ها آنچنان ظهور یابد که عتلائی انقلابی توده ها را در مسیر فرار رسیدن به یک انقلاب تمام عیار، هدایت نماید. آنچه که در مرکز این تاکتیک قرار میگیرد، همانا رشد و تقویت آلترناتیو

لیبرالهای ضد انقلابی وفلاشی دیگر برای سرکوب انقلاب

یادداشت‌های سیاسی هفته



تروویک
کمونیست
در زندان!

روز ۱۷ بهمن ماه در مستنگ ساز مسکن
جریکهای مدا می خلق (اقلیت) که بدست پاسداران
چهل ورما به بخون کشده شد، یک کارگر کمونیست
رفیق فدائی جها نکیر قلعه میا ندو آب، دستگیر
شد. تلاش خانواده رفیق جها نشی نرسید تا اینکه
پس از هاروز معلوم شد که جها بیتکا ران رژیم
جمهوری اسلامی، اورا در زندان تروور کرده اند.
خبرها می حاکی از این است که جیدرفیسق را
همراه با چند جسد دیگر در بارک ارم (خرم سابق)
کشف کرده اند.

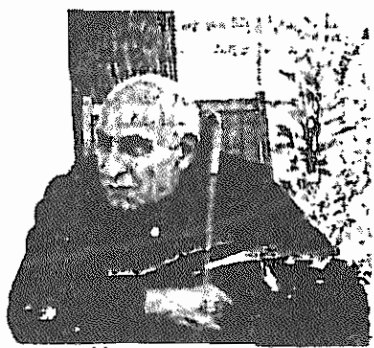
رفیق شهید جها نکیر قلعه میا ندو آب از
فعالین جنبش کارگری بود و در مبارزات خانسه
کارگر بطور خلاق شرکت میکرد.
شهادت رفیق جها ن، گواهی است بر بیاداری
کمونیستها در راه مبارزه علیه امپریالیسم و
ارتجاع و در راه هرهای طبقه کارگر تا آخرین
قطره خون.

رفیسق جها نکیر قلعه میا ندو آب در کنار
تهدای جنبش کمونیستی و انقلابی برای همیشه
در قلب زحمتکشان ما زنده است. یاد او را بسا
ادامه مبارزه با یگرای می بداریم.

گرامی باد

یاد دکتر محمد مصدق

در سالگرد درگذشت او (۱۴ اسفند ۱۳۲۶)



سرما به داری حاکم ملایس میکنم. و به وحدت
بورژوازی اعتقاد دارم و سخنرانی ما نشن
اگر چه مخالف ما "احسان رطلی های حزب" است
اما در راه مسائل و مشکلات کشور "با معنی
دیگر در راه حکومتی به بند کشیدن و سرکوب
جنس توده ها و ارائه راه حل مناسبتی جهت
اداره سرما به داری واسته ما سر بر لب
مساند.

لیبرالهای خانن و هدف آنان از برگزاری سخنرانی

هما منظور که صدا نسچین است او گسرت شده
و اعتلا می کارگران و توده ها همچنان موانع
را پس میزند و موج و ارتباط میا بد کارگران و
توده های هرجه سستری سرما س تجربه دوساله
خود و نیز فعالیت آکا هگران کمونیستها و
انقلابیون در می با بنده رژیم ارتجاعی
جمهوری اسلامی نیز ما سدر رژیم ارتجاعی پهلوی
هرگز نمیتواند و نمیشود کوچکترین نیازهای
آنان را پاسخ گوید و جز سرکوب بیشتر و قتل
فلاک گسترده تر! ارتجان دیگری ندارد و به
همین دلیل زحمتکشان جا مع ما به مبارزات
خودا داده و درسی انقلاب میا بشند. پرواضح
است که بحران فزاینده سرما به داری وابسته و
شدت گیری با زهم بیشتر تافتهای درون هیات
حاکمه و گسیختگی آن شرایط مناسبتی را جهت
وسعت یافتن مبارزات توده ای بوجود میا رود.
در بر سر این اعتدالی انقلابی توده های هرجه
بیشتری از حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی که
استکاهرمیهای اساسی قدرت را در دست دارد
کنده میشوند. اما در شرایط فقدان حزب کمونیست
و آلترنا تویو و مندم کمونیستی بخش مهمی از
اسن توده های کنده شده، به طرف لیبرالهای
جنابتکار و فریبکار متمایل میگردد. اسن
تمایل نه مخترا اشتراک منافع توده ها بسا
لیبرالهاست چرا که کارگران و توده های محروم
به لحاظ طبقاتی در تافتهای آشتی نا پذیر با کل
هیات حاکمه و از جمله لیبرالها قرار دارند.
اسن تمایل اساسی از ضعف کمونیستها و
فقدان آکا هی انقلابی در میان توده ها سبب
به همین خاطر لیبرالهای خائن با تمام قوا
میگوشند تا با کشاندن توده های نا آکا به سوی
خود، جنبش آنان را وجاه المصلحه با بخش دیگر
بقیه در صفحه ۲۸

هفته قبل تعرض آکار لیبرالها علیه جرسها
سرد. در هفته گذشته جها رشن ارتما سندان جرسه
لیبرالهای خائن در تعرض علیه جرسهای خائن
منحصره ۷ اسفند را اعلام سخنرانی کرد و
بدین ترتیب گوشه نده تا بسا دیگر جرسه
توده ها سوار شده و سکا ر دیگر ما سور خود بره
ای حدیده رفسان جرسشان و اردما زند بسا
اعلام اسن سخنرانی جرسها غافلگیر میشود. اما
کارا ساسی جهت جلوگیری از سخنرانی منسی
توانند انجا مدهند تا فقط از انجا سخنرانی
لیبرالها در انجا ممانعت بعمل میا ورنند.
اما خمینی به حمایت از جرسها به لیبرالها
هندارمده خمینی که او جرسی جرس را می
سند و میگوشتن سورژواری، سخن رهبری حزب،
علیه جنس توده ها متحد میا بشند. زیرا فشار
لیبرالهای می بدرد که سخنرانی صورت گیرد و
خطاب به پاسداران و ما سورس دولتی و در عین
حال بطور غیر مستقیم به جرسها میگوید:
"کسانیکه بخواد اهدا خلیل کنند در هر مری
ارا مورچه در سخنرانی های که از طرف شخصیت
میشود و جها حتمات مطالبی قانونی که بسا
اجا زه و سرکشورا جتمات حاصل میشود بسا بسد
شما ها مواظب باشد." (دوشنبه ۴ اسفند).

اما خمینی در همان حال با لحن تهدید آمیز
به لیبرالها میگوید:
"در گفتار شما، در نوشته های شما، اگر
چنانچه خدای نخواست یک تفرقه ای ابا میشود
یک سرکوب بخواد اهدا دشمنان خیال خودتان
از رقتسهای خودتان بکشند و اسن موجب میشود
که دل سردی برای ارتش حاصل بشود، دل سردی
برای سپاه پاسداران، دل سردی برای پامیانان
و سپه رسانی حاصل شود و یک قتلخانی واقع شود
به واسطه همین دل سردی، شما ها شریک هستم در آن
قتل." (همانجا).

بدین ترتیب خمینی به لیبرالها میگوید
نیاید به رقیبان خود ستا زدن و بسا بد در مصوف
"بالائی ها" تفرقه بسا ندازد. آری خمینی
نگران است که در شرایط درگیریهای دو جناح
"انحزام" سورژواری از بسین سر و وکل رژیم
حاکم در سرکوب انقلاب نا توان تر گردد و به همین
خاطر به لیبرالها میگوید جها "اعتدال" را بگیرد
بدین حال این کشمکشهاست که ما لاخره لیبرالها
به خمینی پاسخ میدهند که ما نیز برای انجا رژیم

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست